

رجله مالیات سالیانه توتون و نمنا و نك و مسكرات و ابريشم و ماهی تنه مالیات چند قلم مذکور بصاحبان اسناد حواله شده بواسطه بانك عثمانی و كلالی آنها تسلیم خواهد شد . از تاریخ امر روزی بموجب احكام مفاوله نامه كه در میان بانك عثمانی و جمعیت بانك مذکور كه عبارت از مسيو فوستر و امیل و دوو و فون حاس و جورج ظریفی و صلون فرناندز و برنارد وینی و اوستاس اوبیدی و تودور ماور كورداتو و لاسستو و باركر و استفانو و بیچ و لوینداس ظریفی و جورج كورنیو نام اشخاص است منعقد شده است تادیه و علاوه بر آن با واردات سالیانه روم ایلی شرقی و قبریس كه بموجب همین قرارنامه تاده سال تمام بصاحبان اسنادها واگذار شده است نیز خاطر جمعی داد خواهد شد . هرگاه مالیات مذكوره مخصوصات فوق را كفايت نكند اولاً چنانكه در ماده چهارم تصریح شده است و در ثانی هرگاه منقضی بشود از خزانه جلیله برای رسیدن بدرجه كفايت آن واردات دیگر نیز نشان داده خواهد شد .

( ماده چهارم ) بغير از يك مليون و سیصد و پنجاه هزار ایرا مخصوصات سالیانه فوق از جانب حكومت سینه بصاحبان اسناد قرضهای منتظم داخلی و خارجی اولاً بده بلغارستان را با حصه بده صربستان و قره طاغ و بلغارستان كه برای تسویه قرضهای منتظم ديوات عليه بحصه آنها اصابت میکند و بمبالغ مذكوره بدوات عليه عائد است و در ثانی يك ثلث حاصلات و ضایق هر كونه بده و مالیاتی كه در آینده گذاشته خواهد شد . ثالثاً يك ثلث از زبایدی واردات رسومات كركه كدر حین رویت معاهدات تجارتي حاصل بشود را با تفاوت و زیانی وارداتی كدر حین اجرای نظامنامه پانث در میان بده تمتع و بده پانث حاصل بشود همه اینها از امروز بطوریکه هیچ تغییر نپذیرد در مقابل مخصوصات مذكوره گرفته شده حاصلات همین سه چهارم نوع واردات برای يكك يك مليون و سیصد و پنجاه هزار ایرا مخصوصات سالیانه مذكوره نگاه داشته شده در ثانی برای علاوه کردن بقصدار قاضی بیستاد قرضهای مذكوره تخصیص کرده خواهد شد .

( ماده پنجم ) حكومت سینه بموجب صورت تسویه و قرار داد مخصوصی كه با وكلاهی صاحبان اسناد کرده است اولاً چگونگی تقسیم

يك مليون و سیصد و پنجاه هزار ایرا مخصوصات سالیانه و تخصیصات سایر را كه در ثانی علاوه شده است در میان صنوف مختلفه صاحبان اسناد قرضهای منتظم داخلی و خارجی معین نموده پس از آن چگونگی جایجا کردن تقاسیم مخصوصات سالیانه را كه در هر ششماه مقرر است تادیه بشود تعیین خواهد نمود .

( ماده ششم ) احكام این قرارنامه تاده سال جاری خواهد شد بعد از آن شرایط قطعی تسویه رأس المال و فائض قرضهای منتظم داخلی و خارجی را بموجب قرارنامه دیگر معین خواهد کرد . برای اینکه این قرارنامه بطور موقت منعقد شده است لهذا حقوق صاحبان اسناد كلكان برقرار است . حكومت سینه تامواقت و معاونت صاحبان اسناد قرضهای منتظم داخلی و خارجی منضم نشود پیش از ده سال از ته طیل و با تعدیل کردن احكام همین قرارنامه بطور قطعی خود داری خواهد نمود .

( ترجمان حقیقت )

﴿ منافع تسویه راهها ﴾

یکی از وسایط آبادی مملکت مسنوی بودن راهها است . برهمه کفان معلوم است كه هنوز در ایران شاهراهها كه از شهری بشهری پورسته است راهها بیست كه با سرسم دواب و مواشی و بواسطه كف پای پناگان بر صومالی و كوه و كتل طرح شده است خیلی كم جایجا یافت می شوند كه بسعی انسان تسویه شده باشند . و این دلیل آن است كه خلق این خطه مینوشان با فایده تسویه طرق را تفهیمیده اند و با اینکه در این باب تغافل ورزیده اند .

در هر یکی از دو صورت خالی از فایده ندانستیم كه در این باب ملاحظات خود را در خصوص منافی كه بر این كار ترتیب مییابد مسطور داریم نامعلوم كردد كه چندین منافع در اعمار طرق مضمر و چندر خسارات را خرابی آنها موجب است .

از جمله امر تجارت را ده چندین ترقی داده تسهیل امر اساله و مخاربه میکند و باریك قطار شتر و یاده قاطر و بیست اولاغرایك ارباب اسبی

بآسانی میتوانند از راه راست و صاف نقل نمایند اگر در راه خراب اسب ساعتی بکفر مخ مسافه طی نماید از راه صاف شك نیست در طرف مدت مذکور دو چندین حرکت تواند کرد . ( البته منافع نقل اسبان و كفش پادكارا هم از حساب نباید خارج است ) اگر در هر مژگی قراولخانهای منتظم نیز مقرر شود دیگر از آن بهره ترجه خواهد بود . هم خرابی راهها بزودی معلوم دیوان خواهد شد و هم مارین موغابین از شمرهه زمان این خواهند گشت . و دیگر آنكه ساكندان بلدی از محصولات و قوا كه رو خشك ولایت دیگر كه در مملکت خودشان بعمل نمی آید متلذذ شده بدین وسیله بر امر تجارت نیز افزوده خواهد شد . و در هنگامی كه مملکتی از فلت بازندگی و یا از افراط اطهار غله اسهاری پیدا کند از جاهای دیگر كه قبض و برکت شامل حالشان شده است در اندك زمانی ذخایر بسیار نقل نموده هم آنها بسودی و هم اینها جانی بدر برده اند . اگر در قحط سالی كه چندین سال قبل در ایران وقوع یافت ( خداوندبار دیگر امثال آرا بر مردم ایران نشان ندهد ) راهها صاف بودی این همه خسارات جانی و مالی بر مردم آلتیار وارد نمی آمد . چه هم كار بر فراریان سهل میشد و هم از ممالك حول و جوار بسرعت حمل و نقل ذخایر میشد و نصفاً نصف تخفیف آن بلیه میسر میگشت . در آذربایجان خلق از قلات آذوفه شكوه بر حکام میبرد و در عراق انبارهای غله را گرم میزدند در نهانند و بر جرد میوهها در پای درختان كندیدند می شود و شغال انكور را بخورد در رستان كه جوار است مردم دوشابرا اگر بدستان بیفتند غسل مصفا میشوند . اگر زحمتها بیکه زوار و حجاج از سختی راهها میکشند يك يك بیان نمائیم كار بطول می انجامد و صد از دست میرود . ولی از این معترضه تا كز بریم ( اگر قاصدان زیارت اما كن مقدسه تاریخ سال مخارج این سفر مقدس را وقف تسویه طرق نمودند پیش از آن ثواب میبردند كه بوصف در آید . )

الحاصل از زیاد تجارت و ترقی واردات دیوان اعمار ملك رفع شداید دفع مشاق سهوات معاش تتم و قور و برکت و ثروت و نعمت همه تبعدهای تسویه راهها میباشند .

# خارجیه

اخبارنامه (پل مل کازت) میگوید . ناخوشی پرنس بسارک شدت و وخامت حاصل نموده . ناخوشی منوبت روده ها نیز گرفتار شده است . (دو کشور استرک) منیب مخصوص پرنس مشارالیه گفته است که ناخوشی پرنس بسارک خیلی شدت کرده است . در نزد مشارالیه در (وارسین) همیشه دو نفر طبیب حاضر بوده است .

پرنس مشارالیه در يك مصاحبت آخری نزدیک شدن حالت قوت خود را (بمخزن شوائب) بیان کرده است .

اخبارنامه (نورد داچو ال کمانه زاپونک) در يك مقاله مخصوص خود میگوید که دولت انگلیس میتواند فقره اجرای اصلاحات را از باعالی بخواند . ولی در صورتیکه از این دأره تجاوز نمود منافع مشترکه دولتین المان و اوستریا نیز تجاوز کرده است . اینگونه بیانات اخبارنامه مذکور از آثار ماهاست . اتفاقی دولتین مشارالیهم شمرده می شود . اخبارنامه (پوانیشه کورسپوندانس) میگوید . اجرای اصلاحات بواسطه جناب محمود ندم پاشا بهتر و آسانتر از قوه فعلی برآید .

## ( تبریز - ولایت آذربایجان )

این هفته تحریرات چند از آذربایجان داشتیم که مطالعات ما را واداشت بر اینکه هم از خلاصه آنها شرحی بنویسیم . هم مطالعات خود را در آن ضمن بیان نماییم .

آذربایجان کشور تبریز مقر حکومت آن ولایت است و محدود بخود ممالک عثمانیه و روسیه میباشد مملکتی است وسیع و در موقع مهم و نازکی واقع شده است و در عهد سابقه نیز پای تخت پادشاهان بزرگ بوده است . و بملاحظات چند ساله است حکمرانی آن مملکت در عهده ولعهد

دولت علیه ایران میباشد چنانکه سالهاست حضرت اشرف والا سلطان بنظرالدين والی باعزتمکین آن ملک هستند . اهل آذر بايجان همه شاه پرست و مطیع و مردمان بجان خود هستند مع ذلك از اوضاع حکومتی - الهای پیش مردم آذر بايجان اکثر طبقات نوکرو رعیت خوشنودی نداشته اند و از این جهت باره اتفاقات برخلاف مقتضای طبیعت ، ملک اتفاق می افتاد تا در این سال از جانب دولت وضع دیگری اندیشیده شده شخص حضرت اشرف والا ولعهد را در رتی و فنی کلیه امور اختیار داده شده . شخصی را هم که آگاهی از وضع مملکت و مزاج اهالی داشت بر حسب انتخاب حضرت والا بپیشکاری آنجا فرمودند و پیشکاری مملکت از جهت داخلیه و امور لشکر و کشور بجانب میرزا قهرمان امین لشکر محول و مهمام خارجه و حدودیه به عهد جناب میرزا عبدالرزاق خان ساعدالملک ایلچی سابق پترسبورگ موکول گردید . مردم آذر بايجان و خصوص شهر تبریز که امروز بزرگترین شهرهای ایران و مرکز تجارت عمده ایران است بکمال شوق و امیدواری این قرارداد و وضع جدید را تیی کردند . جناب امین لشکر بهمد از ورود تبریز در رکاب حضرت والا ولعهد بیان نامه نوشته منتشر کرده اند که همین مطالب را مشعر است و برای مزید اطلاع مطالعه کنندگان در ذیل این فصل بجزئی دستکاری دیافقتضای وضع این جریداست درج خواهد شد . اکنون که نزدیک باخ رسال است از آن خیالات برداشتها و تدابیر حسنه که اولیای دولت بکار بردند نتیجه بروز نکرد و ثمری مشاهده نکرد بدیل میتوان گفت بدتر از آن شد که بود باوجود فراوانی غله در آذر بايجان نزدیک است قحط و غلاد در شهر حاصل شود . کاشکان حضرت والا غله دیوان را بقیمت مناسبی قبول فرموده اند و آنهم البته بملاحظه این بوده است که موجب رفاه مردم باشد و اسباب مزید دلگرمی و امیدواری عامه اهالی هرگاه برای تجارت میشد دیگران میسایست بکنند که نه مالک رعیتند و نه ملاحظه جلب قلوب اهالی را اهمیتی در نظر آنان هست مستاجر تا صاحب ملک البته فرق دارد . حضرت والا بقینا بر همین ملاحظه غله دیوان را قبول فرموده اند . لکن میتوانیم از کاغذهای تبریز استنباط بکنیم که این نیت پاک و بلند و نیت زاده ایران را مباشرین جزو بعض

طمع شخصی خودشان بطور سوء استعمال بکار برده نتیجه را بعکس حاصل کردند که این یکی نمونه کار است . آری پیشکاران پیش اگر غله دیوان را قبول میکردند در سوء استعمال آن پری جسارت نداشتند از حضرت والا و ازه و اخذند . اولیای دولت اندیشه داشتند از اهالی هم حساسی میدرد ولی دیگر کار گذاران حضرت والا بخیال اینکه حضرت شاهنشاه زاده را اغفال کرده کار خود را از پیش میریم و مسوولیت هم بر ما وارد نیست میتوانند در جسارت خودشان افراط کنند .

دیگر شعبه های امور مملکت را نیز از این قبیل میتوان قیاس کرد . و ما میخواهیم از بی نقص کلیه کار آذربایجان در اینجا شرح و بسط بدهیم و نمیتوان گفت این وضع غیر مستحسن از شخص حضرت اشرف والا ولعهد است بهت آنکه دلایل بسیار داریم که حضرت ولینعت زاده باهل آذر بايجان پیش از همه کس رؤف و مهربان است و نمی خواهد مکرر رفاه و آسوده کی و خوشنودی و وسعت و آبادی و نظم آن مملکت را که خانه خودشان است و آینه خوش بختی و نیک نامی خودشان و واسطه امیدواری آینده عموم ایرانیان . و نیز نمیتوان گفت که جناب امین لشکر باعث این بی نظمی و عدم حصول نتایج حسنه از نیات پاک اولیای دولت و حضرت ولعهد شده است بهت آنکه جناب امین لشکر سالها در آذر بايجان در ماموریت های بزرگ بوده و پیشکاری کرده طبقات مردم را می شناسند و وضع مملکت و جای مقام هر کسی را میدانند و روی هم رفته از هر پیشکاری که از امثال ایشان بنظر بیاید بهتر هستند و جمعی ندارد که برخلاف رای او را و در خارج از مقتضیات نیات پاک حضرت ولعهد رفتار کنند . حال آنکه خود از چاکران بزرگ دولت و در دار الخلافه مرجع کارهای عمده سلطنت بودند . پس این نامامیها و بیجارت واضح خرابیها میتواند از بعضی اجزای کار و مامورین کوچک بوده باشد و آنچه از کاغذهای تبریز معلوم می شود عمده آنها هم چند نفر بوده اند که باغراض نفسانی و خیالات شخصی خودشان راه رفتند در حالتیکه بیگانه از مقاصد مقدسه دولت و حضرت ولعهد هستند باعث نکس کارها و عدم انتظام حال ملک و مملکت می شوند .

همه زنجلی میگذرانند . دبیر اختر خیرخواه همه ملت اسلام خصوصا اهل ایران است تمنای جمع کثیر این است که این تفصیل را در روزنامه اختر منتشر نماید هرگاه کسی برخلاف این حرفی و نهی داشته باشد او هم بنویسد والسلام

امضا

( غلام حسین )

اخبار نامه های اروپا بنویسند . ایوب خان والی هرات بناسبت اینکه از انگلیسها دلخوشی ندارد بجزد شنیدن خبر قتل هیئت سفارت انگلیس اظهار شادی و مسرت نموده مراتب را باهالی هرات اعلان کرده است . برای مقابله کردن بانگلیسها در نزد والی مشارالیه بقدر هزار و سیصد قشون سواره و پیاده حاضر است

اخبار نامه ( مونیزور دو کومرس ) بموجب

کاعذی که از آن گرفته است مینویسد . مسبو سواسنیولو نام تاجر یونانی ادعای افلاس کرده در محکمه ( شیرا ) بحساب تاجر موی الیه رسیده کی شده معلوم گردیده است که موی الیه بتغلب و حبله کاری ادعای افلاس میکند بنابراین از جانب محکمه درباره موی الیه حکم داده شده است که بدروغ و حبله ادعای افلاس کرده است بعد از ششماه بمر نحوی که شده است حکم مذکور پس گرفته شده به برائت ذمه و درستکاری تاجر موی الیه از جانب محکمه شهادتنامه داده شده است . لهذا طلبکاران تاجر میگویند ( مسبو دلیاتی وزیر خارجه یونان از تاجر موی الیه یکصد هزار فرانک رشوت گرفته و او را تصاحب کرده است . پس از چند روز یک نفر از مامورین محکمه که سمت نگاهداری اوراق محکمه را داشت خود شرا نسیم و تلف نموده است مظنون است که مامور متسوفی نیز در این کار مدخلیت داشته است . از بد رفتاری و سوء استعمال مامورین یونان و از بی نظمی کارهای کرک آنجا شکایت می شود .

اخبار نامه ها میگویند . در این نزدیکی مقرر است که در میان حکومت صربستان و دولت ایتالی عهدنامه برای اعاده مقصرین طرفین بسته شود . ولی متهمین پولیتیک در خارج از عهدنامه مذکور خواهد شد .

اخبار نامه ( اکسپر بلات ) از اخبار نامه ( کازت تارود وونا ) نام روس فقرات ذیل را نقل کرده است .

اعلا حضرت امپراتور روس را بعد از وقوع سه قصدهای متوالی بسیار متوهم شده اند از چیز بسیار جزوی خیلی تشویش میکنند . چنانکه یکروز در لیوا دیا در لنگرگاه ( پالنه ) در میان عملیات کشتیهای نرانی حاصل شده قبل و قال آنان بعدی بلند می شود که در عمارت مخصوص اعلا حضرت امپراتوری داد و فریاد نیز شنیده می شود . امپراتور مشارالیه برای تحقیق سبب این نزاع و قبل و قال یکی از ان جودانهای مخصوص خود

با وجود جوانی از روی پردلی اعوان خویش را بحرب دعوت می نمود و ایشان را ترغیب می کرد از فرط شجاعت کوی رب النوع جنگ ( مارس ) بود بهر طرف که رو نهادی خرمن هستی اعدا را بر باد فسادادی و در هر سو که دست افراختی جویی از خون روان ساختی و از خون دشمنان هراده خویش را کالکون کرده از بسیاری کشتها که بر بالای هم میر بخت و پشتها ترتیب می داده راه عبور هراده مسدود بود جوانی دیدم در نهایت ملاحظ صورت و صباحت منظر از شجاعت و بزرگی از جبینش پیدا و آتاریاسی واضطراب از چشمکانش هویدا بود مانند اسب تازی که هرگز لکام ندیده و تعلیم نیافته باشد شجاعت و تهور بواسطه عدم تجربت عنان اراده اش را بسوی مهالک می کشید و عقل

و خرد بر شادت و دلیریش یاری و براری نمیکرد از فرط وحشت واضطراب و از کثرت دهشت و انقلاب پالزر وضع از ضرر نمی دانست و از تصحیح خلافتهای خویش عاجز مانده از عدم بصیرت تنظیم امور جنگ و ترتیب سپاه نمی توانست مردان کار آزموده و دلیران کارزار دیده را نیز که در هنگام ضرورت در کار داشت در بد و جلوس از خویش مایوس آیین مدارا برکنار گذاشته بود در نفس الامر اینخلاق وی با کیش نه از روی عدم شعور و استعداد بود بلکه فراست آن جوان باشجاعتش بار می کرد لیکن حرفی روزگار ندیده و اسم صدمات دهر ناپیدار نشنیده از مینای فلک می بختی نکشیده و از دست ساقی کینی شربت مهنی پختینه آموزگار وجود طفل طبیعت مستعدش را

جز بی خردی و غرور نیاموخته و پرستارانش بسم قاتل مزاج کوی مغموم کرده خرمن فکرت بلند و فطرت از چندش را با آتش ریشخند سوخته بودند از باده غرور سرخوش و از داروی بخت مساعد مدهوش کشته چرخ بکمدار را پیوسته بیک مدار و اقبال روزگار همیشه سازگار می بنداشت لاجرم از ثبات سپاه اعدا در خشم شده چون شیر غضب آلود در کشتش کوشش می نمود وجود خشم و خلاق و عدم تجربت رزم و مصاف چشم بصیرت آن جوان را دوخته و خرمن فراست فطری او را با آتش غرور سوخته راه مشاوره را مسدود و پیروی نفس مردود می نمود عاقبت نس از ساعتی باران و فاداران ارادت شعارش که دم از بدل جان و نرک سیر معذتند فراری گشته ( باقی دارد )

# LOTTERIE.

## لوٹری

در فرانسستان اقسام اوٹری و فرعه بخت کشیده میشود این روزها در شهر هامبورگ المان دوباره یک لوٹری نقدی تأسیس شده خواهش کرده اند ما هم اعلان نمایم و تفصیل ذیل را از قول اعلان کننده می نویسم

### لوٹری

مبلغی که برای لوٹری در شهر (هامبورگ) جمع شده است بر خست حکومت المان است در تقسیم بلیتهای آن و در حین کشیدن قرعه آن حکومت المان نفذارت کرده در رسانیدن مبلغی که باسم صاحب فرعه درمی آید کفالت دارد بدین واسطه بدین است که حبله و قفلبی نمی شود مقدار بلیتهای (لوٹری) که این بار قسمت خواهند شد نو دو چهار هزار است که از جمله مقدار مذکور باسم چهل و نه هزار بلیت بنور مطلق فرعه بیرون خواهد آمد

حصه بلیتهای نمره اول لوٹری ۵۰۰۰۰۰ فرانک است یعنی تقریباً ۲۱۷۴۵۰ برای عثمانی قرعه باقی نمره ها هم بقرار ذیل خواهد شد

عدد بلیت	فرانک	میزان
۱	۳۱۲۵۰۰	۳۱۲۵۰۰
۱	۱۸۷۵۰۰	۱۸۷۵۰۰
۱	۱۲۵۰۰۰	۱۲۵۰۰۰
۱	۷۵۰۰۰	۷۵۰۰۰
۱	۶۲۵۰۰	۶۲۵۰۰
۲	۵۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰
۲	۳۷۵۰۰	۷۵۰۰۰
۵	۳۱۲۵۰	۱۵۶۲۵۰
۱	۲۵۰۰۰	۵۰۰۰۰
۱۲	۱۸۷۵۰	۲۲۵۰۰۰
۱	۱۵۰۰۰	۱۵۰۰۰
۲۴	۱۲۵۰۰	۳۰۰۰۰۰
۵	۱۰۰۰۰	۵۰۰۰۰
۲	۷۵۰۰	۱۵۰۰۰
۵۴	۶۲۵۰	۳۳۷۵۰۰
۶	۵۰۰۰	۳۰۰۰۰
۶۵	۳۷۵۰	۲۴۳۷۵۰
۲۱۳	۲۵۰۰	۵۳۲۵۰۰
۱۲	۱۸۷۵	۲۲۵۰۰
۲	۱۵۰۰	۳۰۰۰
۶۳۱	۱۲۵۰	۷۸۸۷۵۰
۷۳۳	۶۲۵	۴۸۳۱۲۵
۹۵۰	۳۷۵	۳۵۶۲۵۰
و غیره و غیره	جعا	۴۹۰۰۰

شارا بعمل نمازعه میفرستند - اجودان - بی الیه هم بموجب امر امپراتوری با نتیجا رفتند بعد از تحقیق حال برکنه در حین ورود به مارت این لوٹری باز قبل و قال نزاع کنار کان بیشتر از سابق ماند می شود اجودان هم از بند شدن صدای داد و فریاد مراسم آداب حضور امپراتوری در راهش نموده بسرعت هر چه تمامتر از نزد بانهای عمارت بالامیرود گذر آنحال امپراتور خوف و هراس غلبه میکند بحدی که بقین حاصل میکند که کسیکه از نزد بانها بسرعت بالا بر آید اراده کشتن ایشان را دارد لهذا دست و پاچسند طباخچه شش لوله را گذاشته اند حاضر نموده در عقب در مشظان ایستاده بجزد رسیدن طباخچه را بشکر اجودان مذکور خانی کرده بچاره فوراً از صدمه نکوسها از بار افتاده می پرد

## اعلان

اقا میرزا نادر حسکاک که از اهالی شیراز و در صنعت حکامی مهارت کاملی دارند و هر نوع خطرا با کمال حسن شیوه و ترکیب بروی هر قسم فلز و سنگ از قبیل طلا و نقره و عتیق و هر نوع جدواهر نقش متعین و در هر شهر که بوده اند اشتهار تمامی داشته و از برای سفر و دوا بر رسمیه حکومات و ولایات و کار و رجال دولت مهرهای مرغوب و خاتم و سایر اسباب زیوری حک و تزئین نموده اند موی ایسه چند ماه قبل از این بطور سیاحت بدرسمانت آمده در (پارمق قیو) در عکا - خندان (بغ - اساریان) که نزدیک مقبره رشید پاشا مرحوم واقع است در طبقه دوم منزل گرفته هر روز از ساعت پنج الی ده در حجره خود مشغول بصنعت مذکور میباشد هر کس از ذوات محترمه که کاری با ایشان داشته باشد بجهت مزکور نشانی بفرماید

مبلغی که باسم صاحب فرعه درمی آید با اطلاع حکومت المان سکه زر بلا تاخیر بصاحبش رسانیده خواهد شد - چون فروش بلیتهای مذکور در قیمت اصلی با حواله شده است لهذا بقیت ذیل بضالبان آنها فروخته خواهد شد

بلیت تمام

۲۲ فرانک

نصف بلیت

۱۱ فرانک

مبلغ مذکور با بانک نوت فرانسه و یا اینکه بلیتکمی انکلیس و فرانسه و المان برات داده شود اجرت از جانب مشتری داده خواهد شد

در حالتیکه اجرت بلیت فرستاده شده وجه بازسد بلیت آن را که دارای آرهای دولت المان است بصاحبش فرستاده خواهد شد و همچنین نقشه پر و کرام و بهد از کشیدن شدن قرعه جدول نمره های را که بیرون آمده است بیشترها خواهیم فرستاد علاوه بر اینها نمره های را که در آمده است بواسطه روزنامه های اسلامبول نیز اعلان خواهیم کرد اهالی تملک عثمانیه را که تا کنون درباره ما اظهار حسن توجه کرده اند تشکر کرده عرض میکنیم که بهمد از این هم خدمتی را که در ایجاب بار جوع میکنند در اجرای آن اهتمام خواهیم کرد

بجهت اینکه بکشیدن فرعه ها در دهم ماه دی ماه سال ۱۸۷۹ آغاز کرده خواهد شد باید بوسیله اولین سپارشهای خود شارتا بتبلیغ بکنند کاغذهایی را که بخواهند فرستاد بدین عنوان باید فرستاده شود

در شهر هامبورگ در شعبه مرکز اداره (لوٹری) بایرن فطال و شرکای او رسد

**Isenthal et Cie**  
(Allemagne) Hamburg

و نیز کاغذهایی را که بما میفرستند باید بزبان فرانسه یا انکلیس یا المان یا ایتالی نوشته شود کاغذی که از اسلامبول به هامبورگ فرستاده میشود در ظرف ۱۸۰ ساعت بما خواهد رسید

Siner Bureau d'annonces Hambourg.

مطبعه و اداره خانه اختر

قرراسته باطل است نمرد ۲۵  
در کارهای متعلق بداره به آقا محمد طاهر  
رجوع میشود .

اساسی و تالی کرام در مالک دور و نزدیک  
گاهی در صفحه آخر بنشکسته خواهد شد .  
روز چهارشنبه ۱۸ ذی الحجه سنه ۱۲۹۶  
۲۱ نشرین ثانی رومی و ۲ دسامبر ۱۸۷۹



آمرقه بدلات سالیانه

دارالسلامه اسلامبول ۰۳ مجیدی سیم  
دیگر مالک شروسه عثمانیه ۷۵ فروش صاخ  
مالک محروسه ایران ۲۵ فران  
مالک هندستان و بنادر ۱۵ رومی نقره  
مالک روس و قفقاز ۱۵ روبل کاغذی  
مالک اروپا ۲۵ فرانک  
نسخه شصت پاره است

اجرت پوست همه جایه شده اداره است .

این نامه از هر گونه وقایع و اخبار و از سیاست و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن می گوید . هفته یکبار طبع می شود . اوراق  
و نوشتهجات سودمند را بامتان می پذیرد . در نوشته کاغذهایی که از خارج می رسد اداره آزاد است . کاغذی را که نوشته نمی شود  
صاحبش نباید استناد بکند . کاغذهایی که بول پوست ندارد قبول نخواهد شد .

## تکرارها

از لندن ۱۶ ذی حجه اعضای مجلس  
اعیان انگلیس که خواهر وضع حاضر هستند  
با کثرت قرار دادند که در اجتماع آینده مجلس  
پارلمنت تکلیف نمایند که در شهرهای هرات و بلخ  
و مینه عساکر انگلیس گذاشته شده بزودی هر چه  
تمامتر راه آهنی بندهار و (فاندماک) ساخته  
شود . میگویند برای اینکه دولت روس در صدد  
ضبط (مرو) است تدابیر مذکور بشاچار باید  
بعمل آورده شود . هواخواهان آزادی خیالات  
تالیف میان دولتین روس و انگلیس را ترویج  
میکند .

از پترزبورگ ایضا اینکه شایع شده  
بود اصلاح حضرت امپراتور روس از سلطنت خود  
کناره جویی خواهد نمود بی اصل است . امپراتور  
مشارایه این هفته به پترزبورگ وارد شده مجلس  
بسیار عساکر را ریاست خواهد نمود .

از وین ایضا پیش قدمهای اعضای  
هواخواهان آزادی مشغول نوشتن لایحه اصلاحات  
اداره عسکری هستند و تکلیف خواهند نمود لایحه  
که در باب هشتصد هزار فنون که اکنون حاضر  
هستند داده شده است پذیرفته شده تا سه سال دیگر  
حکم آن بقرار بماند .

از پترزبورگ ۱۶ ذی حجه بنواتر  
میگویند که در این نزدیکی از جانب حکومت روس

قانون اساسی اعلان کرده شده اهالی را آزادی  
تمام داده خواهد شد . همه اعضای مجلس شورای  
دولت و کافه و کلا و بسیاری از سفرای روس برای  
اجتماع یک مجلس عمومی به پترزبورگ احضار شده  
اند .

از پترزبورگ ایضا از جانب محکمه  
در باره (میرسکی) نام که پیشتر قصد کشتن  
(جنرال درتلن) را کرده بود کیفر اعدام داده  
شده است .

از وین ایضا در میان حکومت  
رومانیا و (بارون هیرله) وزیر خارجه اوستریا  
مخبرات جریان نموده (بارون هیرله) در نزد  
دولتهای بزرگ توسط خواهد نمود که استقلال  
حکومت رومانیای بطور رسمی از جانب دولتهای بزرگ  
شناخته شود .

از لندن ایضا اخبارنامه (تایس)  
در نسخه امروزی خود تلگرافنامه نشر نموده  
بموجب تلگرافنامه مذکور کویا اخبار استعقای  
اصلاح حضرت امپراتور روس بحکمران بلغارستان  
نیز تبلیغ کرده شده است .

از لندن ۱۱ ذی حجه دیروز (اورد  
کلادستون) در یک جهت عمومی خطابه  
خوانده ضمناً پولیتیک داخلی و خارجی دولت  
انگلیس را به سختی مواخذه نموده است . پس  
از آن در باب فرستاده شدن کشیمای چینی  
انگلیس را بسمت آبهسای شرق و بیانات لورد  
سالسبری را که در ایجاب اظهار داشته است  
ذکر نموده گفته است که . پولیتیک شرق دولت

انگلیس مانع این است که یک حرکت متفقانه اروپا  
در باره شرق منع نموده است حرکت و رفتار  
مسفردانه دولت انگلیس قرارداد دولت عثمانی را  
هیچ تأثیری نمیتواند بخشد .

از لندن ایضا اخبارنامه (تایس)  
در نسخه امروزی خود می نویسد . بر مقدار  
عساکر محافظ سمت غربی قسطنطنیه (ایرلند)  
افزوده شده است . در باب عدم وقوع تورش  
و اختلال اقدامات لازمه بکار برده می شود .

والی هندوستان در صدد این است که سنجاق  
(پشاور) را از ایالت (پنجاب) جدا ساخته  
پشاور را بباره از نواحی افغانستان بکی کرده  
بزرگ اداره یک کومیسری داده شود . در باره  
تصحیح حدود افغانستان پاره بدلات اجرا کرده  
خواهند شد .

از لندن ایضا بموجب تلگرافنامه  
که از (سیولا) رسیده است پس از حرکت کردن  
هیئت سفارت انگلیس از (برمان) مناسبات  
حکومتین انگلیس و (برمان) خیلی اهمیت  
پیدا کرده است . برمانیاد (رانکون)  
سیر و حرکت کشیمای انگلیس را با شکالات انداخته  
در باره انگلیس بدرجه اظم - از خصوصت میکند  
که منع وقوع جنگی در میان حکومتین مشارالهما  
از جمله کارهای محال و ممنوع دیده می شود .

از لندن ایضا مسیو کلادستون  
دیروز به (ادمبورگ) رسیده است . بموجب خبر  
تلگرافنامه که از برلین باخبرنامه (تایس)  
رسیده است برنس غورچانوف در ظرف این هفته

به برین وارد خواهد شد . در تلگرافنامه مذکور  
مذکور است که پرنس مشارالیه رضداین خیالات  
بوده است که در مالک حکومت روس مشروطی  
تأسیس کرده شود .

از لندن ۱۲ ذی حجه ﴿ حکومت حبش  
رضد حکومت مصر رفتارهای تهدید آمیز کرده  
صفا ادعا میکند که باید تلنگرگاه ( مصوع ) از جناب  
حکومت مصر بحکومت حبش واگذار شود .  
زیرا تلنگرگاه مذکور را مالک نشود بیرون  
فرستادن محصولات حبشستان ممکن نیست .  
هرگاه حکومت مصر تلنگرگاه مذکور را بحکومت  
مشار البها واگذار نکند کار بجزءه و جنک  
خواهد کشید .

از برین ایضا ﴿ اخبارنامه های المان  
در مقابل اینکه اخبارنامه های روس مینویسند  
که حکومت فرانسه در سمت حدود شرقی خود  
بساختن استحکامات مشغول است میگویند دولت  
المان نیز قلعه ( استراسبورگ ) را استحکام میدهد  
و نیز دولت فرانسه در هر جایی که میخواهد در ساختن  
قلعه و استحکامات مخاز است . مع ذلک میگویند  
اخبارنامه های روس هر نوع انتریک در ایجاب ( حبله )  
بکار بییند باز خالی بمناسبت دوستی دوستانه دولتین  
المان و فرانسه وارد نخواهد آمد .

از نیورک ۱۱ ذی حجه ﴿ عساکر  
جمهوری ( شبلی ) شهر ( ایفیک ) را که از  
ممالک جمهوری ( پرو ) است ضبط و تصرف  
کرده است .

از لندن ۱۲ ذی حجه ﴿ اخبارنامه  
( تامس ) بموجب خبر تلگرافی که از تلنگر  
گرفته است میگوید . در میان دولت عثمانی  
و حکومت صربستان درباره قونسلهای طرفین  
مقارنه نامه بسند شده است .

از برلین ۱۳ ذی حجه ﴿ خبر آمدن  
اعلا حضرت پادشاه دانمارک به برلین در دوا  
دیپلوماتیک اینجا آنچه های خوب بخشیده  
است .

از لندن ایضا ﴿ بموجب خبر تلگرافیکه  
اخبارنامه ( تامس ) در نسخه امروزی خود  
نشر کرده است دولت روس تدابیر لازم را  
بکار میبرد که در اول بهر آینه یگاردویی  
از راه بیابان ( ترک ) برو فرستد .

از لندن ایضا ﴿ فرضهای غیر منظم  
دولت انگلیس بمناسبت جنک افغانستان خیلی  
زیاد شده است .

از پاریس ایضا ﴿ بمناسبت کشاده  
شدن مجلس مبعوثان فرانسه ( سیوکا بنا ) رئیس  
مجلس مذکور خط سابه خوانده از اینکه مکان  
مجانسی اعیان و مبعوثان را پاریس نقل داده شده  
است اهل مجلس را تبریک نموده پس از آن  
از مبعوثان مات خواهش نمود که بگفتگوهای  
بی لزوم مشغول نباشند . در اجتماع اولین  
مجلس مبعوثان مطالبی که قابل اعتنا باشد مذاکره  
نشده است .

توجیهات

والیسگری ولایت ( اشقودره ) بانضمام  
کوماندانی سگری آنجا بعهده جناب سعادتآب  
عزت پاشای فریق .

متصرفی ( مهوره العزیز ) بجناب حق پاشا  
متصرف سابق جایک .

متصرفی جایک بجناب رشید پاشا متصرف  
سابق حا توجه فرموده شده است .

داخلیه

انکه شایع شده بود بجناب دولتآب  
احمد بخار پاشای غازی سوء قصدی کرده اند  
بی اصل است . زیرا از جناب پاشای مشارالیه  
تلگرافنامه بیاعمالی رسیده است که بجناب  
( پرزین ) حرکت کرده است .

سعادتآب با کر پاشا که برای تحقیق و تفتیش  
وضع اصلاحات اناطولی معین شده است روز شنبه  
گذشته بجناب ( حلب ) عزیمت کرده است .

از چند روز باینطرف است که جناب وزیر  
بحریه ناخوشی مزاج دارد لهذا روز جمعه

گذشته از جناب اعلا حضرت پادشاهی محض  
بملاحظه ابراز التفات شاهانه طیب مخصوصی  
برای تدایوی وزیر مشارالیه فرستاده شده  
است .

روز پنجشنبه گذشته که روز سوم عید سعید  
اضحی بود جناب جلالآب مین الملک سفیر کبیر  
ایران برای ایفای رسم معایده اسلامیة بمابین همایون  
عزیمت نموده مدت طولانی در حضرت همایونی  
بوده اند .

روز جمعه گذشته بسیاری از اهالی اسلام  
که از ظلم و ستم بلغاریان بگریخته آمدند مهاجرت  
اختیار کرده بودند با واپور ( وارنه ) بدر سعادت  
وارد شده اند .

جناب دولتآب علوق پاشا والی روم ایلی شرقی  
بکسعه نشان عالی عثمانی از درجه اولی احسان  
فرموده شده مشارالیه روز چهارشنبه گذشته  
باتفاق همراهان خود شان بجناب قلبه عزیمت  
نموده است .

سعادتآب و تالیس پاشا کوماندان سابق  
عساکر ملی روم ایلی شرقی در ان ای رسم عالی معایده  
مظهر التفات مخصوص اعلا حضرت پادشاهی  
شده بمنصب جلیل یابوی سرافراز گردیده  
است .

اخبارنامه ( مونینوردو کومرس ) میگوید  
سیر یارد ایلیچی انگلیس یک کاغذی بیاعمالی  
فرستاده در کاغذ مذکور مقاله نامه را که تازه کی  
درباره فرضهای خارجی نوشته شده است بنام  
صاحبان سندهای استقراضات سالهای ۱۸۵۸ و  
۱۸۶۲ پروتست کرده است .

یک نسخه از صورت فرمان همایون اصلاحات  
که در این نزدیکی اعلان کرده خواهد شد بهر یک  
از سفارتخانه های دولته بجا ببلغ شده است .  
( استانبول )

جناب سیر یارد سفیر انگلیس روز چهارشنبه  
گذشته باتفاق هیئت سفارت از سفارتخانه بیلابی

واقع در ( طرایه ) بسفارتخانه يك اوغلی نقل نموده اند .

کرده اند . از قرار بکه شنیده شد زخم مجروحان خطرناک نبوده است .

مقاوله نامه که درباره مبالغ مخصوصه خانن قرضهای عمومی دولت علیه عثمانیه در میان بابعالی وصرافها نوشته شده بود روز دوشنبه گذشته بامضای طرفین یعنی از جانب دولت علیه جناب قضاوت مآب رئیس وکلا و جناب وزیر مالیه امضا نموده از صرافها نیز آنان که لازم بودند مهر کرده اند . ( وقت )

رضا پاشا زاده ابراهیم پاشای فریق کوماندان موقع ارضروم از چندی باینطرف ناخوش شده برای تبدیل آب و هوا بطر بزون آمده بود روز بیوم عید اضحی در طر بزون وفات کرده است . ( رحمة الله علیه )

اخبار نامه ( استاندارد ) بموجب خبرهایی که از برلین گرفته است مینویسد . موافق نقشه که از جانب باکر پاشا نشان داده شده از جانب بابعالی نیز پذیرفته گردیده است مقدار عساکر ( چاندارم ) دولت علیه عثمانی شصت هزار نفر خواهد شد . عساکر مذکور در هنگام وقوع جنگ مانند عساکر اسیاط مخدم خواهند گردید .

روز دوشنبه گذشته بکنفر چرکس برای ثبت شدن بعضی شخص دیگر در سلك عسکری بیاب والای سرعسکری آمده چنانکه معمول است چرکس مذکور از جانب اطبای عسکری معاینه شده موافق فن طب وجود چرکس مذکور معلول بنظر آمده جواب داده شده است که وجود تو معلول است بسر بازی بر نمیخورد چرکس از این جواب بر آشفتن فقر را که در کرداشت کشیده بروی طیبهما هجوم آورده فائق پاشای دوکتور واسپراکی سک دوکتور و یک نفر سرهنگ و یک نفر باز را زنجدار نموده خود بفرار شاپ میباید از مشاهده این حال از طرفین هجوم آورده چرکس مذکور را گرفتار

فواید مسله راه آهن

نماز روی قیاس با از جهت تجریت فواید کثیره راه آهن بر همه مردمان ممالک مناسه واضح و روشن گشته است . لکن نامائی که در خیال این امر خطیر نیفتاده باشد از تعمیر و شرف و سعادت مملکت خویش غافل است . از برای ترقی هر دولت و ملت واسطه بهترین راه آهن نیست .

در نسخه هفته گذشته بجلا از فایده راستی و صافی راهها ذکر کرده بودیم . اگر سرعت جل و تقلم در این راهها میسر شود البته بر منفعت آن راهها ده چندان افزوده خواهد شد . چه مسافتی را که يك فاطر در مدت ده روز طی کند يك ( اوکوموتیف ) یعنی بیکر چرخ و آتشخانه راه آهن در بکرز قطع میباید . الان در جمیع اروپ و امریک و بسیاری جاهای آسیا واسطه کلی جل و نقل اربابه آتش نیست . البته در آن ممالک عظیمه دنیا منافع بی اندازه از راه آهن دیده اند که روز بروز در تمام آن میکوشند . و بر مسافت و اتساع آن می افزایند .

اگر چشم عبرت گشوده نظر نمایم باندک ملاحظه فواید حقیقی راه آهن بر ما معلوم خواهد شد . این يك آتشین بی در مدت قلیلی ساکنان هر مرز و بوم را با یکدیگر آشنا نموده اقوام مختلفه الادیان و الالسنه را از اصول و آداب و اخلاق هم دیگر مستحضر و باخبر ساخته است . معاملات و مناسبات دول را بشدتی کرم و نزدیک کرده است . که اگر در آسیای شمالی حادثه رخ دهد در مدت چند روزی مأمورین از کلکنه و پترسبورغ در آنجا حاضر میشوند و در جمیع دول و مال را در منافع و مضرت مشرک ساخته است . از تاریخ و ( ژواوری ) علم طبقات الارض و متروکات مدفونه ملل قدیمه که تا بحال کشف کرده اند ثابت میشود که از ظهور انسان تا امروز از برای حراست و اعمار ملک واسطه از این بهتر مرکز یافت نشده است .

هر صنف و هر طبقه از مردم بآن اشد

احتیاج را دارند چه راه آهن بر مقصد خدمت میکند مثلا باهن زراعت خدمتش آراست که اولاً هر آلات و ادواتیکه برای تسهیل زراعت لازم باشد و حال آنها بدوای ممکن نباشد از ممالک بعیده با سهولت تمام و سرعت زمان و ارزانی کرایه حاضر میسازد و حاصلات زرعیه ملکی را بدورترین مملکتها نقل نموده بقیمت تمام بفروش میرساند . دیگر غله را در جاهای و بازارها نگاه نمیدارند تا بیک وقت کرائی بشود و آن وقت بوقت برسد .

واهل حرفت و صنعت را نیز از آن فایده کلی در کار است بجهت آنکه اسباب و اشیاء خانه که در دستگاه صنعت کرمی لازم است بدین واسطه تهیه و حاضر نموده باندک خرجی و جزئی زمانی کارخانههای خود را رونق داده انواع آلات و اسباب و اشیاء واقعه و متعه را بعمل می آورند و همچنین اشیاء مصنوعیه خود را بی خوف غرق و تلف خالی از بیم دزدان و راه زنان با طرف جهلان فرستاده بمصرف می رسانند و تمنع کلی میبرند و در کار شان وسعتی پیدا نمیشود . و از باب تجار ترازو سود مند است چنانچه آنکه بچاه سال پیش از این در مدت یکسال خرید و فروش میشد الان بواسطه راههای آهنی در یک ماه دادوستد میشود بی آنکه جنس ضایع و با فرسوده شود و بجهت ارباب و عمال کار مراسته بسیار سهل شده در یک هفته چندین بار کدام شهر بیکه خواسته باشند بی زحمت و دغدغه میفرستند و تقودشان بی آسیب عاید میشود . تا علم طبی البرض حقیقی درست متکشف بشود راه آهن بقدر مقصود آن خدمت را بعمل می آورد . چنانچه در ارف جانسین علم اشراق است یعنی بدان واسطه دونفر از مسافت بعیده در آن واحد مضمرات ضایع خود را بهم میفهمانند . همچنین بواسطه راه آهن مردمان قرا و قصبیات از ده فرسخی و بیست فرسخی با کمال آسودگی مثل اینکه در خانه خود نشسته باشند بی سده سرما و گرما و بی لذت باد و باران بشهرها رفته بهد از انجام کارها و خرید و فروش باهمان روز بخته خود برکشته بی قوت وقت بیکار خود مشغول میشوند . الان مردمان نوکر باب چون مأمور خدمتی میشوند اولامنتی باید تدارک سفر به بند و آب و استر بخزند و بارونه فراهم بیاورند و هفته ها بلکه ماهها رنج سفر و مشقت راه را تحمل شوند تا بحال مأموریت خسود و اصل

کردند اما در صورتیکه راه آهن باشد مثلا نوکر یکی از طهران مأمور خراسان و یا آذربایجان و فارس شود بجز يك صندوق رخت دیگر محتاج به هیچ چیز نخواهد بود و ممکن است گذر مدت دعا با زده روز مأموریت و خدمت خود را بانجام رسانیده برگردد .

راه آهن از برای تنفیذ حکومت و حراست ملك بهترین وسایط است . بجهت آنکه چون در میان و آملای دربار و حکام ولایات دربار تعاطی اوامر و اعلامات سرعت و سهولت حاصل شود در حین حاجت حکومت بهرجانب مسالك بحر و سه که خواسته باشد بی اضافه وقت از برای آرامی و امنیت مملکت مأمور و فوج میتواند فرستاد . جمع معاملات دیوان بارعبت و عریاض رعیت بدیوان آسان شده از جهت قوت نشدن وقت و تفلیس خرج و مصرف منافع کلی حاصل میشود و محافظه حقوق رعیت و حکومت هر دو سهل میگردد . آنوقت دیوان دیگر ظلم را باهل باد طرح نمیکند بل بواسطه راه آهن بجای آنکه محتاج آن هستند نقل نموده بفروش میرسانند چه سبب طرح غلبه همین سهولت حمل و نقل است . در صورتیکه در هر طرف ملك راه آهن باشد خدای بخواند اگر غایب خارجی ظهور کنند باندل زمانی ارفارس بآذربایجان و از خراسان بآذربایجان و برعکس ازین سرحدات بسرحدات اولی بقدر ضرورت قسطنطنیه سواره و پیاده و آذوقه و مهمات حرب فرستادن سهل و آسان میشود . باعث غلبه انگلیس نیز همین نبود در مدت یکسال از هند بافغانستان دودعه لشکر ریختن مگر نتیجه این راه آهن نیست .

راه آهن بجهت تهذیب اخلاق و تربیت رعیت و تحصیل علم مدخل کلی دارد مثلا اهل دهات و قریهها چون در رفعت و آمد سهولت یابند بشهر بیشتر آمد و رفت کرده رفته رفته آداب و اخلاق اهل شهر حصه مند گشته زحراودت و معاشرت ایشان فایدهها خواهد دید و طالبان علم هم بهچنین از طرف او که فبشهرها آمده بعد از درس و تعلیم باز شب بخانه خود برگشته سر به سرآوردگی مینهند و بهمان قیاس چون سهولت و امنیت راهها صورت گرفت اهل حرف و صنایع و تجارت و مأمورین حکومت که الان مدت مفیدی در یکجا نشسته سالیکار از دروازه شهر بیرون نمیروند آنوقت تابستانها هر کس در دهی و باغی و بادامه کوهی

هر طور که سلیقه اش بهبسنند محلی از برای خود تدارک آونده از آنجا هر صبح بشهر آمده بکار خود مشغول میشود و شام که شد باز بجای تزه رفته بدین وسیله هم صحت بدن و هم شربتی عیش از برایش میسر میگردد .

خلاصه هر چند از منافع راه آهن بنویسیم باز کم است هیچ واسطه از برای حراست و اعزاز ملك و رفاه و سعادت و ترقی رعیت بهتر از راه آهن نیست هم بجهت دفاع دشمن خارجی و هم برای رفاه و آسایش داخلی چه تدبیری از این نیکوتر است .

از برای ساختن این راهها هیچ احتیاجی بکومپانیهای مردمان اروپا نیست اگر دولت و ملت فواید مسلمة مشروعه این کار را قبول نمایند و از زوی دلسوزی بوطن و دولتیخواهی خوب ملاحظه کنند میتوانست در مدت پنج سال بدون اینکه بیکانه را داخل کار کنند خود بخودشان از خراسان ورشت و آذربایجان و فارس خطهای راه آهن را بطهران متصل سازند . باین ارزانی و فراوانی و مردمان بیکار ایران از برای ساختن این راهها تخمینا بیشتر از بیست کرو تومان لازم نخواهد آمد . و این مبلغ هم با سهل وجهی از داخل مملکت بی آنکه بر رعیت حمل ثقیلی باشد تدارک میتواند شد .

مثلا چنانچه در جمع ول متمدنه معمول است اگر در ایران هم قاعده تحریر نفوس جاری شده از هر شخص مکلفی بچهارزار پول تذکره نفوس و صد دینار هم برای موابج مأمورین این کار باز یافت شود در مدت چهار پنج سال کار راه آهن بانجم خواهد رسید . در ایران با بقول دیگران بیست کروم نفوس موجود است . ( و حال آنکه شکی نیست که خیلی بیشتر از اینهاست ) هر گاه نصف آنرا از حساب ساقط داریم ده کروم صرفی در ایران هست که هیچ وقت از برای تقویت دین و دولت و ثروت و سعادت مملکت بچهارزار جفته بی قدر دنیا را دریغ نخواهد کرد و باعث خرابی هیچ احسی نخواهد شد ولی شرفه که از آن حاصل می آید باعث نیکنامی دارین خواهد گشت هم دولت در دفع هجوم دشمن مقتدر میشود هم رعیت و کسب آباد میگردد هم زوار بکمال سهولت و خرج اندک و مدت قلیل بمقصد مقدس خود وصول مییابند .

الحاصل در این عصر در ملك اسلامیه راه آهن ساختن خصوصا در صورتیکه اهل مملکت خود بمحمل این کار شوند از اختیارات دینی و مطابق صلاح دولت است بل دولت و ملت را لازم و واجب است که بدون تاخیر این کار را از قوه بفعل بیاورند . (م. ۰۰۰)

## مخارجیه

بیشتر در یکی از نسخه های اختر نوشته بودیم که ( مسیو دوزی ) نامی کتابی بنام ( تاریخ اسلام ) در اروپا نشر کرده است يك فصل از کتاب مذکور را نیز در نسخه های پیش ترجمه کرده بودیم اخبار نامه ( وقت ) در نسخه روز جمعه گذشته يك فصل دیگری از کتاب مذکور که بعنوان ( وضع حاضر اسلامیت ) است نقل کرده بود چون مندرجات آن خالی از فایده نبود مانیر بترجمه آن پرداختیم .

### صورت ترجمه

آن زمانم گذشته است که شمشیر جهانگیر اسلام اطراف همه دنیا را دچار وهم و هراس نموده بود . باینکه خیالات حکیمانه مسلمانان ترقی کرده و آثار تعصب روبه تنزل نهاده است بازه قسدار مسلمانان نقصان حاصل نکرده است . اگر چه عالم اسلامیت از قطنه ( اسپانیا ) محو شده و در سمت ( سربیا ) نیز از انتشار مذهب توقف کرده است ولی در سمت آسیای میانی و افریک جنوبی دین اسلام تعمیم حاصل کرده است بطوریکه امروز در آسیای دین اسلام از سایر ادیان زیاده انتشار یافته نفوذ اسلام را روز بروز در آنجاها افزوده می شود . در قطعات اروپا و آسیا و افریک مقادیر اهالی اسلام بکصد ملیون تخمین کرده شده است .

در ملك روس بقدر دوما یون ( ۱ ) اسلام هست که بقدر ۵۱۸۳ چسوامع شریفه و ۶۴۰ مدارس را مالک هستند بقدر بازده هزار علمای مذهبی دارند که سرآمد علمای مشسار المیم مقتیمای

( ۱ ) در ممالک روس زیاده برشش ملیون

اهالی اسلام هست .



(قریم) و (اوزبورک) است - در اطراف  
تاتارستان دین اسلام حاکمیت را دارا است .

دره لک چین که مذاهب مختلفه نظامات مملکت  
نحایه می شود نیز خیلی مسلمان هست .  
در هندوستان مسلمانان با اینکه در میان یکصد میلیون  
هندو زنده گانی میکنند بقدر شانزده میلیون (۲)  
اسلام هست . اشخاص بزرگ مسلمانان هندوستان  
مسلمانان سنی هستند ولی در آنجا مسلمانان شیعی  
برای اینکه از اصل ایرانی هستند اکثریت حاصل  
کرده اند . علاوه بر اینها در هندوستان از جماعت های  
صوفیه و علویه نیز خیلی هستند سایر مسلمانان  
هندوستان مانند اهل سنت برای اجرای وظائف  
دینی چندان مقید نیستند حتی باره از عادات  
هندوها را نیز بخورد گرفته اند . ولی بقدری که کن از  
هندوها دوری جنبه در شهرهای بزرگ و لاکرهاها  
سکنا پذیر میشوند .

در شهرها و دهات اندرونی هندوستان مسلمان که  
یافت می شود هندوها را آدم حساب نمیکند و اقما  
هندوها از جهت اخلاق و قوه عقلی بسیار پایین  
تر از درجه مسلمانان هستند . ولی در باره  
صنایع هندوها نسبت به مسلمانان ترقی کرده اند .

مسلمانان هندوستان حکومت انگلیس را  
بناچار مطاوعت میورزند برای حکومت انگلیس  
مخاطرات مسلمانان بیشتر از هندوها است . زیرا  
مسلمانان باقتضای شریعت بلك اسلام خدمتکاری  
دیگران را نخواسته برای اجرای حکومت کوشش  
میکند . بیشترها مناصب بلند ملکی و عسکری را  
داشته ولی بعد از استیلای انگلیس از آنها محروم  
شده اند . در سال ۱۸۵۰ میلادی که هندوها  
برضد انگلیس بشوش برخواستند مسلمانان نیز  
با آنها اتفاق نمودند اتفاق مسلمانان در شورش  
مذکور دوسبب داشت . یکی اینکه والی  
هندوستان مملکت (اوده) را که نصفی اسلام دینی  
بت پرست است برخلاف معاهدات بجهت و تدریر  
ضبط نمود دوم اینکه ( عزیز ) های مهوود  
که از صنوف وسطی انگلیسه هستند بحماقت  
و عصب خواستند که هندوها را اجبر ب مذهب انگلیس  
بیاورند که از همین دوسبب هم مسلمانان وهم

(۲) در هندوستان نیز بموجب باره  
استانبولکها ( یعنی شماره نفوس ) ی انگلیس  
زیاده بر بجهت میلیون اسلام هست .

هندوها را از انگلیس دلگیر کردند .

افغانان در هنگام سلطنت سلطان محمود (۳)  
که در افغانستان اقامت و حکمرانی میکرد دین اسلام را  
از اهالی هندوستان یاد گرفته اند . مع ذلك باره  
عادات عاقله و عقائد باطله که در خارج اسلامیت  
است در میان آنها یافت می شود . آمدم بمقائد  
طایفه ( سیخ ) طایفه مذکور مذهب مخصوصی  
دارند . مؤسس مذهب آنان ( نانا ) نامی است  
که در چهار صد و هفتاد سال پیش از این در  
( لاهور ) سکنا داشته که در آن زمان در میان  
هندوها و مسلمانان بسیار مسومت و عداوت بود  
( نانا ) موی الهی میخواست برای حصول اتحاد  
این دو عنصر یعنی هندو و اسلام که برضد  
همدیگر هستند مذهب جدیدی تاسیس نماید  
که اساس آن مذهب عبارت از وحدانیت خدا  
و مذهب قدیم هندوها است بوده باشد . در  
اینصورت هندوها بتدریج ب مذهب اصلی خود  
شان برگشته باشند . مسلمانان نیز از ذبح و خوردن  
گوشت کار که موجب تفرق و عداوت هندوها  
بود معترف صیحت نمود . بعد از وفات ( نانا )  
شاگردانش او را صورت مجسم و زنده ( دویشتو )  
نام بت اعقاد نموده مذهب او را رواج و وسعت  
دادند . بمقائدات مذهب مذکور باره از عقاید  
و اصول صوفیه نیز مخلوط شده است . طایفه  
( سیخ ) در نواب بسیار عمده و مقدسی برنام  
خود بنام مساهم نامند نور ( آبی غراست )  
است همان نواب برضد نواب اسلام و بد پرستها  
است .

پراستانی ( غور غوبند ) نام ساحری وضع  
مذهب طایفه ( سیخ ) در خصوص مسنون  
کشی و سر باز گرفتن مناسبات محرم حاصل کرده  
در هر جا که مذهب مذکور منتشر شد مذهب  
( برهنی ) پایمال گردید . باقتضای مذهب سیخها  
هر کس میتواند ب مذهب آنان داخل بشود صرف  
و تماوت مراتب در نزد آنان معدوم و بیخ از ذبح  
و خوردن گوشت کاو گوشت و ذبح سایر حیوانات  
بعقیده آنها مباح است .

باقتضای مراسم دینی همه ملت مذکور ناچار

(۳) مشارالیه سلطان محمود غزنوی است  
از سلاطین اسلام اولین شخصی است که عنوان  
سلطانی را دارا شده است .

باید بصنفت عسکری داخل بشوند بجهت اینکه  
اینگونه عادات برخلاف مذهب هندوها است  
آن است که اطوار طایفه ( سیخ ) در نزد بزرگ  
و دانشمندان ( راهبه ) و هندوها نفور است ولی  
در نزد صنفت پایین هندوها پسندیده است .

اگرچه مذهب سیخ در ظاهر در باره مواد  
بدین اسلام مشابهت دارد ولی مسلمانان را دوست  
نمیدارند زیرا طایفه مذکور در باره مسلمانانی  
که در مملکت آنان هستند فوق العاده ظلم و بی حسابی  
میکند . مثلا بزور و عنف گوشت خوک خورائیده  
و طفلان آنها را از رسم ختان منع میکنند علاوه  
بر اینها از غایت کبر و غروری که دارند خواندن  
اذان را منع نموده نسبت بمساجد و جوامع شریفه  
بی احترامی مینمایند .

س از آنکه انگلیسها در هندوستان جای  
گرفتند دین اسلام در جزیره های هندخیلی  
انتشار یافت و از روز بواسطه تجار و حجاج  
و عملیات کشتیها و سایر صاحبان حجت ترقی  
میکند . بمقدار بزرگ و کوچک علمای اسلام  
در جزایر مذکور خیلی افزوده شده چنانکه  
در بنگال هند و پنج نفر عالما شمرده شده است صنف  
علما در نزد اهالی خیلی معزز و محترم است بمناسبت  
زیارت حج شریف حجت و غیرت دینی اسلامیان  
مغزاید می شود . علمای اسلام بجهت تفریق  
نمودن وضع مسلمانان را از عیسویان خیلی سعی  
مینمایند . مثلا در جزیره ( ماله ) باقتضای  
معتقداتی که در میان اهالی متداول است لباس قرنی  
پوشیدن بطور کلی ممنوع است . باره اوقات  
شفاها و یا خود بواسطه رسائل اهالی را برای  
جهاد کردن باطوائف غیر مسلم و حفظ ولعصیت  
میکند . در مستحکات فلنک اکثریت اهالی اسلام  
سنی و شافعی مذهب هستند ولی نمیتوان گفت  
که مسلمانان آنجاها بطور لایق احکام و تودد  
اسلام را مرعی میدارند . زیرا باره عادات باطله  
مذاهب قدیمه در نزد آنها باقی است حتی در باره  
جای از اسلامیت تنها نامی باقی مانده است .

( باقی دارد )

( ایران و روس )

اخیر نامه ( کولونیا ) مینویسد . مناسبات  
دوستانه دولتین ایران و روس از چندین باینطرف

شمار شده است . زیرا هشیارا کردی که رسالحت  
 نهر (ارس) در سمت ایران اقامت دارند از کمال  
 با نظرف سوره هر چه که بفرماید کور را گذشته طرف  
 (ایوان) و (شیشه) را هم بفرست میکنند . چون  
 هشیار مذکور در این حاجت میتواند یکصد سویدت  
 هزار سوار جمع آوری نمایند لهذا دولت ایران  
 بخاهش دولت روس نمیتواند در صدد تلبیه  
 و تزییه آنها برآید . خصوصاً که هشیار مذکور  
 در انشای جنگ آخری یعنی و روس نزدیک احد  
 بخار پاشا آمده بر ضرر و مهاجرت نموده از عتباتها  
 تفنگهای (وینجستر) و (مارتینی) گرفته اند .  
 بنابراین سواره های قزاق که نگاهداری حدود  
 روس مأمور هستند هم از مقدار سوارهای کرد کمتر  
 و هم اسلحه آنان خوب نیست آن است که تاب  
 مقاومت سوارهای کرد را ندارند . حتی چند هزار  
 سواره کردها نهر (ارس) را تجاوز کرده سر باز  
 خانه که محل اقامت قزاقهای روس بود محاصره  
 کرده بعد از آن خطهای تلگرافها را بریده  
 آنجاها را غارت کرده اند . از جانب حکومت روس  
 بدفعان در ایلیان بوالی آذربایجان شکایت نامها نوشته  
 شده است ولی بوجهی طرف اعتنای حکومت  
 آذربایجان نشده است گویا دولت ایران از باز  
 داشتن سوارهای اگراد عاجز و تلبیه آنان را مقدر

از ترجمه حکایه تانک

چون مورمار در گوشه و کنار پراکنده و متواری  
 شدند بلی ثمر را ندان و لغت مردان دین و مشیران  
 خیر همین است و از خواندن و دعوت اطفال صغیر  
 و جهال مزاج گو و شریر چنین دیرگاهی از فرط  
 شجاعت در مقابل صفوف و افواج دشمنان پای  
 مردی قدری طاقت در میانش گرفتند و بایک  
 جو به نیز که بر سینه او رسیده کاش را برداشته از پای  
 در انداختند زمام عراده از کفش رها شده  
 رفته و در زیر پشم مرا کب پاهال گردید یکی  
 ز لشکر یان جزیره (شیر) سرش را بریده  
 از کیوان مشکین او که از خون خویش رنگین  
 شده بود گرفته بلند کرد و بدان گروه نمود هرگز  
 حالت آنسرا که دره ریای خون شناوری میکرد  
 فراموش و زبان از تکرار آن مقدمت خاموش  
 نخواهم داشت چشمگان دوخته و دهسان بازش

نیوده است . لهذا از جانب دولت روس کاغذی  
 در ایلیان بحکومت ایران نوشته شده ضمناً تلبیه  
 و تزییت اگراد مذکور را خواسته در مقابل  
 ضرر و خسارت آنها مبلغ کزافی به طور تضمین  
 از دولت ایران طلب نموده است .

مکاتب

اینمته کاغذی از استراباد برای درج شدن  
 در صحائف این اخبارنامه باداره رسید اینک  
 در اینجا نقل نمودیم .

صورت مکتوب

اگر چه نکارش پاره اخبار از این بختبر  
 بی معنی و ناروا است ولیکن بیعض ملاحظیات  
 عرض می شود . هرگاه خواسته باشید از گذارش  
 بخار به و مهاجرت قشون روس بر ضد ترکمان  
 اطلاع حاصل نماید این است که پیشترها اردوی  
 مستعدی از روس از ساحل دریای خزر بسمت مرو  
 حرکت نمود . ترکمانهای قریه نشین روی  
 اطاعت نشان داده ولی سوارهای زبده آنها  
 با تفاق سایر ترکمان بطور فرار عقب رفتند  
 تا اردوی روس را از ساحل دریای خزر و صحراهای

ایر زرع بر تپه و ماهی کشیدند همینکه کسین گاه  
 میسر گردید جوی از دا و طلبان ترکمان سوار  
 اسبهای نازی نژاد شده تیرها در کان و با تیغهای  
 عربان از کین سر بر آورده هجوم باردوی با نظم  
 و ترتیب روس آورده بدون اینکه مجال انداختن بیشتر  
 از سه تیر توب کروپ و تفنگهای مارتین بدهند اجل  
 وار کریان عسا کر روس را گرفته تیغ در آنها  
 نهادند با وجود آنکه ترکمان بگرفت توب چندان  
 اعتنا ندارد سه عراده توب کروپ و تقریباً بقدر  
 هجده هزار از عسا کر روس مقتول و مجروح  
 و اسیر شده تا ساحل دریای عقب نشستند .  
 صاحب منصبان مهم و برفق روس از قنون حرب  
 مأیوس شده فرار را بر فرار اختیار نمودند .

اخبارنامه (کور پوندانس پولیتیک) بموجب  
 کاغذی که از اخبار نکارش طهران گرفته است  
 مینویسد . در روز آخر عید مبارک رمضان اعلا  
 حضرت پادشاه ایران بطهران تشریف فرما شده  
 در (باغ لاله زار) عسا کر سواره که از جانب  
 صاحب منصبان روس ترتیب داده شده بود  
 صف سلام بسته نیز عسا کر خاصه حضرت  
 مستطاب و الا نایب السلطنه که در زیر ریاست

فصل سوم

در بیان حکایت کردن تانک کیفیت استزاد  
 اسرای مملکت (فینس) را که او نیز یکی  
 از آنجمله بود و مقدمه سفرش بشهر (نیر)  
 در کشتی (ناربال) که رئیس سفارت آن مملکت  
 بود و در بیان شرح دادن تانک احوال و اخلاق  
 (پیکالیون) پادشاه ممالک (فینس) را  
 که بعبادت ذات و خست طبع مخصوص بود  
 و آموختن تانک از (ناربال) قواعد تجارنی  
 اهالی (نیر) را و در بیان عزیمت تانک بسمت  
 جزیره (شیر) در یکی از کشتیهای جزیره مزبوره  
 و آگاهی یافتن (پیکالیون) از بیگانه بودن  
 او و حکم گرفتاری تانک و در بیان خلاصی آن  
 جوان از آن ورطه خطرناک بدستبازی (آستاربه)  
 که مشوقه آن پادشاه ظالم بود و دستگیر کردن

که کوئی بحسرت نگران بود و هفتی بر زبان  
 داشت و آن صورت زرد و درهم و شمایل شیرین  
 و خرم او را که با وجود تغییرات مرک تغییر پذیرفته  
 و در نهایت صباحت بود همیشه در برابر نظر  
 مصور دارم اگر روزی خداوند عالم خاتم دولت  
 برانگشت قدرت من گذارد و زمام مهام سلطنت  
 بر کف کفایت من سپارد از چنین کیفیت عبرت  
 برده و تجربیت حاصل کرده و می دانم که شخص  
 هرگز سزاوار سر بر سلطنت و شایسته مستدوات  
 نمی شود و از سلطنت خویش بهره نمی برد مگر  
 وقتی که هوای نفس را فرو گذاشته بشعورت  
 همگان اذعان آرد و در اصلاح امور شغور  
 و مصلحت دوستان را لازم بشمارد زهی بدبختی که  
 بزرگی عزیمت کرده رفاهیت خلق خدا پیشنهاد  
 خاطرش باشد اما قضیه برعکس نتیجه بخشیده  
 درخت عدلش ظلم بار آورد .

بارون (ستواج) ترتیب شده است حاضر سلام نظامی شده بوده است . اعلا حضرت پادشاه مشارالیه بجزالهای که همراه رکاب همایون بودند آرزومند بودن خودشانرا در باب گامی تسلیفات عسکری بیان فرموده اند . از جانب اعلا حضرت پادشاه مشارالیه برای ساختن راه اریه بسیار خوب و بانظمی در میان تبریز و طهران بجزال (پوهلر) و (رز جردخان) دستور العمل داده شده است مقرر بوده است که کوچه و بازار طهران بواسطه روغن گاز روشن کرده شود .

اخبارنامه می نویسند . از جانب دولت یونان قرارداد شده است که تازه کی چهار باب سر بازارخانه بسیار بزرگ ساخته شده بزرگ بازخانهای که در سرحد عثمانی و یونان هست تعمیر کرد شود .

از قراریکه در بعضی از کارتها مرویست گو یا اهلحضرت امپراتور روس خیال دارند گوشه عزت کزیده تخت سلطنترا بولیم خود وا گذارند این قضیه را خیلی اهمیت میدهند .

(آستاره) معشوق خودرا در عوض تملک برای انتقام جفاکاری او .  
و بعد (کالیسو) از استماع سخنان خرد دانه تملک متعیر شده آثار فطانت و نجابت غربی از ناصیه احوالش استنباط می نمود و از اینانی بسیار محظوظ می شد که تملک از روی ساده لوحی فرقه ایست صداقت بخلافهای خود که از عدم اتباع نصایح (متور) و بواسطه عجله و شتاب از او سرزده بود اعتراف میکرد تجار بی دانا که توسط جهالت و نادانی و غرور جوانی خویش حاصل کرده بود شرح میداد پس از روی شکفتی دوبه تملک کرده گفت عزیز من رفته سخن خودرا باز گیر تا بدانیم چگونه از مملکت مصر رخت نجات بیرون کنسیده بدین سامان شستافی و شربت وصال این پیر خرمنند

فی الواقع افکار و مسلك (ولعهد روس) با افکار و مسلك پدرش مغایرت کلی دارد . و اخص آمالش آن است که اتحاد صفلایه را حاصل نماید بل يك حکومت متفقہ صفلايه ترتیب نماید . و تا یکدرجه جانبداری حریت افکار و وجهسوریت راهم در نظر دارد . و هیچ شکی نیست بجزد جلوسشان بر تخت سلطنت در امور داخله و مسلك خارجه دولت روس تبدلات و تغییرات کلی روی خواهد داد . ولی چون تا بحال چندبار است خبر استغای اهلحضرت امپراتور شایع شده است و هیچ کدام حقیقتی نداشته است ما این شایعه را هم فرین صحت نمیشماریم .

مع هذا چون گاهی بولیتیک روس اینقدر آسب اهمیت نکرده بود بعید نیست که یک تبدلات فوق العاده در دولت روس واقع شود .

علی ای حال ما این شایعه را بنظر صحیح نمیکریم ولی در صورتیکه صحت داشته باشد میتوانیم گفت که باین مناسبت تبدلات عمده در بولیتیک روس راه یافته و از آن تغییر کلی در بولیتیک اروپا بوقوع خواهد پیوست . ما مول آن است که توقت حکومت روس طریق استبداد را رها نموده بشکل

(متور) هوشندرا با آنکه بدلائل واضحه یاس کلی داشتی در کجا چشیده و قبض صحبتش را دریافتی تملک سخن آغاز کرده چنین گفت که اهالی مصر با وجود آن غیرت و وفاداری و با همه تعصب و برهیز کاری چون دشمنان را غالب و خودشانرا مغلوب دیدند و پادشاهرا کشته و تخت را بر کشته یافتند ناچار منابت معاندین کرده پادشاهی دیگر که نامش (تموتیز) بود بر مسند دولت نشاندند عساکر مملکت فنیس بالشکر جزیره (شیر) بددازه تمید مصالحه و توثیق معاهده راه مملکت خویشرا در پیش گرفتند و جمیع اسرار با من استرداد کردند . پس مرا از همان برج که محبس من بود بیرون آورده با سایرین در کشتیها گذاشته بادیان رحیل افراشتند و دامن شرعها بر از باد مراد گردید و با و کشتان و ناخدایان بنبروی بارو

یک حکومت مشروطه حریت برست خواهد برآمد و باین سبب (نمیلستها) و (سومالیستها) نیز اکنون را خشنودی حاصل کرده لایحه برای شورش و ناع بر با کردن دیگر بهانه در دست نخواهند داشت . و کم کم آرام خواهد گرفت . و روسستان از این مخاطره هم فراغت حاصل نموده از برای دولت روس بگذرد ترقی شروع خواهد شد . و سودای کشور منانیراهم از سر بیرون نموده در سمت آسیا تنها بتأسیس و تأمین تجارت قناعت خواهد داشت . اگر در اجلاس (دیپلوماتها) که در دوم دسامبر در دار السلطنه بپتسبورگ اتفاق خواهد افتاد در خصوص این مسئله تذکری رود و (کورچا کوف) مشروط بودن حکومت روس را مناسب نداند و یا آن بحث را بهم بپیچاند باید عنایتش تصور همین مسئله باشد چندانکه اینک (ولعهد) جالس کرسی امپراتوری شد دیگر رشته بولیتیک روس از دست (کورچا کوف) بیرون نخواهد شد بجهت آنکه مملک وزیر مشاور الیه کلیا مغایر مملک ولعهد است .

(ترجمان افکار)

اخبارنامه (دبلی تلگراف) بموجب خبر

آب دریا را از هم شکافته آن بحری باینرا از کران تا بکران بر بارو و سینه سفینههای خود کشیدند پس بازمی آمد خلاصم بیرواز آمده ظایر گرفتاری در آشیان خاطر آرام کرد کشتی نشینان از فرط نشاط مسفره سرور و تقیر عبس و حبور بر چرخ اثیر رسانیدند سواحل مذکرت مصر کم کم واپس می نشست و کوههای اطراف که چون فطرت دانا بلند بود مانند فطرت دنی بست می کشت تو کشتی افق آفتاب آب بود و قلل جبال که از هوا مانند سخای و از آب بسان حبابی پیدا بود از شعاع شمس منور و مانند طلای احمر می نمود نقاش صبا صفحه آسمان را سراسر بلاجورد اندوده مرده روزگار مساعد و باد مراد می رسانید لاجرم

(باقی دارد)

تنگرانی که از وین گرفته است میگوید: امروزها مالیات دوستانه دولتین ایران و روس چندین چنگ چنگد ما بیشتر بود نیست. زیرا بیشتر نوشته بودیم که از جانب دولت روس بقدر هزار لویه نغشک بطور هر چه بایران فرستاده شد بود اکنون دولت مشارالیه بقدر چهار هزار مات بدل قیمت تنگهای مذکور را از دولت ایران مطالبه میکند. اعلا حضرت پادشاه ایران از تنظیم نمودن عساکر ایران که مقرر بود بوضع قشون اروپا آورده شود صرف نظر فرموده تنبلیات ملتی را بنظم قشونی ترجیح داده مقرر فرموده اند که در زیر ریاست همایون خودشان یک مجلس دارشورای عسکری که مرکب از پانزده نفر اعضای ایرانی و سه نفر اروپایی بوده باشد تشکیل کرده شود. علاوه بر آن دستور العمل داده اند که قانون (کود تالیون) را بفارسی ترجمه کرده کارهای متعلق بوزارت عدلیه مانند وضع اروپا اصلاح کرده شود. (وقت)

رسید وجه بونه اختار

جناب عالی القاب خان پادشاه امیرزا علی محمد صاحب دیوتی کاکتر شاه بندر دبورین ضلع کراچی بندر ستمه مبلغ بیست روپی نوت هند از بیات وجهه اختار توسط پوست هند فرستاده بودند با ایزه اختار رسیده برای اخلاص ایشان در اینجائات نموده از حسن توجه آنجناب کدرباره اختار اظهار فرموده اند بیان تشکر و سپاسداری می نمایم.

اعلان

LOTERIE.

لوتری

درفرنکستان اقسام لوتری و فرعه بخت کشیده میشود این روزها در شهر هامبورگ المان دوباره یک لوتری نقدی تأسیس شده خواهش کرده اند ما هم اعلان نمایم. و تقصیرا ذیل را از قول اعلان کشنده می نویسم.

لوتری

مبلغی که برای لوتری در شهر (هامبورگ) جمع شده است برخصت حکومت المان است در تقسیم بلیتهای آن و در حین کشیدن قرعه آن حکومت المان نظارت کرده در رسیدن مبلغی که باسم صاحب قرعه درمی آید کفالت دارد بدین واسطه بدیهی است که حیل و تغلی نمی شود مقدار بلیتهای (لوتری) که این بار قسمت خواهد شد نود و چهار هزار است که از جمله مقدار مذکور باسم چهل و نه هزار بلیت بطور مطلق قرعه بیرون خواهد آمد.

حصه بلیتهای نمره اول لوتری ۵۰۰۰۰۰ فرانک است یعنی تقریباً ۲۱۷۴۵ لیرای عثمانی قرعه باقی نمره هفتم بقرار ذیل خواهد شد.

میزان	فرانک	عدد بلیت
۳۱۲۵۰۰ -	۳۱۲۵۰۰	۱
۱۸۷۵۰۰ -	۱۸۷۵۰۰	۱
۱۲۵۰۰۰ -	۱۲۵۰۰۰	۱
۷۵۰۰۰ -	۷۵۰۰۰	۱
۶۲۵۰۰ -	۶۲۵۰۰	۱
۱۰۰۰۰۰ -	۵۰۰۰۰	۲
۷۵۰۰۰ -	۳۷۵۰۰	۲
۱۵۶۲۵۰ -	۳۱۲۵۰	۵
۵۰۰۰۰ -	۲۵۰۰۰	۱
۲۲۵۰۰۰ -	۱۸۷۵۰	۱۲
۱۵۰۰۰ -	۱۵۰۰۰	۱
۳۰۰۰۰۰ -	۱۲۵۰۰	۲۴
۵۰۰۰۰ -	۱۰۰۰۰	۵
۱۵۰۰۰ -	۷۵۰۰	۲
۳۳۷۵۰۰ -	۶۲۵۰	۵۲
۲۰۰۰ -	۵۰۰۰	۶
۲۲۳۷۵۰ -	۳۷۵۰	۶۵
۵۳۳۵۰۰ -	۲۵۰۰	۲۱۳
۲۲۵۰۰ -	۱۸۷۵	۱۲
۳۰۰۰ -	۱۵۰۰	۲
۷۸۸۷۵۰ -	۱۲۵۰	۶۳۱
۱۸۳۱۲۵ -	۶۲۵	۷۳۳
۳۵۶۲۵۰ -	۳۷۵	۹۵۰
۱۹۰۰۰	جدا	و غیره و غیره

مبلغی که باسم صاحب قرعه درمی آید با اطلاع حکومت المان سکه زرین تاخیر بصاحبش رسانیده

خواهد شد. چون فروش بلیتهای مذکور در قیمت اصلی بمحواله شده است لهذا بقیمت ذیل بطالبان آنها فروخته خواهد شد.

بلیت تمام

۲۲ فرانک

نصف بلیت

۱۱، ۲۵ فرانک

مبلغ مذکور یا بابتک نوت فرانسه و یا بابتک بلیتهای انگلیس و فرانسه و المان برات داده شود اجرت از جانب مشتری داده خواهد شد.

در حالتیکه اجرت بلیت فرستاده شده وجه بارسید بلیت آن را که دارای آرمهای دولت المان است بصاحبش فرستاده خواهد شد و همچنین نقشه پروگرام و بعد از کشیدن شدن قرعه جدول نمرههایی را که بیرون آمده است بکشورها خواهیم فرستاد علاوه بر اینها نمرههایی را که درآمده است بواسطه روزنامههای اسلامبول نیز اعلان خواهیم کرد نهی ملک عثمانیه را که تاکنون در باره ما اظهار حسن توجه کرده اند تشکر کرده عرض میکنیم که بعد از این هم خدمتی را که در ایجاب بارجوع میکنند در اجرای آن اهتمام خواهیم کرد.

بجهت اینکه بکشیدن قرعه هادردهم ماه دیسامبه سال ۱۸۷۹ آغاز کرده خواهد شد باید بوسیله اولین سیرشهای خودشانرا بتالیخ بکنند.

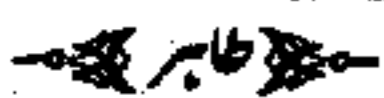
کاغذهایی را که بخواهند فرستاد بدین عنوان باید فرستاده شود.

در شهر هامبورگ در شعبه مرکز اداره (لوتری) مایر نطال و شرکای او برسد.

Iseenthal et Cie  
(Allemagne) Hamburg

و نیز کاغذهایی را که بفرستند باید بزبان فرانسه یا انگلیس یا ایتالی نوشته شود. کاغذی که از اسلامبول یا هامبورگ فرستاده میشود در ظرف ۱۸۰ ساعت بخواهد رسید.

Siner Bureau d'annonces Hambourg.



مطبعه و اداره خانه اختر

قدراسته باعالی است نمرة ۲۵  
در کارهای متعلق بداره به آقا محمد طاهر  
رجوع میشود .

اسامی وکلای کرام در ممالک دور و نزدیک  
گاهی در صفحه آخرین نکاشته خواهد شد .  
روز چهارشنبه ۱۸ ذی الحجه سنه ۱۳۹۶  
۲۹ نشرین ثانی رومی و ۲ دیسامبر ۱۸۷۹



تعمیرات بدلات سالیانه

دارالسعادة الاسلامبول ۰۳ مجیدی سیم  
دیگر ممالک محروسه عثمانیه ۷۵ قروش صاع  
ممالک محروسه ایران ۲۵ قران  
ممالک هندوستان و پاندر ۱۵ رومی نقره  
ممالک روس و قفقاز ۱۵ روبل کاغذی  
ممالک اروپا ۲۵ فرانک  
نسخه شصت پاره است  
اجرت پوست همه جا بدهنده اداره است .

این نامه از هر گونه وقایع و اخبار و از سیاسی و بولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه مخفی می گوید . هفته یکبار طبع می شود . اوراق  
روشخت سودمند را باستان می پذیرد . در نوشتن کاغذهایی که از خارج میرسد اداره آزاد است . کاغذی را که نوشته نمی شود  
صاحبش نباید استرداد بکند . کاغذهایی که بول پوست ندارد قبول نخواهد شد .

# تنگر امها

از لندن ۱۶ ذی حجه اعضای مجلس  
امین انگلیس که خواهر و وضع حاضر هستند  
با کثرت فرار دادند که در اجتماع آینده مجلس  
یاریت تکلیف نمایند که در شهرهای هرات و بلخ  
و مینه عساکر انگلیس گذاشته شده بزودی هر چه  
تمام راه آهنی بندهار و (غانمک) ساخته  
شود . میگویند برای اینکه دولت روس در صدد  
ضبط (مرو) است تدابیر مذکور به بناچار باید  
بعمل آورده شود . هواخواهان آزادی خیالات  
تالیف میان دولتهای روس و انگلیس را ترویج  
میکند .

از پترزبورگ ایضا اینکه شایع شده  
بود اعلا حضرت امپراتور روس از سلطنت خود  
کناره جویی خواهد نمود فی اصل است . امپراتور  
مشاریه این هفته به پترزبورگ وارد شده مجلس  
بسیار عمده را ریاست خواهد نمود .

از وین ایضا پیش قدمهای اعضای  
هواخواهان آزادی مشغول نوشتن لایحه اصلاحات  
اداره هسکری هستند و تکلیف خواهد نمود لایحه  
که در باب هشتصد هزار فزون که اکنون حاضر  
هستند داده شده است پذیرفته شده تا سه سال دیگر  
حکم آن برقرار بماند .

از پترزبورگ ۱۶ ذی حجه بتواتر  
میگویند که در این نزدیکی از جانب حکومت روس

قانون اساسی اعلان کرد، شده اهالی را آزادی  
تمام داده خواهد شد . همه اعضای مجلس شورای  
دولت و کافه وکلا و بسیاری از خیرای روس برای  
اجتماع یک مجلس عمومی به پترزبورگ احضار شده  
اند .

از پترزبورگ ایضا از جانب محکمه  
در باره (میرسکی) نام که پیشتر قصد شکستن  
(جزال در تزلزل) را کرده بود کفر اعدام داده  
شده است .

از وین ایضا در میان حکومت  
رومانیا و (بارون هیرله) وزیر خارجه اوستریا  
مخبرات جریان نموده (بارون هیرله) در نزد  
دولتهای بزرگ توسط خواهد نمود که استقلال  
حکومت رومانیای بطور رسمی از جانب دولتهای بزرگ  
شناخته شود .

از لندن ایضا اخبارنامه (تایس)  
در نسخه امروزی خود تلگرافنامه نشر نموده  
بموجب تلگرافنامه مذکور کویا اخبار استعفی  
اعلا حضرت امپراتور روس بحکمران بلغارستان  
نیر تبلیغ کرده شده است .

از لندن ۱۱ ذی حجه دیروز (اورد  
کلادستون) در یک جمعیت عمومی خطابه  
خوانده ضمناً بولیتیک داخلی و خارجی دولت  
انگلیس را بسختی و واخند نموده است . پس  
از آن در باب فرستاده شدن کشیمهای جنکی  
انگلیس را بسمت آلهای شرق و بیانات لورد  
سانبری را که در این باب اظهار داشته است  
ذکر نموده گفته است که بولیتیک شرق دولت

انگلیس مانند این است که یک حرکت متفکانه اروپا را  
در باره شرق منع نموده است حرکت و رفتار  
منفردانه دولت انگلیس قرارداد دولت عثمانی را  
هیچ تأثیری نمیتواند بخشید .

از لندن ایضا اخبارنامه (تایس)  
در نسخه امروزی خود مینویسد . بر مقدار  
عساکر محافظه سمت غربی قلمه (ایرلند)  
افزوده شده است . در باب عدم وقوع شورش  
و اختلال اقدامات لازم بکار برده می شود .

والی هندوستان در صدد این است که سنجاق  
(پشاور) را از ایالت (پنجاب) جدا ساخته  
پشاور را پایتخت از نوای افغانستان یکی کرده  
بزرگ اداره یک کوه بگری داده شود . در باره  
تصحیح حدود افغانستان پاره بدلات اجرا کرده  
خواهد شد .

از لندن ایضا بموجب تلگرافنامه  
که از (سیلا) رسیده است پس از حرکت کردن  
هیئت سفارت انگلیس از (برمان) مناسبات  
حکومتین انگلیس و (برمان) خیلی اهمیت  
پیدا کرده است . بر مابین (رانگون)  
سیر و حرکت کشیمهای انگلیس را باشکالات انداخته  
در باره انگلیس بدرجه اظهار خصومت میکنند  
که منع وقوع جنکی در میان حکومتین مشارالیهما  
از جمله کارهای محال و منع دیده می شود .

از لندن ایضا مسیو کلادستون  
دیروز به (ادمبورگ) رسیده است . بموجب خبر  
تلگرافنامه که از برلین باخبرنامه (تایس)  
رسیده است برنس غورچاکوف در ظرف این هفته

به این وارد خواهد شد . در تلگرافنامه مذکور  
مذرح است که پرنس مشارالیه بر ضدای نیلالت  
بوده است که در ملک حکومت روس مشروطی  
تأسیس کرده شود .

از لندن ۱۲ ذی حجه **حکومت حبش**  
بر ضد حکومت مصر رفتارهای تهدید آمیز کرد ،  
ضمناً ادعا میکند که باید لشکرگاه (مصوغ) از جانب  
حکومت مصر بحکومت حبش واگذار شود .  
زیرا تلشکرگاه مذکور را مالک نشود بیرون  
فرستادن محصولات حبشستان مکر نیست .  
هرگاه حکومت مصر لشکرگاه مذکور را بحکومت  
مشار الیها واگذار نکند کار بمشخصه و جنک  
خواهد کشید .

از برلین ایضا **اخبارنامه های المان**  
در مقابل اینکه اخبارنامه های روس مینویسند  
که حکومت فرانسه در سمت حدود شرقی خود  
بساختن استحکامات مشغول است میگویند دولت  
المان بر قلعه (استراسبورگ) را استحکام میدهد  
و نیز دولت فرانسه در هر جایی که میخواهد در ساختن  
قلعه و استحکامات مخازرات . مع ذلک میگویند  
اخبارنامه های روس هر نوع انتریک در ایالت (جبله)  
بکار ببرند باز خلی بنامسبب نوشته اند دولتین  
لمان و فرانسه وارد نخواهند شد .

از نیورک ۱۱ ذی حجه **عساکر**  
جمهوری (سیلی) شهر (ایلیق) را که از  
ممالک جمهوری (پرو) است ضبط و تصرف  
کرده است .

از لندن ۱۲ ذی حجه **اخبارنامه**  
(تایس) بوجوب خبر تلگرافی که از بلگراد  
گرفته است میگوید . در میان دولت عثمانی  
و حکومت سرستان درباره فونسله های طرفین  
مقابلله نامذ بسند شده است .

از برلین ۱۳ ذی حجه **خبر آمدن**  
اعلا حضرت پادشاه دانمارک به برلین در دواز  
دیلم . نشانی اینجاست آنچه های خوب بخشیده  
است .

از لندن ایضا **بوجوب خبر تلگرافیکه**  
تایس (تایس) در نسخه امروزی خود  
مذرح کرده است دولت روس تدابیر لازمه را  
برای مقابله با کدر اول به رآید . یک اردوی  
بزرگ در میان (ترک) بمرو فرستد .

از لندن ایضا **فرصتهای غیر منظم**  
دوات انگلیس بمناسبت جنک افغانستان خیلی  
زیاد شده است .

از پاریس ایضا **بناسبت کشاده**  
شدن مجلس مبعوثان فرانسه (میسرکانینا) رئیس  
مجلس مذکور خطابه خوانده از اینکه مکان  
مجلس اعیان و مبعوثان را پاریس نقل داده شده  
است اهل مجلس را تبریک نموده پس از آن  
از مبعوثان مات خواهش نمود که بکشتکوهای  
بی زوم مشغول نباشند . در اجتماع اولین  
مجلس مبعوثان مطلبی که قابل اعتبار باشد مذاکره  
نشده است .

توجیهات

والیسگری ولایت (اشقودره) بانضمام  
کومانداتی عسکری آنجا بمسئولیت جناب سعادتآب  
عزت پاشای فریق .

منصرفی (معموره العزیز) بجناب حقی پاشا  
منصرف سابق جایک .

منصرفی جایک بجناب رشید پاشا منصرف  
سابقی حاتوجه فرموده شده است .

داخلیه

اینکه شایع شده بود بجناب دولتآب  
احمدبخار پاشای طازمی سوء قصدی کرده اند  
بی اصل است . زیرا از جانب پاشای مشارالیه  
تلگرافنامه بیاعمالی رسیده است که بجناب  
(پرزین) حرکت کرده است .

سعادتآب با کر پاشا که برای تحقیق و تفهیم  
وضع اصلاحات انانطولی معین شده است روز شنبه  
گذشته بجناب (حلب) عزیمت کرده است .

از چند روز پیش طرف است که جناب وزیر  
بحریه ناخوشی مزاج دارد لهذا روز جمعه

گذشته از جانب اعلا حضرت پادشاهی محض  
بملاحظه ابراز التفات شاهانه طیب مخصوصی  
برای تدایوی وزیر مشارالیه فرستاده شده  
است .

روز پنجشنبه گذشته که روز سوم عید سعید  
اضحی بود جناب جلالآب معین الملک سفیر کبیر  
ایران برای ایفای رسم معایده اسلامیة بمابین همایون  
عزیمت نموده مدت طولانی در حضرت همایونی  
بوده اند .

روز جمعه گذشته بسیاری از اهالی اسلام  
که از نظم و ستم بلغاریان بیستوه آمده مهاجرت  
اختیار کرده بودند باو پور (وارنه) بدر سعادت  
وارد شده اند .

بجناب دولتآب علقوی پاشا والی روم ایلی شرقی  
بکلمه نشان عالی عثمانی از درجه اولی احسان  
فرموده شده مشارالیه روز چهارشنبه گذشته  
باتفاق همراهان خود شان بجناب قلبه عزیمت  
نموده است .

سعادتآب و بتایس پاشا کوماندان سابق  
عساکر ملی روم ایلی شرقی در انانطولی رسم عالی معایده  
مظهر التفات محصرص اعلا حضرت پادشاهی  
شده بمنصب جلیل باوری سمرافراز گردیده  
است .

اخبارنامه (مونینوردو کومرس) میگوید  
سیریلارد ایلیچی انگلیس یک کاغذی بیاعمالی  
فرستاده در کاغذ مذکور مقاله نامه را که تازه کی  
در باره قرضهای خارجی نوشته شده است بنام  
صاحبان سندهای استقراضات سالهای ۱۸۵۸  
و ۱۸۶۲ پروتست کرده است .

یک نسخه از صورت فرمان همایون اصلاحات  
که در این نزدیکی اعلان کرده خواهد شد بهر یک  
از سفارتخانه های دول تجاره تبلیغ شده است .  
( استانبول )

جناب سیریلارد سفیر انگلیس روز چهارشنبه  
گذشته بانفاق هیئت سفارت از سفارتخانه بیلاقی

واقع در ( طرایه ) بسفارتخانه بیک اوغلی نقل نموده اند .

مقاله نامه که درباره مبالغ مخصوصه فائض قرضهای عومی دولت علیه عثمانیه در میان باعالی و صرافها نوشته شده بود روز دوشنبه گذشته با مضای طرفین یعنی از جانب دولت علیه جناب فحامت آب رئیس وکلا و جناب وزیر مالیه امضا نموده از صرافها نیز آنان که لازم بودند مهر کرده اند . ( وقت )

رضا پاشا زاده ابراهیم پاشای فریق کوماندان موقع ارضروم از چندی با طرف ناخوش شده برای تبدیل آب و هوا بطر یزون آمده بود روز دوم عید اضحی در طر یزون وفات کرده است . ( رحمة الله علیه )

اخبار نامه ( استناد دارد ) بموجب خبرهای که از برلین گرفته است مینویسد . موافق تقشقه که از جانب باکر پاشا نشان داده شده از جانب باعالی نیز پذیرفته گردیده است مقدار عساکر ( جا ندارم ) دولت علیه عثمانی شصت هزار نفر خواهد شد . عساکر مذکور در هنگام وقوع جنگ مانند عساکر احتیاط مستخدم خواهند گردید .

روز دوشنبه گذشته یک نفر چرکس برای ثبت شدن بموض شخص دیگری در سلك عسکری بیاب والای سر عسکری آمده چنانکه معمول است چرکس مذکور از جانب اطبای عسکری معاینه شده موافق فن طب وجود چرکس مذکور معلول بنظر آمده جواب داده شده است که وجود نومعلول است بمسربازی برینصورت چرکس از این جواب پر آشفته قهرا که در کرداشت کشیده بروی طبیها هجوم آورده فائق پاشای دوکتور واسپراکی بیک دوکتور و بیک نفر سرهنگ و بیک مسرباز را زخمی کرده خود بفرار شتاب میابد از مشاهده این حال از طرفین هجوم آورده چرکس مذکور را گرفتار

کرده اند . از قرار بیکه شنیده شد زخم مجروحان خطرناک نبوده است .

فوائد مسنده راه آهن

نه از روی قیاس بل از جهت تجریت فواید کثیره راه آهن بر همه مردمان مسالك متدنه واضح و روشن گشته است . نهمذاملتی که در خیال این امر خطیر نیفتاده باشد از نعمیر و شرف و سعادت مملکت خویش غافل است . از برای ترقی هر دولت و ملت واسطه بهترین راه آهن نیست .

در نسخه هفتم گذشته مجلا از فایده راستی و صافی راهها ذکر کرده بود . اگر سرعت حمل و نقلهم در این راهها میسر شود البته برنعمت آن راهها دهچندان افزوده خواهد شد . چه مسافتی را که بیک قاطر در مدت ده روز طی کنند بیک ( لوکوموتیف ) یعنی بیک چرخ و آتشخانه راه آهن در بکر روز قطع میاید . الان در جمیع اروپ و امریک و بسیاری جاهای آسیا واسطه کلی حمل و نقل ارایه آتیشست . البته در آن مسالك عظیمه دنیا مسافتی اندازه از راه آهن دیده اند که روز بروز در تمامیم آن میگویند . و بر مسافه و اتساع آن می افزایند .

اگر چشم عبرت گشوده نظر نمایم باندک ملاحظه فواید حقیقی راه آهن بر ما معلوم خواهد شد . این بیک آتشین بی دردمت قلیلی ساکنان هر مرز و بومرا با یکدیگر آشنا نموده اقوام مختلفه الادیان و الالسنهرا از اصول و آداب و اخلاق همدیگر مستحضر و باخبر ساخته است . معاملات و مناسبات دول را بشدتی گرم و نزدیک کرده است . که اگر در آسیای شمالی حادثه رخ دهد در مدت چند روزی ما مورین از کلکته و پتسبورغ در آنجا حاضر میشوند جمیع دول و ملل را در منافع و مضرت مشترک ساخته است . از تاریخ و ( ژولوژی ) علم طبقات الارض و متروکات مدفونه ملل قدیمه که تا بحال کشف کرده اند ثابت میشود که از ظهور انسان تا امروز از برای حراست و اعمار ملک واسطه از این بهتر هرگز یافت نشده است .

هر صنف و هر طبقه از مردم بآن اشد

احتیاج را دارند چه راه آهن بر مقصد خدمت میکند مثلا بهل زراعت خدمتش آن است که اولاً هر آلات و ادواتیکه برای تسهیل زراعت لازم باشد و حمل آنها بدو آب ممکن نباشد از مملکت بعیده با سهولت تمام و سرعت زمان و ارزانی کرانه حاضر میسازد و حاصلات زرعیه ملکی را بدورترین مملکتها نقل نموده به قیمت تمام بفروش میرساند . دیگر غله را در جاهها و آبنازها نگاه نمیدارند تا بوقت کرائی بشود و آن وقت به قیمت برسد .

واهل حرفت و صنعت را نیز از آن فایده کلی در کار است بجهت آنکه اسباب و اشیاء تمام که در دستگاه صنعت کزی لازم است بدین واسطه تهیه و حاضر نموده باندک خرجی و جزئی زمانی کایخانههای خود را رونق داده انواع آلات و اسباب و اشیاء واقشه و امته را بعمل می آورند و همچنین اشیاء مصنوعه خود را بی خوف غرق و زلف خالی از بیم دزدان و راه زنان باطراف جهان فرستاده بمصرف می رسانند و تنوع کلی مییابد و در کار شان وسعتی پیدا میشود . و از باب تجارت نیز سود مند است چه اجناسیکه بچهار سال پیش از این دردمت بکمال خرید و فروش میشد الان بواسطه راههای آهن در تمامه دادوستد میشود بی آنکه جنس ضایع و با فرسوده شود و بجهت ارباب و عاقل کارمندان بسیار سهل شده در یک هفته جنسها هر کدام شهر بیکه خواننده باشند بی زحمت و دشواری میفرستند و نقودشان بی آسیب عاید میشود . تا علم طی اعراض حقیقی درست متکشف بشود راه آهن بقدر مقدور آن خدمت را بعمل می آورد . چنانچه ذکر کردیم چنانچه علم انترناتی است یعنی بدان واسطه دونفر از مسافه بعیده در آن واحد مضمرات ضمایر خود را بهم میفهمانند . همچنین بواسطه راه آهن مردمان قرا و قصبیات از دفرهخی و بیست فرسخی باکمال آسودگی مثل اینکه در خانه خود نشسته باشند بی صدمه سرما و گرما و بی لذت بانو باران بشهرها رفته بعد از انجام کارها و خرید و فروش باز همان روز بخانه خود بر گشته بی فوت وقت بکار خود مشغول میشوند . الان مردمان نوکر بل چون مأمور خدمتی میشوند اولادتی باید تدارک سفر به بند و اسب و اسب بخرد و بارونه فراهم بیاورند و هفته ها بلکه ماهها رنج سفر و مشقت راه را تحمل شوند تا بحال مأموریت خود واصل

کردند اما در صورتیکه راه آهن باشد مثلا نوکر یکی از طهران مأمور خراسان و یا آذربایجان و فارس شود بجز یک صندوق رخت دیگر محتاج هیچ چیز نخواهد بود و ممکن است که در مدت ده یا پانزده روز مأموریت و خدمت خود را بانجام رسانیده برگردد .

راه آهن از برای تنفیذ حکومت و حراست ملک بهترین وسایط است . بجهت آنکه چون در میان ولایات و حکام ولایات دربار انعامی اوامر و اعلامات مبرمت و سهولت حاصل شود در حین حاجت حکومت بهر جانب ممالک عروسه که خواسته باشد بی اعناعت وقت از برای آرامی و امنیت مملکت مأمور و فوج میتواند فرستاد . جریع معاملات دیوان با رعیت و رعایض رعیت دیوان آسان شده از جهت فوت نشدن وقت و تغلیل خرج و مصرف منافع کلی حاصل میشود و محافظه حقوق رعیت و حکومت هر دو سهل میگردد . آفتوق دیوان دیگر غله را باهل محتاج آن هستند نقل نموده بفروش میرسانند چه سبب طرح غله همان صوابت حل و نقل است . در صورتیکه در هر طرف ملک راه آهن باشد خدای نخواسته اگر غایب خارجی ظهور کند باندک زمانی ارفاس بازگردان و از خراسان با آذربایجان و برعکس از این سرحدات به سرحدات اولی بقدر ضرورت قشون سواره و پیاده و آذوقه و مهمات حرب فرستادن سهل و آسان میشود . باعث غیبه انگلیس مگر همین نبود در مدت یکسال از هند بافغانستان دودفعه لشکر ریختن مگر نتیجه این راه آهن نیست .

راه آهن بجهت تهذیب اخلاق و تربیه رعیت و تحصیل علم مدخل کلی دارد مثلا اهل دهات و قصبهها چون در رفعت و آمد سهوات بایند بشهر بیشتر آمد و رفت کرده رفته رفته از آداب و اخلاق اهل شهر حصه مند گشته از معاشرت و معاشرت ایشان فایدهها خواهند دید و طالبان علم هم بهچنین از طرف واکف بشهرها آمده بعد از درس و علم بازشب بخانه خود برگشته سر به بسترسوزی مینهد و همان قیاس چون سهولت و امنیت راهها صورت گرفت اهل حرف و صنایع و تجارت و مأمورین حکومت که الان مدت متمادی در یکجا نشسته سالی یکبار از دروازه شهر بیرون نمیروند آفتوق تابستانها هر کس دردهی و بیابانی و اذمانه کوهی

هر طور که سابقه اش به بستند محلی از برای خود تدارک و نه از آنجا هر صبح بشهر آمده بکار خود مشغول میشود و شام گشتند باز بجای تزه رفته بدین وسیله هم صحت بدن و هم شیرینی عیش از برایش میسر میگردد .

خلاصه هر چند از منافع راه آهن بنویسیم باز کم است هیچ واسطه از برای حراست و اعمار ملک و رفاه و سعادت و ترقی رعیت بهتر از راه آهن نیست هم بجهت دفاع دشمن خارجی و هم برای رفاه و آسایش داخلی چه تدبیری از این نیکوتر است .

از برای ساختن این راهها هیچ احتیاجی بکوهپایه های مردمان اروپ نیست اگر دولت و ملت فواید مسلمه مشروعه این کار را قبول نمایند و از روی دلسوزی بوطن و دو آغزواهی خوب ملاحظه کنند میتوانند در مدت پنج سال بدون اینکه بیکانه را داخل کار کنند خود بخودشان از خراسان و رشت و آذربایجان و فارس خطهای راه آهن را بطهران متصل سازند . باین ارزانی و فراوانی و مردمان بیکار ایران از برای ساختن این راهها تخمینا بیشتر از بیست کرو و تومان لازم نخواهد آمد . و این مبلغ هم باهل و جعی از داخل مملکت بی آنکه بر رعیت حل ثقیلی باشد تدارک میتواند شد .

مثلا چنانچه در جریع و امتحانه معمول است اگر در ایران هم قاعده نهر بر نفوس بحری شده از هر شخص مکلفی بجهت هزار پول تذکره نفوس و صد دینار هم برای مواجب مأمورین این کار باز یافت شود در مدت چهار پنج سال کار راه آهن بانجم خواهد رسید . در ایران با بقول دیگران بیست کرو و نفوس موجود است . ( و حال آنکه شکی نیست که خیلی بیشتر از اینهاست ) هر گاه نصف آنرا از حساب سابقه داریم ده کرو و مردمانی در ایران هست که هیچ وقت از برای تقویت دین و دوات و تروت و سعادت مملکت پنجهزار جفته بی قدر دینارا دریغ نخواهد کرد و باعث خرابی هیچ احدی نخواهد شد ولی ثمره که از آن حاصل می آید باعث نیکنامی دارین خواهد گشت هم دولت در دفع هجوم خصم مقتدر میشود هم رعیت و کسبه آباد میگردد هم زوار بکمال سهولت و خرج اندک و مدت قلیل بمقصد مقدس خود وصول مییابند .

الحاصل در این عصر در ممالک اسلامی واه آهن ساختن خصوصا در صورتیکه اهل مملکت خود متحمل این کار شوند از اختیارات دینی و مطابق صلاح نوات است بل دولت و ملت را لازم و واجب است که بدون تاخیر این کار را از قوه بفضل بیاورند . (م ۰۰۰)

### خارجیه

بیشتر در یکی از نسخه های اختر نوشته بودیم که ( مسیو دوزی ) نامی کتابی بنام ( تاریخ اسلام ) در اروپا نشر کرده است یک فصل از کتاب مذکور را نیز در نسخه های پیش ترجمه کرده بودیم اخبارنامه ( وقت ) در نسخه روز جمعه گذشته یک فصل دیگری از کتاب مذکور که بعنوان ( وضع حاضر اسلامیت ) است نقل کرده بود چون مندرجات آن خالی از فایده نبود مانیر بترجمه آن پرداختیم .

### صورت ترجمه

آن زمانها گذشته است که شمشیر جهانگیر اسلام اطراف همه دنیا را دچار وهم و هراس نموده بود . باینکه خیالات حکیمانه مسلمانان ترقی کرده و آثار نصیب رویه نازل نموده است بازه مقدار مسلمانان نقصان حاصل نکرده است . اگر چه عالم اسلامیت از قطعه ( اسپانیا ) محو شده و در سمت ( سبریا ) نیز از انتشار مذهب توقف کرده است ولی در سمت آسیای میانی و افریقا جزوی دین اسلام تقمیم حاصل کرده است بطوریکه امروز در آبادین اسلام از سایر ادیان زیاده انتشار یافته نفوذ اسلام را روز بروز در آنجاها افزوده می شود . در قطعات اروپا و آسیا و افریقا مقدار اهالی اسلام یکصد میلیون تخمین کرده شده است .

دره لک روس بقدر دو میلیون ( ۱ ) اسلام هست که بقدر ۵۱۸۳ جموام شریفه و ۶۴۰ مدارس را مالک هستند بقدر پانزده هزار علمای مذهبی دارند که سرآمد علمای مشاعر الهیم مقتدیهای

( ۱ ) در ممالک روس زیاده برشش میلیون اهل اسلام هست .



(قریم) و (اورنبرگ) است . در نظامات  
تاتارستان دین اسلام حاکمیت را دلرا است .

در ملک چین که مذاهب مختلفه بنظامات مملکت  
جایه می شود نیز خیلی مسلمان هست .  
در هندوستان مسلمانان باینکه در میان یکصد میلیون  
هندو زنده گانی میکنند بقدر شانزده میلیون (۲)  
اسلام هست . اشخاص بزرگ مسلمانان هندوستان  
مسلمانان سنی هستند ولی در آنجا مسلمانان شیعی  
برای اینکه از اصل ایرانی هستند اکثریت حاصل  
کرده اند . علاوه بر اینها در هندوستان از جماعت های  
صوفیه و طریقه نیز خیلی هستند سایر مسلمانان  
هندوستان مانند اهل سنت برای اجرای وظائف  
دینی چندان مقید نیستند حتی پاره از عادات  
هندوها را نیز بخورد گرفته اند . ولی بقدر ممکن از  
هندوها دوری جسته در شهرهای بزرگ و لنگرگاهها  
یکجا پذیر میشوند .

در شهرها و دهات اندرونی هندوستان مسلمان کم  
یافت می شود هندوها را آدم حساب نمیکنند واقعا  
هندوها از جهت اخلاقی و قوه عقلی بسیار پایین  
تر از درجه مسلمانان هستند . ولی در پاره  
صنایع هندوها نسبت به مسلمانان ترقی کرده اند .

مسلمانان هندوستان حکومت انگلیس را  
بناچار مطاوعت میورزند برای حکومت انگلیس  
بخطرات مسلمانان بیشتر از هندوها است . زیرا  
مسلمانان باقتضای شریعت باک اسلام خدمتکاری  
دیگران را نخواسته برای اجرای حکومت کوشش  
میکند . پیشترها مناصب بلند ملکی و عسکری را  
داشتند ولی بعد از استیلای انگلیس از آنها محروم  
شده اند . در سال ۱۸۵۰ میلادی که هندوها  
رضد انگلیس بشوش برخواستند مسلمانان نیز  
با آنها اتفاق نمودند اتفاق مسلمانان در شورش  
مد کور دوسیب داشت . یکی اینکه والی  
هندوستان مملکت (اوده) را که نصیق اسلام و بی  
بت پرست است برخلاف معاهدات بجهت و تذیر  
ضبط نمود دوم اینکه ( عزیز ) های معهود  
که از صنوف وسطی انگلیسه هستند بجماعت  
و نه سب خواستند هندوها را اجبر بذهب انگلیس  
بیاورند که از همین دوسیب هم مسلمانان وهم

(۲) در هندوستان نیز بموجب پاره  
استاتیسیکها ( یعنی شماره نفوس ) ی انگلیس  
زیاده بر بجهت میلیون اسلام هست .

هندوها را از انگلیس دلگیر کردند .

افغانان در هنگام سلطنت سلطان محمود (۳)  
که در افغانستان اقامت و حکمرانی میکرد دین اسلام را  
از اهالی هندوستان یاد گرفته اند . مع ذلك پاره  
عادات باطله و عقائد باطله که در خارج اسلامیت  
است در میان آنها باقی می شود . آمدم بمقائد  
طایفه ( سیخ ) طایفه مذ کوره مذهب مخصوصی  
دارند . مؤسس مذهب آنان ( نانا ) نامی است  
که در چهار صد و هفتاد سال پیش از این در  
( لاهور ) سکنا داشته که در آن زمان در میان  
هندوها و مسلمانان بسیار خصومت و عداوت بود  
( نانا ) موی اله میخواست برای حصول اتحاد  
این دو عنصر یعنی هندو و اسلام هر چند  
همدیگر هستند مذهب جدیدی تاسیس نماید  
که اساس آن مذهب عبارت از وحدانیت خدا  
ه مذهب قدیم هندوها است بوده باشد که در  
اینصورت هندوها بتدریج بذهب اصلی خود  
شان بر گشته باشند . مسلمانان نیز از ذبح و خوردن  
گوشت گاو که موجب نفرت و عداوت هندوها  
بود منع و نصیحت نمود . بعد از وفات ( نانا )  
شاگردانش او را صورت مجسم وزنده (دوینو)  
نام بت اعقاد نموده مذهب او را رواج و وسعت  
دادند . بمعنفدات مذهب مذ کوره پاره از عقاید  
و اصول صوفیه نیز مخلوط شده است . طایفه  
( سیخ ) را کتاب بسیار عمده و مفید می پرستم  
خوشن مست به نام کتاب مذ کور ( آبی غرات )  
است هان کتاب بر صد کتاب اسلام و بی پرستها  
است .

براهمانی ( غور غو پند ) نام ساحری وضع  
مذهب طایفه ( سیخ ) در خصوص هندو  
کشی و سرباز رفتن مناسبات محکم حاصل کرده  
در هر جا که مذهب مذ کور منتشر شد مذهب  
( برهنی ) پامال گردید . باقتضای مذهب سچنها  
هر کس میتواند بذهب مذ کور داخل بشود حرف  
و عداوت مراتب در نزد آنان معدوم و بیخ از ذبح  
و خوردن گوشت گاو گوشت و ذبح سایر حیوانات  
بمقیمه آنها مباح است .

باقتضای مراسم دینی همه ملت مذ کوره ناچار

(۳) مشارالیه سلطان محمود غزنوی است  
از سلاطین اسلام او این شخص است که عنوان  
ساطاتی را دارا شده است .

یاد بصنف عسکری داخل بشوند بجهت اینکه  
اینگونه عادات برخلاف مذهب هندوها است  
آن است که از امار طایفه ( سیخ ) در نزد بزرگ  
و دانشمندان ( برهنه ) و هندوها نفور است ولی  
در نزد صنف پایین هندوها پسندیده است .

اگرچه مذهب سیخ در ظاهر در پاره مواد  
بدین اسلام مشابهت دارد ولی مسلمانان را دوست  
نمیدارند زیرا طایفه مذ کوره درباره مسلمانانی  
که در مملکت آنان هستند فوق العاده ظلم و بی حسابی  
میکند . مثلا زور و عنف گوشت خوک خورانیده  
و طفلان آنها را از رسم ختان منع میکنند علاوه  
بر اینها از غایت کبر و غروری که دارند خواندن  
اذان را منع نموده نسبت بمساجد و جوامع شریفه  
بی احترامی میکنند .

پس از آنکه انگلیسها در هندوستان جای  
گرفتند دین اسلام در جزیره های هندخیلی  
انتشار یافت دوز روز بواسطه تجار و حجاج  
و علمای گشتیها و سایر صاحبان حجت ترقی  
میکند . بمقدار بزرگ و کوچک علمای اسلام  
در جزایر مذ کوره خیلی افزوده شده چنانکه  
در یک محل هشتاد و پنج نفر علمای شریعت است صنف  
علماء در نزد اهالی خیلی معزز و محترم است بمناسبت  
زیارت حج شریف حجت و غیرت دینی اسلامیان  
متراب می شود . علمای اسلام بجهت تفریق  
نمودن وضع مسلمانان را از عیسویان خیلی سعی  
می نمایند . مثلا در جزیره ( ماله ) باقتضای  
معتقداتی که در میان اهالی متداول است لباس فرنی  
پوشیدن بطور کلی ممنوع است . پاره اوقات  
شقاها و یا خود بواسطه رسائل اهالی را برای  
جهاد کردن باطوائف غیر مسلم و عنف و نصیحت  
میکند . در مناسکات فلک اکثریت اهالی اسلام  
سنی و شافعی مذهب هستند ولی نمیتوان گفت  
که مسلمانان آنجاها بطور لاین احکام و توشه  
اسلام را امری میدارند . زیرا پاره عادات باطله  
مذاهب قدیمه در نزد آنها باقی است حتی در پاره  
جاها از اسلامیت تنها نامی باقی مانده است .

( باقی دارد )

( ایران و روس )

اخبار نامه ( گولونیا ) می نویسد . مناسبات  
دوستانه دولتین ایران و روس از چندین پانصرف

تخل شده است . زیرا هشیارا کرامی که رساجل  
 نهر ( اوس ) در سمت ایران تقامت دارند از یکسال  
 با تصرف در هر چند شهر مذکور را گذشته اطراف  
 ( ایزوان ) و ( شیشه ) انبوه غارت میکنند . چون  
 هشیار مذکور در حین حاجت می توانند یکصد و بیست  
 هزار سوار جمع آوری نمایند لهذا دولت ایران  
 بخواهش دولت روس بمشاورت در حدود تقبیه  
 و تربیت آنها بر آید . خصوصاً که هشیار مذکور  
 در اثنای جنگ آخری ستانی و روس نزدیک احد  
 بخار پاشا آمده بر ضد روسها جنگ نموده از عثمانها  
 تفکهای ( وینچستر ) و ( مارتینی ) گرفته اند .  
 بنا بر این سوارهای قزاق که نگاهداری حدود  
 روس مأمور هستند هم از مقدار سوارهای کرد کتر  
 وهم السله آنان خوب نیست آن است که تاب  
 مقاومت سوارهای کرد را ندارند . حتی چند هزار  
 سواره کردها نهر ( اوس ) را تجاوز کرده سر باز  
 خانه که محل اقامت قزاقهای روس بود محاصره  
 کرده بعد از آن خطهای تلگرافها را بریده  
 آنچه از اطرافت کرده اند . از جانب حکومت روس  
 بدفعات در این باب والی در ایلیان شکایت نامه نوشته  
 شده است ولی بوجهی طرف اعتنای حکومت  
 آذربایجان نشده است کوبا دولت ایران از باز  
 داشتن سوارهای اگراد عاجز و تقبیه آنان را مقدر

نبوده است . لهذا از جانب دولت روس کاغذی  
 در این باب بحکومت ایران نوشته شده ضمناً تقبیه  
 و تربیت اگراد مذکور را خواسته در مقابل  
 ضرر و خسارت آنها مبلغ کزافی بطور تضمین  
 از دولت ایران طلب نموده است .

مکاتیب

این هفته کاغذی از استرآباد برای درج شدن  
 در صحائف این اخبارنامه بداره رسید اینک  
 در اینجا نقل نمودیم .

صورت مکتوب

اگر چه نگارش پاره اخبار از این بخبر  
 بی معنی و ناروا است و لکن بعض ملاحظات  
 عرض می شود . هر گاه خواسته باشید از گذارش  
 بخار به و مهاجرت قشون روس بر ضد ترکمان  
 اطلاع حاصل نمایند این است که پیشترها اردوی  
 مستعدی از روس از ساحل دریای خزر ب سمت مرو  
 حرکت نمود . ترکمانهای قریه نشین روی  
 اطاعت نشان داده ولی سوارهای زبده آنها  
 بتفرق سایر ترکمان بطور فرار عقب رفتند  
 تا اردوی روس را از ساحل دریای خزر و بعضی راهای

لمریز در پرتیه و ماهو کشیدند همینکه کین گاه  
 میسر گردید جمعی از ادا و طلبان ترکمان سوار  
 اسبهای تازی تژاد شده تیرها در کان و با تیغهای  
 عربان از کین سر بر آورده هجوم باردوی بانظم  
 و ترتیب روس آورده بدون اینکه مجال انداختن بیشتر  
 از سه تیر توب کروپ و تفنگهای مارتین بدهند اجل  
 وار کریان صسا کر روس را گرفته تیغ در آنها  
 نهادند با وجود آنکه ترکمان بگرفت توب چندان  
 اعتنا ندارد سه عراده توب کروپ و تقریباً بقدر  
 هجده هزار از عساکر روس مقتول و مجروح  
 و اسیر شده تا ساحل دریای عقب نشینند .  
 صاحب منصبان معلم و پرفش روس از قنون حرب  
 مأیوس شده فرار را بر فرار اختیار نمودند .

اخبارنامه ( کور پوندانس پو ابیک ) بموجب  
 کاغذی که از اخبار نگار طهران گرفته است  
 مینویسد . در روز آخر عید مبارک رمضان اعلا  
 حضرت پادشاه ایران بطهران تشریف فرما شده  
 در ( باغ لاله زار ) عسا کر سواره که از جانب  
 صاحب منصبان روس ترتیب داده شده بود  
 صف سلام بسته نیز عسا کر خاصه حضرت  
 مستطاب و الا نایب السلطنه که در زیر یاست

فصل سوم

در بیان حکایت کردن تملک کیفیت استرداد  
 اسرای مملکت ( فینیس ) را که اونیز یکی  
 از آنجمله بود و مقدمه سفرش بشهر ( تیر )  
 در کشتی ( ناربال ) که رئیس سفائن آن مملکت  
 بود و در بیان شرح دادن تملک احوال و اخلاق  
 ( پیکالیون ) پادشاه ممالک ( فینیس ) را  
 که بجناب ذات و خساست طبع مخصوص بود  
 و آموختن تملک از ( ناربال ) قواعد تجارتی  
 اهالی ( تیر ) را و در بیان عزیمت تملک ب سمت  
 جزیره ( شپر ) در یکی از کشتیهای جزیره مزبور  
 و آگاهی یافتن ( پیکالیون ) از پیکاه بودن  
 او و حکم گرفتاری تملک و در بیان خلاصی آن  
 جوان از آن و رطه خطر تملک بدستاری ( آستاربه )  
 که مشوقه آن پادشاه ظالم بود و دستگیر کردن

از ترجمه حکایت تملک

چون مورمار در گوشه و کنار پراکنده و متواری  
 شدند بلی عمر را ندن و نعت مردان دلیر و مشیران  
 خیر همین است و از خواندن و دعوت اطفال صغیر  
 و جهال مزاج کو و شریر چنین دیرگاهی از فرط  
 نجاعت در مقابل صفوف و افواج دشمنان پای  
 مردی فشردی عاقبت در میانش گرفتند و بایک  
 چوبه تیر که بر سینه او رسید کارش را برداخته از پای  
 در انداختند زمام عراده از کفش رها شده  
 در غلطید و در زیر هم مرا کب پاهال گردید یکی  
 ز لشکریان جزیره ( شپیر ) سرش را بریده  
 از کیوان مشکین او که از خون خویش رنگین  
 شده بود گرفته بلند کرد و بدان گروه نمود هرگز  
 حالت آنمرا که در دریای خون شنآوری میکرد  
 فراموش و زبان از تکرار آن مقدمات خواموش  
 نخواهم داشت چشمگان دوخته و دهسان بلزش

که کوئی بحسرت نگران بود و سخن بر زبان  
 داشت و آن صورت زرد و درهم و شمایل شیرین  
 و خرم او را که با وجود تغییرات حرکت تغییر پذیرفته  
 و در نهایت صباحت بود همیشه در برابر نظر  
 مصور دارم اگر روزی خداوند عالم تمام دولت  
 برانگشت قدرت من گذارد و زمام مهام سلطنت  
 بر کف کفایت من سپارد از چنین کیفیت عبرت  
 برده و تجربت حاصل کرده و می دانم که شخص  
 هرگز سزاوار سر بر سلطنت و شایسته مسند دولت  
 نمی شود و از سلطنت خویش بهره نمی برد مگر  
 وقتی که هوای نفس را فرو گذاشته بمشورت  
 همکنان اذعان آرد و در اصلاح امور شور  
 و مصالحت دوستان را لازم بشمارد زهی بدبختی که  
 بزرگی عزیمت بدل کرده رفاهیت خلق خدا پیشنهاد  
 خاطرش باشد اما قضیه برعکس تقبیه بخشیده  
 درخت عدلش ظلم باز آورد .

بارون (ستواج) ترتیب شده است حاضر سلام نظامی شده بوده است . اعلا حضرت پادشاه مشارالیه بجزالهایی که همراه رکاب همایون بودند آرزومند بودن خودشانرا در باب تمامی تسلیقات عسکری بیان فرموده اند . از جانب اعلا حضرت پادشاه مشارالیه برای ساختن راه ازایه بسیار خوب و بانظمی در میان تبریز و طهران بجزال ( بوهلر) و ( بزد جردخان) دستور العمل داده شده است مقرر بوده است که کوچه و بازار طهران بواسطه روشن کار روشن کرده شود .

اخبارنامهها می نویسند . از جانب دولت یونان قرارداد داده شده است که تازه کی چهار باب سر بازخانه بسیار بزرگ ساخته شده نیز سر بازخانهای که در سرحد عثمانی و یونان هست تعمیر کرده شود .

از فرار یکه در بعضی از کارتها مرویست که بیا اعلیحضرت امپراتور روس خیال دارند گوشه عزلت کزیده تخت سلطنترا بواجب خود واگذارند این قضیه را خیلی اهمیت میدهند .

فی الواقع افکار و مسالک ( ولیعهد روس) با افکار و مسالک پدرش مغایرت کلی دارد . و اخص آمالش آن است که اتحاد صقلاییه را حاصل نماید بل یک حکومت متفقہ صقلاییه ترتیب نماید . و تا یکدرجه جابجایی حریت افکار و جهسوریت راهم در نظر دارد . و هیچ شکی نیست بجزد جلوشان بر تخت سلطنت درامور داخله و مسالک خارجه دولت روس تبدلات و تغییرات کلی روی خواهد داد . ولی چون تا بحال چندبار است خبر استعفاى اعلیحضرت امپراتور شایع شده است و هیچ کدام حقیقی نداشته است ما این شباهه را هم فرین صحت نمیشماریم .

مع هذا چون کامی پولیتیک روس ابتدا کسب اهمیت نکرده بود بعید نیست که یک تبدلات فرق الماده در دولت روس واقع شود .

علی ای حال ما این شباهه را بنظر صحیح نمیگیریم ولی در صورتیکه صحت داشته باشد می توانیم گفت که باین مناسبت تبدلات عمده در پولیتیک روس راه یافته و از آن تغییر کلی در پولیتیک اروپا بوقوع خواهد پیوست . ما مول آن است که اتوقت حکومت روس طریق استبداد را رها کرده بشکل

یک حکومت مشروطه حریت پرست خواهد برآمد و باین سبب ( نهلیستها) و ( سوه ایستها) نیز اکنون را خشنودی حاصل کرده لاجمله برای شورش و نزاع بر پا کردن دیگر بهانه در دست نخواهند داشت . و کم کم آرام خواهند گرفت . و دروستان از این مخاطره هم فرانت حاصل نموده از برای دولت روس بکسور ترقی شروع خواهند شد . و سودای کشورستانها هم از سر بیرون نموده در سمت آسیا تنها بتأسیس و تأمین تجارت قناعت خواهند داشت . اگر در اجلاس ( دیپلوماتها) که در دوم دیسمبر در دار السلطنه بتسبوتک اتفاق خواهد افتاد در خصوص این مسئله تذکری برود و ( کورچا کوف) مشروط بودن حکومت روس را مناسب نداند و یا آن بحث را بهم بپیچاند باید عنایت تصور همین مسئله باشد چه بعضی اینک ( ولیعهد) جالس کرسی امپراتوری شد دیگر رشته پولیتیک روس از دست ( کورچا کوف) بیرون خواهد شد بجهت آنکه مسالک و زیر مشاغل ایله کایا مغایر مسالک وایعهد است .

( ترجیح افکار )

اخبارنامه ( دیلی تلگراف ) بوجوب خبر

( آستاربه ) معشوق خود را در عوض تملک برای انتقام جفاکاری او .

وبعد ( کالیسرو) از استماع سخنان خردمندانۀ تملک متعیر شده آثار فطانت و نجابت غربی از ناصیه احوالش استیاض می نمود و از این معنی بسیار محظوظ می شد که تملک از روی ساده لوحی در نهایت صداقت بخلاقهای خود که از عدم اتباع اصابع ( متور) و بواسطه عجله و شتاب از او سرزده بود استراق میکرد تجاربی را که توسط جهالت و نادانی و غرور جوانی خورش حاصل کرده بود شرح میداد پس از روی شکستی روبه تملک کرده گفت عزیز من رشته سخن خود را باز گیر تا بدانیم چهگونه از مسالک مصر رخت نجات بیرون کشیده بدین سامان شتافتی و شربت وصال این پیر خردمند

( متور) هوشمند را با آنکه بدلائل واضحه یاس کلی داشتی در کجا چشیده و فیض صحبتش را دریافتی تملک سخن آغاز کرده چنین گفت که اهالی مصر با وجود آن غیرت و وفاداری و با همه تعصب و برهبر کاری چون دشمنان را غالب و خودشانرا مغلوب دیدند و پادشاهرا کشته و تخت را برکشته یافتند ناچار متابعت معاندین کرده پادشاهی دیگر که نامش ( تزه و تیز) بود رهسند دوات نشایندند عساکر مملکت فیزس بالشکر جزیره ( شبر) بعد از تعقد مصالحه و توثیق معاهده راه مملکت خویش را در پیش گرفتند و جمیع اسرار با من استرداد کردند . پس مرا از همان برج که محبس من بود بیرون آورده با سایرین در کشتیها گذاشته باین رحیل افراشتند و دامن شرعها بر از باد مراد گردید و بارو کندان و تا خدا باین بنیروی بارو

آب دریا را از هم شکافته آن بحری بایان را از کران تا بکران بر بارو و سینه سفینهای خود کشیدند پس باز آمد خلاصم بیرون آمده طایر گرفتاری در آستان خاطر آرام گزید کشتی نشینان از فرط نشاط صغیر سرور و تغیر عبس و حبور بر چرخ اثر رسانیدند سواحل مملکت مصر کم کم وایس می نشست و کوههای اطراف که چون فندرت دانا بلند بود مانند فطرت دنی پست می گشت تو کشتی افق آفتاب آب بود و قلی جبال کداز هوا مانند سخای واز آب بسان حبابی پیدا بود از شعاع شمس بنور و مانند طلای احمر می نمود نقاش صبا صفحه آسمان را مرامر بلاجورد اندوده مزده روزگار مساعد و باد مراد میرسانید لاجرم

( باقی دارد )

تذکراتی که از وین گرفته است میگوید - امروزها مناسبات دوستانه دوشین ایران و روس چنانکه چند ماه پیشتر بود نیست - زیرا پیشتر نوشته بودیم که از جانب دولت روس بقدر هزار لوله تفنگ بصورت هدیه بایران فرستاده شد - و اکنون دولت مشارکین با چهارمیل هزار منات بدل قیمت تفنگهای مذکور را از دولت ایران مطالبه میکنند - اعلا حضرت پادشاه ایران از تنظیم نمودن عساکر ایران که مقرر بود بوضع قشون اروپا آورده شود صرف نظر فرموده تنسیقات ملتی را بتنظیم قشونی ترجیح داده مقرر فرموده اند که در زیر ریاست همایون خودشان بک مجلس داریشورای عسکری که مرکب از بازده نفر اعضاء ایرانی و سه نفر اروپایی بوده باشد تشکیل کرده شود - علاوه بر آن دستور العمل داده اند که قانون (کود ناپلیون) را بفارسی ترجمه کرده کارهای متعلق بوزارت عدلیه مانند وضع اروپا اصلاح کرده شود - ( وقت )

رسید وجه بونه اختر

جناب معلى القاب خان بهادر قاسمیرزا علی محمد صاحب دیونی کلکتر شاه بندر دویزن ضلع کراچی بندر سند بلخ بیست روپی و نون هند از باب وجه اختر توسط پوست هند فرستاده بودند بازاره اختر رسیده برای اطلاع ایشان در اینجائیات نموده از حسن توجه آنجناب کدرباره اختر اظهار فرموده اند بیان تشکر و سپاسداری می نمایم -

اعلان

LOTERIE.

لوژی

درفرنکستان اقسام لوژی و قرعه بخت کشیده میشود این روزها در شهر هامبورگ المان دوباره بک لوژی نقدی تأسیس شده خواهش کرده اند ما هم اعلان نمایم - و تفصیل ذیل را از قول اعلان کننده می نویسم -

لوژی

مبلغی که برای لوژی در شهر (هامبورگ) جمع شده است برخصت حکومت المان است در تقسیم بلیتهای آن و در چین کشیدن قرعه آن حکومت المان نظارت کرده در رسائیدن مبلغی که باسم صاحب قرعه درمی آید کفالت دارد بدین واسطه بدیجی است که حبله و تقبل نمی شود مقدار بلیتهای (لوژی) که این بار قسمت خواهد شد نود و چهار هزار است که از جمله مقدار مذکور باسم چهل و نه هزار بلیت بطور مطلق قرعه بیرون خواهد آمد -

حصه بلیتهای نمره اول لوژی ۵۰۰۰۰۰ فرانک است یعنی تقریباً ۲۱۷۴۵۰ ایرای عثمانی قرعه باقی نمره هفتم بقرار ذیل خواهد شد -

عدد بلیت	فرانک	میران
۱	۳۱۲۵۰۰	۳۱۲۵۰۰
۱	۱۸۷۵۰۰	۱۸۷۵۰۰
۱	۱۲۵۰۰۰	۱۲۵۰۰۰
۱	۷۵۰۰۰	۷۵۰۰۰
۱	۶۲۵۰۰	۶۲۵۰۰
۲	۵۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰
۲	۳۷۵۰۰	۷۵۰۰۰
۵	۳۱۲۵۰	۱۵۶۲۵۰
۱	۲۵۰۰۰	۵۰۰۰۰
۱۲	۱۸۷۵۰	۲۲۵۰۰۰
۱	۱۵۰۰۰	۱۵۰۰۰
۲۴	۱۲۵۰۰	۳۰۰۰۰۰
۵	۱۰۰۰۰	۵۰۰۰۰
۲	۷۵۰۰	۱۵۰۰۰
۵۴	۶۲۵۰	۳۳۷۵۰۰
۶	۵۰۰۰	۳۰۰۰۰
۶۵	۲۷۵۰	۲۴۳۷۵۰
۲۱۳	۲۵۰۰	۵۲۲۵۰۰
۱۲	۱۸۷۵	۲۲۵۰۰
۲	۱۵۰۰	۳۰۰۰
۶۳۱	۱۲۵۰	۷۸۸۷۵۰
۷۳۳	۶۲۵	۴۸۳۱۲۵
۹۵۰	۳۷۵	۳۵۶۲۵۰
و غیره و غیره	جمعاً	۴۹۰۰۰

مبانی که باسم صاحب قرعه درمی آید با اطلاع حکومت المان سکه زر بابتاخر بصاحبش رسانیده

خواهد شد - چون فروش بلیتهای مذکور در قیمت اصلی باحواله شده است لهذا بقیمت ذیل بطالبان آنها فروخته خواهد شد -

بلیت تمام

۲۲ فرانک

نصف بلیت

۱۱٫۲۵ فرانک

مبلغ مذکور با بانک نوت فرانسه و با اینکه بابت بلیتهای انگلیس و فرانسه و المان برات داده شود اجرت از جانب مشتری داده خواهد شد -

در حالتیکه اجرت بلیت فرستاده شده وجه بارسید بلیت آن را که دارای آرمهای دولت المان است بصاحبش فرستاده خواهد شد و همچنین نقشه پروگرام و بعد از کشیدن شدن قرعه جدول نمرههایی را که بیرون آمده است بمشترکها خواهیم فرستاد علاوه بر اینها نمرههایی را که درآمده است بواسطه روزنامههای اسلامبول نیز اعلان خواهیم کرد اهالی ممالک عثمانیه را که تاکنون در باره ما اظهار حسن توجه کرده اند تشکر کرده عرض میکنیم که بعد از این هم خدمتی را که در ایجاب بار جوع میکنند در اجرای آن اهتمام خواهیم کرد -

بجهت اینکه بکشیدن قرعه هادردهم ماه دیسامبر سال ۱۸۷۹ آغاز کرده خواهد شد باید بوسیله اولین سپارشهای خودشانرا با تبلیغ بکنند -

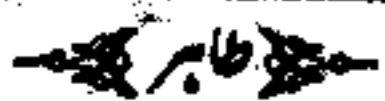
کاغذهایی را که بخواهند فرستاد بدین عنوان باید فرستاده شود -

در شهر هامبورگ در شعبه مرکز اداره (لوژی) بایرنطال و شرکای او برسد -

Isenthal et Cie  
(Allemagne) Hamburg

و نیز کاغذهایی را که بخواهند فرستاد باید بزبان فرانسه یا انگلیس یا المان یا ایتالی نوشته شود - کاغذی که از اسلامبول به هامبورگ فرستاده میشود در ظرف ۱۸۰ ساعت بخواهد رسید -

Siner Bureau d'annonces Hamburg.



مطبوعه و اداره خانه اختر

در راسته باعمال است نمره ۲۰ در کارهای متعلق ب اداره به آقا محمد طاهر رجوع میشود .

اسامی و کلاهی کرام در ممالک دور و نزدیک کاهی در صفحه آخرین نکاشته خواهد شد . روز چهارشنبه ۲۵ ذی الحجه سنه ۱۲۹۶ ۲۸ تشرین ثانی روی ۱۰ دیسامبر ۱۸۷۹



تعارف بدلات سالیانه

دارالسعاد اسلامبول ۰۳ مجیدی سیم  
دیگر ممالک روسیه عثمانیه ۷۵ فروش صاع  
ممالک بحر سیه ایران ۲۵ قران  
ممالک هندوستان و بنادر ۱۵ روی نقره  
ممالک روس و قفقاز ۱۵ روبل کاغذی  
ممالک اروپا ۲۵ فرانک  
بک نهم ۶۰ پاره است  
اجرت پوست ۵۰ هم جایزه میده اداره است .

این نامه از هر گونه وقایع و اخبار و از سیاحت و پولینک و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن می گوید . هفته یکبار طبع می شود . اوراق و نوشتهجات سودمند را بامتنان می پذیرد . در نوشته کاغذهایی که از خارج میرسد اداره آزاد است . کاغذی را که نوشته نمی شود صاحبش نباید استرداد بکند . کاغذهایی که بول پوست ندارد قبول نخواهد شد .

# تکرارها

از لندن ۲۲ ذی حجه بموجب خبر تلگرافی که از کابل رسیده است از جانب کومانندان انگلیس مقرر بوده است که چند فوج از قشون انگلیس برای گرفتاری فرار بهای قشون افغان که در قتل هیئت سفارت انگلیس مدخلیت داشته اند فرستاده شود . میگویند فراریهای مذکور بکوههای آسمت کر بخته و منواری شده اند .

از لندن ۲۳ ذی حجه اخبار نامهای امروزی میگویند . از جانب دولت روس ( مسیو توو بکوف ) بجای ( پرنس لابلوف ) بمسافرت اسلامبول معین خواهد شد . نیز میگویند ارناو و دها در میان خودشان مشغول مذاکره هستند که آیا جاهایی را که بموجب معاهده بر این باید بحکومت قرهطاغ واکذار شود ترك نمایند و یا از ترك کردن آنجا امتناع نموده بمقابله پردازند .

از پترزبورگ ایضا پرنس غورچاکوف ( بازشازهی بمعهده خود گرفت که کارهای وزارت خارجه را رسیده می نماید .

از برلین ایضا دو اتامهای اروپا در این نزدیکی استقلال حکومت رومانی را تصدیق خواهند نمود .

از لندن ایضا از جانب والی هندوستان مقرر شده است تا اینکه حکومت برمان

ازجهت بی احتزای که به بیرق انگلیس کرده است ترضیه نهدن ایلچیهای برمان در خاک انگلیس پذیرفته نخواهد شد این قرارداد والی مشارالیه را مطبوعات انگلیس بسیار تحسین میکنند و مطنون است که حکومت برمان ترضیه را که در این سبب خواسته شده است بدهد .

دوات انگلیس مذاکرات دولت روس را در باره افغانستان بطور قطعی رد کرده است . انگلیس در خصوص افغانستان مداخله روس را نمیخواهد سهل است که در خصوص تفصیلات آینده افغانستان نیز راضی نمیشود که بدوات مشارالیه مذاکره کرده شود .

از لندن ۱۸ ذی حجه بموجب خبر تلگرافی که از ( پالمورالد ) رسیده است علیا حضرت ملکه انگلستان که جزوئی ناخوشی مزاج داشتند بهبودی حاصل کرده است .

اخبار نامه ( دلی نیوس ) میگوید . جناب مختار پاشای غازی بسمت ( برزین ) حرکت کرده است . بموجب اطیلاعاتیکه به حکمران قرهطاغ رسیده است نقره تسلیم قطعه غوسینه روز سوازدهم ماه کانون اول فرنگی بطور قطعی وقوع خواهد رسید .

از جانب والی هندوستان کاغذی بحکومت انگلیس فرستاده شده است در کاغذ مذکور نوشته است که مقدار مصارف اردوی انگلیس که بافغانستان فرستاده شده است خیلی زیاد شده است .

از برلین ایضا از جانب پرنس بسمارک بقطعه بیاننامه عمومی بمحض سفرای المان که در بای تخت دواتها هستند فرستاده شده است . پرنس بسمارک بلیت تبدیل پولینک المان را بتواتر عالیه امیر دیده اظهار داشته است که مناسبات پولینکی دولین المان و روس آنطور نیست که مردم بخواهند اسناد بدهند .

( کازت نامسیونال ) در مقاله مخصوصی که نشر کرده است میگوید . مناسبات دوستانه دولین انگلیس و فرانسه بواسطه این در مسئله مصر در میان دواتین مشارالیهما اتفاق حاصل شده است و بسمت وقوت پیدا کرده است بحدی که احتمال اتفاقی که در میان دولین روس و فرانسه بتواتر کفیه می شد بدرجه محال رسیده است . دوات روس که به دوازدهم اتفاق المان و اوستریا در حالت انفراد بود از این گونه اتحاد دولین فرانسه و انگلیس نیز بکلی تنها مانده است . در این حال صلاح دوات روس در آن است که باصلاح کارهای داخلی خود پرداخته مملکت خود را آبادان نماید .

از پترزبورگ ایضا بطور نیمه رسمی و موثق میگویند پرنس غورچاکوف وزیر خارجه روس بطور قطعی از ماموریت خود استعفا خواهد کرد . اعلا حضرت امپراتور روس خودشان کارهای متعلق بوزارت خارجه را رسیده کی خواهد نمود . ( مسبوژیر ) تفرعات کارهای وزارت خارجه را اداره خواهد کرد . ( مبرسکی ) تا که قصد کشیدن ( جنرال

درین (روز) را کرده از جانب محکم حکم قتل در باره اوداده شده بود مظنر عده و اعلا حضرت ایبیتوری شده از قتل بهایی بافت .

از وین ایضا استعفا (کونت زایی) سفير اوستریا مقیم اسلامبول از جانب دولت اوستریا پذیرفته شده است .

از مسکو ایضا در زیر نظر راه آهن که اعلا حضرت ایبیتور میکشند نفی ساخته شده بوده است . لقب مذکور بفاصله نیم ساعت بعد از گذشتن قطار اول که نظار دوم میکشند آتش گرفته است . مرتکبین لقب مذکور پیدا شده است . اعلا حضرت ایبیتور را تسبی زبیده بکمال صحت بسکو وارد شده اهالی شهر مسکو ایبیتور مشارالیه را با آوازه های بلند تهنیت و شاد خوانی نموده بطور لایق استقبال کرده اند .

از لندن ۳۰ ذی حجه اخبار نامه (تیس) در نسخه امروزی خود مینویسد . عسا که جمهوری (شلی) (تراپاک) را ضبط کرده است . تلفات طرین بسیار بوده است . نیز اخبار نامه مذکور میگوید . توانگران و سایرین ثروت تیره خارجه که در خاک (شلی) و (پرو) و (بولویا) هستند از جهت وقوع اینگونه جنک های بی منی از آنجاها بیرون میروند .

اخبار نامه (دیلی نیوز) میگوید . در میان دولتین ایران و انگلیس اتفاق حاصل شده است که در اول بهار آینده هر تهر را بطور مشترک ضبط نمایند . نیز اخبار نامه مذکور میگوید . دولت انگلیس بطور قطعی مقرب داشته است که ملک افغانستان بحکومت های کوچک متعدد قسمت کرده شود .

از وین ایضا اینکه روایت می شود در میان دولتین المان و روس بنازه کی مقارنت افکاری حاصل شده است بی اصل است . سبب انتشار روایت مذکوره این است که ولیم روس در هنگامیکه در وین بود خواهش نموده بود که باره مواد مساوله نامه اتفاتی که در میان دولتین المان و اوستریا بسته شده است پیش از آنکه در لندن منتشر شود دولت اوستریا

نیز خواهش مشارالیه پذیرفته شده مواد مذکور نشان داده شده بوده است . حال آنکه اینگونه خواهش از جانب دولت فرانسه نیز واقع شده و هم قبول کرده شده بوده است .

از قاهره ایضا خبر داده می شود که از جانب حکومت مصر رضد حکومت حبش بتجهیل تمام تدارکات جنگ دیده می شود .

از پترسبورگ ۱۸ ذی حجه اعلا حضرت ایبیتور امروز با بنه او وارد شده . از موقوف راه آهن بکالسکه مروازی نشسته تا عمارت مخمف و صشان رفتند . در هر گذرگاه اهالی شهر در باره ایبیتور مشارالیه بطور فوق العاده احترام میکردند .

### واختر

روز پنجشنبه گذشته جاپان جودت پاشا وزیر عدلیه و فدیری پاشا و رضایک افندی امین شهر بسفارتخانه دولت هلیه ایران آمده باجناب سفير کبرایان ملاقات نموده اند . در روز مذکور بعضی از سفرای دول متحابه نیز از سفير کبره مشارالیه دیدن کرده اند .

امارت (حضر موت) که در ساحل دریای عمان و سمت جنوب برالعرب واقع و دارای بازده هزار نفوس است بحضارت دولت هلیه عثمانی و خانات نموده است . بایران مسموع شد که فرمان همایونی نامیر آنجا نوشته شده بواسطه مأمور مخصوصی فرستاده خواهد شد .

### (ترجمان حقیقت)

اخبار نامه مینویسند . در انشای قهح اسلامبول باره خزان درجایی دفن شده بوده است لهذا در جوار سلطان محمد فاتح دفینه مذکور را بی برده شده بعدیات خفر آن اقدام نموده یک در بسیار بزرگی که اندرونش مدفن خزان است پیدا شده است و بکمال گرمی همه روزه عملیات را پیش می برند .

از جانب اهالی ایران معین این دارالسلطنه السنیه نشای تکیه و مکتبی بنام حسینیه مقرر شده است . دیروز جمعی از مستبرین ایرانیان بدین مقصد عالی در قونسلخانه جمع شده صندوق معین و مینوی در آن صندوق علی الحساب گذاشته شده است . جناب جلاله آقاب معین الملک سفير کبره بموجب دعوت ملت تشریف فرمای مجلس شده ریاست هیئت اداره را قبول فرموده اند . اعضای جمعیت اداره بموجب قرعه معین شده است . اساس مقصود جمعیت جمع آوری تمخواه از اهل خبر و احسان است برای تاسیس بنای مقدسی بنام (حسینیه) که معین و محصل اجرای آیین مأمم بوده در آن ضمن مدرسه متعلمی بسازند و در آنجا از هرگزنده علم و زبان کدر این زمان لازم است تدریس بشود و از شروع این مقصد انشای یک شادخانه و مهمانخانه قربا و مسافرین حجاج و غیر ذلک خواهد بود .

تفصیل وضع جمعیت مذکوره و نظریات و نژادها و اسامی کسانی که برل میدهند و اعانت میکنند در ضمن روزنامه در ثانی نوشته خواهد شد .

در مجلس دروژی بعد از فرمایشات بسیار مؤثر که جناب سفير کبره در قدموب این مقصد مقدس و تشویق اهالی فرموده اند . مقرب الخاقان حاجی میرزا نجفعلی خان جنرال قونسل خطابه بیان کرده است که جامع مطالب عمده این جمعیت میباشد صورت آنرا مناسب ندیدیم در اینجا نوشته شود .

### صورت خطابه

پس از سپاس جهان آفرین . و در دوستانش پیغمبر رادی که ما را از یکنه پرستی پراه راست یکنه پرستی راه نمایی فرمود . و کتاب الله و سعادت را برای این هدایت و اتعام نعمت و ابلاغ حجت در میان امت بودیم نهاد . صلی الله علیه وآله و المصطفین با کرامه و النامه معین علی منواله .

در این روز مبارک برای تاسیس اساس نیکی که ما را سرمایه سعادت و نیک بختی است . این انجمن عالی تشکیل یافته . مستبرین ملت و آقایان تجار و کسبه و اصناف در این محفل بیک نیت باکی جمعند . جناب جلاله آقاب اجل معین الملک دام اقباله العالی که در حقیقت مؤسس این اساس عالی هستند باجمع اجزای سفارت کبری در این مجمع تشریف فرما شده اند مقصود از این اجماع برای اطلاع همه حاضران

که بغایان نیز تبلیغ خواهند کرد باجمال عرض میکنم .

مانعا که ایرانیان هستیم در میان ملت ما موشانی داریم امروز ملت های مغرب زمین کار ترقیات خودشانرا بجان رسانیده اند که حق دارند در ماه پنجم هجرت نکرند . بعلم آنکه علم معاش و تمدن را بالا برده اند . علوم و فنون و صنایع را بدرجه قصوی رسانیده اند . مانعا از علم و هنر بکلی عاری مانده ایم حرفی نیست در اینکه بی علم نه دین محمود است نه دنیا . نه کاره ماده منتظم است نه کار معاش . الحاصل مانعا که جمعیت زیادی در اطراف شماست عثمانی داریم . و مرکز تجارت و کاسی جمعی از این ای وطن ما این پای تخت بزرگ است . در اینجا نمکنی داریم و نه شفاخانه و مجمع آیینی که عیسارت از بک حسینه باشد که در ایام محرم همه ملت در آنجا جمع شده آیین عزاداری را که فرشته ذمت دیانت ما است و غیر از آن مناسبی برای دنیا و آخرت خود نداریم در آنجا بکمال شکوه برپا داریم .

لهذا هفته گذشته بنا برقرار داد مجمع روز هید سعید قربان که در حضور جناب جلال القاب ایل معین الملک دام اتجاه العالی در سنارخانه بزرگ داده شد . روز غدیر ششم چنین از بهترین ملت جمع شده قراری بنشان دادند . و موافق اقرار داد امروز معین گردید که همه جمع شده صندوق ترتیب و مبانی بنا و افتتاحا در آن گذاشته شود . و در ثانی جمعیتی که بقصد دوازده نفر هستند از میان ملت انتخاب شده اداره این صندوق بعهده ایشان واگذار شود و هرگونه موردی جمع آوری بخواهد را با همه فروعات آن بترتیب معین و بکمال موافقت و جان نشان معلوم کرده باجری آن بردارند . و بنام و بیدایشان روز سار و معجزین ملت در جای مناسبی زمین خریده بک تکیه حسینیه و عبادتگاه ملت و در آن زمین مدرسه و شفاخانه و مهمانخانه حجاج و مسافرین ساخته شود . بنا بر این امروز را که روز معین و مسعودی است ملت ایران برای تاسیس این بنای خیر در اینجا جمع شده و بپایان بیک بختی خودشانرا میگذارند . بعضی هم وطنان مانتصور نکند که این کار کوچک و غیر مهمی است بل اهمیت این اساس را باید در دل غیرتند خودشان جاداده هموم ملت را از بزرگ و کوچک نیز از درجه اهمیت این امر عظیم ملتت سازند و آگاه کنند که زمان آن زمان نیست که بی علم

و اسباب ترقی زمین ملت ما بعد از این زنده گانی توانیم کرد اکتسون وقت آن است که بیک مکتب بسازیم که از نتایج آن هم دین حفظ شود و هم علم دنیا داری و راه همیشه و ترقیات خود ما را یاد بگیریم . مردمان دانا و آگاه در اینجا تربیت بشوند یاد کاری برای اخلاف و فرزندان وطن بگذاریم . از این اتفاق شایدا که در اینجا هستند سایر افراد و وجهینهای ملت در اطراف وطن نمونه بردارند و بارز منوال اقتفا کنند .

این یکی را بکمال اهمیت میگیریم که لغت باید بود بر اینکه قوام دین و مذهب و آیین و بنای ملت و وطن شرف و بیک بختی در همه وقت خاصه در این بزم زمان که کار عاجبای بسیار باریک رسیده و جهان وضع دیگر یافته و کارها هم دوز بروز ترقی است ممکن نیست مگر آنکه بجم و دانشوری و آگاهی ملیت خود ما را ترقی بدیم و حفظ کنیم . و مانعا که شرابین ملک نزدیک بترنکستان هستیم پاره مطالب را می بینیم که بسیاری از هم وطنان ما که در دسترسند هانت نمانند . می بینیم که سبیل استیلای فرنگستان رو بسور می آید . جلوه این سبیل تنها بعلوم و هنر و فرهنگ و اتفاق واقعات جان نشانی نیست میشود و بس . پس وقت غیر ترا فوت نباید کرد و چاره کار را پیش از وقت باید نمود . گمت باید کرد تا رنار پنج جهان نام نیک گذاشته شود .

مآذن نام نیک و آثار خیر نه با لفظ و سخن است بل بعمل و کار باید نام گذاشت ملت و وطن را زنده کنیم محبت های خردمان و مردانه باشیم در راه غیرت دیانت و ملیت و قومیت خودمان .

خداوند یگانه پادشاه مهربان ایران و اینعت ایرانیان اعلا حضرت ناصر الدین شاه را مؤید و منصور فرماید . و اولیای دولتش را بکارهای نیک و ملت پروری موفق داشته روز بروز عمر و دولت اقبال جناب جلال القاب معین الملک را روز افزون فرماید . که از نیات بک ایشان اینگونه تاسیسات خیر را در این پای تخت اقدام میشود . و ابواب ترقی پروری ملت ایران گشوده میشود . وجود مسعود ایشانرا خدا تعالی از هرگونه بدیها محفوظ دارد . خدای جهان را اجزای سعادت کبری را در پروری نیات بک حضرت معین الملک خاص الفوائد و ایشان و عموم ملت و اهالی را بتوفیقات دوجبهاتی

بدوام روزی هر موافق فرماید بحرمه مجید و آله الطاهرین

(چریده حواصت) منوبند . در اطراف (باقلو) ناه جان که در سرج از فاعه اسلامبول واقع است ملت روم برای تدوی مجازین بیمارخانه خواهند ساخت . برای ساختن بیمارخانه مذکور تا کنون زیاده رهنهست هزار لیرا از جانب ملت مذکور بطور اعانه جمع آوری شده است . مبلغ مذکور در بانک (شرکت صرافی) محفوظ است . اعضای کومیت (جهتی) که برای ساختن بنای مذکور مأمورند از بزرگگان روم خواهش کرده اند که برای گذاشتن اساس آن بیمارخانه روز مخصوص و مبارکی معین کرده شود . (واسیلاکی) نام شخصی معاریانصد لیرا برای ساختن آنجا اعانه داده است . بیمارخانه مذکور از روی نقشه بیمارخانه (اسال پتریل) نام مشهور که در پاریس هست ساخته خواهد شد . بزرگی نرسه و زمین بناوند کور بست و پنجهزار ذرع مربع بوده بنا را در میان آنجا ساخته در گوشه های آنجا جاهای مخصوص برای مشخصین دیوانها ساخته شده مابق را بشیبه و کلی کاری خواهند نمود . مصارف ساختن بیمارخانه مذکور دهرار لیرا تخمین کرده شده است .

روزنامه های دیگر هم نوشته بودند شخصی از ملت روم برای مصارف بیمارخانه مذکور یکمزار و بانصد لیرا بطور اعانه داده ولی خواهش نموده است که نامش را ذکر و اظهار نماید . (زهی قنوت . زهی همت . زهی حجت)

المذکب بق مع الکفر ولا یبق مع الظلم

ظلم اشد از کفر است چه کفر تو با تخریب آخرت است ولی ظلم محرب دنیا و آخرت هر دو . واعظلم احکام قران معین اجزای عدالت است . ان الله یامر بالعدل . و هر فردی از افراد مسلمین نکات عدالت است .

در صورتیکه عدل مقابل ظلم باشد محقق است که عدل باعث سعادت داری است چنانچه گفته شده است نوشیر وان که بر و آیین محوس بود محض عدالتی که داشت با آتش دوزخ معذب

نخواهد گشت . حضرت خنی ماب از روی  
'فخار فرموده اند ( ولدت فی زمن الملك  
العادل ) .

وهمیکه مسلمین در نظر بیکانگان پیدا کرده  
اند به علت ظلم اسلاف است . مدتوات که این  
امت از سوء نتایج ظلم ظلمان ازواج سعادت  
مخضیض بدینخی افسادن گرفته است . والا  
شریعت غرای اسلام مادامیکه اساسش بر عدل  
است ممکن نیست چنانکه بعضی اصحاب اغراض  
یکن برده اند سب پریشانی ملک و ملت  
شود .

این بستی حال سوء مأل که در طویف اسلام  
زیده میشود همه نتیجه ظلم است . بسیاری  
از حکمرانان پیشین از جاهه فوز و فلاح انحراف  
و طمع دنیا چشم حق بینتمارا مبتلای رمد  
بی بصیرتی نموده گذشته از اینکه جانب حق را  
فرو گذاشتند پس اتحاد امت و اعزاز مملکت را  
نیز که سرآمد و سبیل دنیادار است نداشتند .  
و تا حدیهای بسیار را باسم شریعت مظهره مجری  
داشته کار را بجائی رسانیدند که ذیل عصمت اسلام  
و شرع تابعی انام را لکه دار نموده و حشون بر دلهای  
مائل غیر مسلمه انداختند .

باوجود اینکه افعالشان هیچ دخلی بقوانین  
شرعیه نداشت در همه عالم چنان شهرت یافت  
که حکمرانان اسلام هر چه میکنند بموجب اوامر  
قرآن است . حاشا ! این امر بر تارخ دانان  
منصف پوشیده نیست که اگر ملوک اسلام  
شریعت را اساس قانون قرار میدادند و با اوامر  
قرآن عمل و از نواهی آن حذر میکردند همومریت  
ملك و امنیت بیکانگان بخواه دیگر بود . و بقول  
بزرگی از بزرگان ( کافری نمیتواند تا بجاهدی لازم  
بند ) بسیاری از حکم کنندگان تخم فساد  
طسابع و اخلاقی خودشان را چنان در این مرزعه  
مقدس پاشیدند که عاقبت خار و خس ظلم و لبلاب  
بطمین راه دلپرا صعب العسور و درخت برومند  
عدل و داد را مننوی و مستور ساخت . و سران  
قوم جهل مردم مرا وسیله تنبذ احکام  
خدا خود دانسته شریعت را روپوش معایب  
نرخود ساختند . اگر هم در آن حلال بعضی  
از ملوک با عدل و داد و اعمال با حکمت و سداد  
روی کار آمده چاره اصلاح آن فاسدرا اندیشیده  
بفسد مقدور در آنجا خطاهای

گذشتگان گوش اند ولی چه فایده که خیالات ناشایسته  
مانند خون فاسد در هر روقی بیکانه و بیکانه  
بجای ساری و جاری شده بود که تدابیر اصلاحیه  
نمیری نه بختبسخاصه بعد از طی طومار زمان ایشان  
دوباره بازار ظلم و جهل رواج یافت .

اگر قاطبه امرای اسلام در اجرای قانون  
اساسی شرع مقدس اقدام و در ایضای موجبات  
احکام منیف اهتمام میورزیدند گاهی آفتاب  
اقبال ملل شرفیه غروب نمیکرد . نه این  
روزها را میدیدند و نه این همه مغفرتات نا کوار را  
میشیدند .

ماین مأمور و مکلف بمسئول است در حق  
هر قوم و ملت و ممنوع از عداوت بی جهتند .  
باید در مقام تحفظ بقای ملك و ناموس خود بجاهد  
باشند . بدر صورتیکه از جانب معاندین تجاوز  
واقع شود در اصول ( و جاداهم باقی هی  
احسن ) مأمورند که بلیسکوزین وجهی  
با ایشان معامله نموده انعام حجت نمایند . و اگر  
بمضا امر به غلظ و شدت وارد شده است معنی  
عام نداشته بل با قضاوی وقت در حق قوم مخصوصی  
بوده که در اوایل ظهور دین الله بشدت تمام  
در اطغای آن نور هدایت سعی و کوشش می نمودند .  
حتی آیت وافی هدایت قرآنی که حبر از مودت  
نصارا میدهد با جمیع امم عموماً و با گروه عبسویان  
خصوصاً در مقام صلح و مسالمت بود را ایمان فرموده  
است .

بالجمله حال وقت آن است که سران اسلام  
و افراد امت کار گذشتگان را بنظر عبرت به بینند  
آش اخلاق فاسده و لکه های جهالت را  
که از آنها بقی مانده با آب علم و تربیت بشویند و بجانب  
عدالت و حقانیت را نگاه داشته از ظلم و اعتساف  
کناره جویند .

این ذلت امت نه از آن است که دشمن قویست  
بل از آن است که عامه از معنی عدالت و داد غافل  
و خواص در اجرای آن گرفتار انواع مشکلات  
شده اند .

فرقان منزل کی مومنین را از مومنین حکمت  
و درک قوانین کلیه طبیعت مانع است ؟ کی از ظلم  
ملك و تربیت رعیت و اجرای عدالت و حفظ  
حقوق تابع غیر مسلم و استعمال وسایل اعزاز ملك  
و اسباب تقویت و شوکت دولت نمی فرموده

امت ؟ آیاست پیغمبر و مسلك ائمه اسلام  
محصن بر رسومات عالیه و آداب ظاهر به است ؟

جیب ملل غیر مسلمه متدنه از زبان و آداب  
جیب ملل غیر مسلمه متدنه از زبان و آداب مسلمین  
و قوف نام بهم رسانیده اند ولی اهل اسلام  
با وجود اینکه بجهت مأمون بودن از کید اقوام  
مأمور با موختن السنه ایشان هستند اخلا زبان  
باید ملاصق و هم وطن خود را باشند نمی آموزند  
زبان بیکانه بنامد بجهای خود . در صورتیکه برای  
تحصیل علوم و حکمت مأمورند که تا بقصی زمین  
بروند و آنرا بیابند خیلی وقت برای انتظام امور  
جهود در عساج به بیکانگان میشوند . بموجب  
شرع انور انواع از فساد و مأمور اصلاح زمین  
هستند اما انحراف اسلامیه گرفتار سوء اداره  
و در پارسیالت و بی نظاهی شده است .

حای اسلام نه از کایس است نه روس نه  
فرانسه نه بروس بل اجرای تمامی شریعت و اطاعت  
به اول الامر و تنجیب از خلاف قوانین منیف  
ضامن قاء اسلام است . قوانین اساسیه اروپا  
کلیا مخالف شریعت اسلام نیست بل شرع  
انور جمیع قوانین حسنه را حاویست . اما در  
صورتیکه از آن بکف و دلخواه خود تاویل  
و تطبیق نمایند و در ترتیب و تنفیذ آن یا از روی  
غرض و یا بجهت سهل انگاری و غفلت اهتمام  
نورزند چه فایده از آنکه بجلد و کاغذ آن متمك  
باشند .

يك مطلب عده دیگر هست که در اسلام  
کلیا فراموش شده است و آن ( موعظه حسنه )  
است . افسوس که این امر خطیر همصنر به بعضی از  
کلمات رسیده شده است . و حضرات واعظین کو بی  
باین نکته بر نخورده اند که اصلاح افکار عامه  
وابسته بدربایت و کفایت ایشان است . در نزد  
خدا و رسول و در وجدان اصحاب عقل و شعور  
طایفه واعظین بیش از همه مسئولند . تربیت  
و تملیه اذهان مردم بمحول عهدیه این صنف جلیل  
است . و اعظم احتیاج اسلام و اعظم فاضل  
حکیم بمثل آوردن است .

ملل اروپا از سایه سی و غیرت واعظان نشان  
منافع کلی برده و می برند چه واعظان گذشته  
از اینکه در میان قوم خود تاثرهای نیکو میکنند  
در میان ملل بیکانه نیز رفته مشغول این امر  
میشوند . و از این روچه قدر فایده های برند .



یکی اینکه زبان ملل و اقوام مختلفه را آموخته در اخلاق و آداب و اعتقاد و وضع حکومتی آنها کتابها نوشته ملت خود را از احوال طوایف مختلفه خبر بسازد . این هم از برای اهل تجارت و هم از برای حکومتشان منافع عدیده دارد که در اینجا تفصیل آنها ممکن نیست و دیگر آنکه ملت خود را در نظر اقوام عظمی دانه قلوب بیگانگان را بسوی خود مایل میکردند .

خلاصه در اسلام اینهم یکی از احتیاجات معنایست و اقدام اصلاحات اصلاح افکار و اذهان است . چه جبلی انسان است که تاخیر بطلبی بر نخورد بجهت امر و یا سخت گیری ازال و جان بکاری اقدام کردن نمیشود .

چنانچه انتخاب و احترام کومیسرها و مفتشان برای امر اصلاحات لازم و بیجا است ارسال ناصحان امین و واعظان حکیم نیز لازم است . مدعیان و متظلمان از سوء اداره و تسلط آفلین عبارت از تبعه غیر مسلم است . نتیجه غیر مسلمه در ذهنشان چنان جایگیر شده است که مسلمان را خدا برای ظلم خلق کرده است . و تا بکنفر اسلام در میانشان هست خالی از شکوه و شکایت نخواهند ماند و این نیست مگر نتیجه وهم و سوگواری . اگر از راه انصاف ملاحظه شود بیشتر آشوب مملکت از عدم محبت و سوگواری حاصل میشود . اگر اسلامیان و عیسویان یکباره از تسولات مقدسین و اهل غرض کوش بسنه راه موذرا که هر دو طأورند پیش گیرند هم ملک مهور و هم ملت آسوده خواهد شد . در انجیل مسطور است که محبت سائر جمع خطاهاست .

اگر ماده شکایات را مرمز رفته جمع کنند و با جنایاتی که در اروپا در عرض سال واقع میشود مقایسه نمایند آنوقت معلوم خواهد شد که نیک و بد در هر طایفه بوده و هست .

چه خوش باشد اگر ناصحان روحانی طرفین اسلام و عیسوی بتالیف قلوب اهل سعی میکنند و راه مغزیات اصحاب فرضا مسدود نموده در ملک اساس صلاح و وفا قرار نهدنی مردم میکردند . و چنانکه حکومت سنیه جدی در صدد اصلاح امور سیاسیه میکوشد علماء طرفین هم بسکین آتش نه صبب جهال قوم جدا سعی و اهتمام بجای آوردند .

امضا

م...

## خارجه

سده در مقابل اتفاق اروپا

بمعنوان بالامقاله مخصوصی در نسخه شماره ( ۷۲۱ ) اخبار نامه ( ترجمان افکار ) که بخط ارمنی و لغت ترکی در اسلامبول طبع و نشر می شود بنظر رسید چون مندرجاتش خالی از اهمیت نبود لهذا ترجمه آنرا در اینجا نقل کردیم .

این روزها در اروپا دو نوع اتفاق شنیده میشود یکی اتفاق المان و اوستریا و دیگری اتفاق انگلیس و فرانسه .

در صورتیکه یکدوای مجبور این گونه اتفاق بشود خالی از دو جهت نیست باز دیگری و اهمه دارد و آن اینکه صدد آن است که نسبت بد دیگری تجاوز و تخالف نماید . دولتیکه نه از کسی ترس داشته باشد و نه بترسد نخواهد کسی را بترساند باید احتیاج به چنین اتفاقی نداشته باشد . حال بهینیم آیا دولت المان از که اندیشه دارد ؟ و هراس انگلیس از کجاست ؟ و فرانسه از که تشویش دارد ؟ با اعتقاد ما باشد این چهار دولت هیچ کدام خوف از هیچ گونه مخاطره ندارند . اگر انگلیس ترسی داشته باشد باید از استیلای روس در آسیای وسطی باشد . و حال اینکه فرانسه که متفق اوست برای مدافعه لشکر خود را بمسئله انگلیس که در آنطرف کوههای همالیات است ( کوههای هندوکوش ) نخواهد فرستاد . اگر فرانسه خیالی داشته باشد باید بر ضد المان باشد . حال اینکه فرانسه بجهت به معلومش شده است که انگلیس در چنین محاربه با فرانسه معاونت نمیتواند کرد . المانیا و اوستریا نیز در صورت رسمی اعلان نموده اند که اتفاق ایشان مبنی بر تدافع نیست و این مطلب از ایضا حائیکه پرنس بیساریک بسفیر فرانسه داده بخوبی معلوم شده است .

پس معلوم میشود دو اتفاق که در میان چهار دولت واقع شده است از برای تجاوز است . این تجاوز هم برخلاف هم دیگر نیست . بجهت اینکه المان فرانسه را در این باب مطمئن ساخته است . و انگلیس هم چون بانفساق المان و اوستریا

راضی شده است ثابت میشود که در صدد مخالفت با ایشان نیست . پرواضح است که این اتفاقیها بر ضد دولتهائی مثل دولت ( ایتالی ) و ( اسپانیا ) ( و پورتگال ) و ( سوئین ) و ( نروج ) نخواهد بود . و اگر تعانی بدولتهای ( دانمارک ) و ( هولاند ) و ( بلجیک ) داشته باشد آهم درجه دوم است .

پس در این صورت این اتفاقیها بر ضد که باید باشد ؟ در اروپا بغیر از این دولتهاییکه نام بریم دیگر کدام دولت هست ؟ آیا بر ضد دولت روس و دولت علیه عثمانی باشد ؟

اگر از این دول منفقه و خصوصاً از آن دو دولتی که در طرف غرب واقع شده اند ( انگلیس و المان ) بفرستند بلاشک جواب خواهند داد که بر ضد روس تفاسق کرده اند . و حتی بعضی از آنها توضیح خواهند نمود که محافظه دولت عثمانی نیز از جمله مقاصد اتفاقشان است .

آیا این و آنها نبودند که سه سال قبل در مجلس کونفرانسیکه در اسلامبول منعقد شده جلکی روس را محق دانسته دولت مشارالیه را از جانب جمع اروپا بحد عثمانی توکیل نمودند . آیا دول اروپا که آنوقت برخلاف عثمانی جانب روس را التزام میفرمودند حکمت و سبب اینکه امروز برخلاف روس اظهار عداوت میکنند چیست ؟

از اینها گذشته وقتیکه میخواهند این اتفاقها را بکنند خواه المان و اوستریا و خواه انگلیس و فرانسه بانفساق روس نیز متمایل بودند آیا در صورتیکه اتفاق دول اریعه بر ضد روس بود دیگر با روس اتفاق کردن چه معنی داشت ؟

پس ثابت میشود و چنانکه بارها اظهار داشته ایم باز بصراحت بیان می نمایم که تعلق این اتفاق بدولت روس در درجه دوم است و مقصد اصلی از این اتفاق دولت عثمانی است . بر همین معلوم است که بیست و پنج سال قبل از این همین دول منفقه بودند که بدولت روس از در مخالفت برآمده جنگ ( قریم ) را ببدان آوردند و عهدنامه پارسی را که نتیجه آن جنگ بود بستند . پس معلوم میشود که هر چهار دولت در شرق چشم اشفاق دارند .

آنوقت دول مشارالیهم جانب دولت عثمانی را گرفته در حفظ و صلاح آن اقدام نموده امیدوار

بودند. مسافع شرقیه خود را حفظ توانستند کرد.

ولی چون بکمان خود نشان دیدند که دولت عثمانی بر طبقی مأمول در راه ترقی نموده و مسافع ایستان در مخاطره می افتد از محافظه این دولت صرف نظر کرده برای تقسیم آن بهم اتفاق بستند.

فی الحال کسی که میخواهند اسباب خانه را بفروشند آرزو میکنند که در آن خانه حرارتی ظهور کند (مزد بازار آشفته میخواهد که چون میخواهند که اسباب را بشناسند آن خانه بسوزد بجهت اینکه آتش میخواهد آتش بگیرد فی النور برای خاموش کردن آتش بر آن خانه هجوم می آورند. درل اروپ نیز چون دیدند که دولت روس غلبه کرد تخم میزدند آن جا که مضع افشارشان بر بدست غیر میفتند لهذا از هر طرف سرها را بلند نمودند و از هر طرف مراد عهدنامه ایستادوس هر چه می داشتند کردند.

آتش را خاموش کردند ولی قدری هم از آتش خانه را چای کردند. یعنی بر سر آتش و در توری جزیره فریب را تصرف نمودند. دولت عثمانی را پیشتر از حریق و خطر آتش آرزو کرد. راز آتش گذشته از آنست که خانه بسوزد حریق بر سر آتش است. نمونه برای جنگ ایران یعنی ایستادوسهای دیگر فکر کردند. یکی در آن سال حری میباردستان و دیگری در روم ایلی تا بسلاطین را همی باز کرده منتظر اندک فرصتی هستند که از این راهها دریابند.

الحاصل دولت های اروپ تا بعد بعضی برای منافع خود دولت عثمانی را محافظه کرده بودند و روس بخوار استند از آن جهت میفید که چون میخواهند ملک این را بشناسند در آن تقسیم نمایند. در صدای مسکول روس عظم مغلوب برآیند. پس اتفاق شد که روس نیز از این دیگر یعنی بر هیچ مقدسی نیست. قصد اتفاق ایلی و روس استریا آن است که مستحکات جانب اروپ عثمانی را ویت اتفاق انگلیس و فرانسه مستحکات ایلی و افریک این دولت را بطور ماسخه غصب کنند.

چنانکه روس چشم بمالک عثمانی دارد و دولت های اروپ هم بهمان طور طمع تصرف این مالک را دارند و رقابت در میان ایشان هست

بعضی از همین جهت است. همیشه دولت عثمانی بایکی از این رقبا اتفاق نموده بادیگری مساومت کرده است. تا بحال رقیبی را که این دولت ترجیح میداد دولت اروپ بود. ولی دولت علیه اتفاق دولت های مشارالیه را خیلی هم از آن بدست نیاورده بود بلکه بایشان در شرقی مبالغی نفوذ و حقوق داده آن اتفاقا خرید. ولی عاقبت اروپ آن اتفاقا هم مضایقه کرد. دولت عثمانی را بدست دشمنی را گذاشت که خودش از برای این دولت تراشیده است.

حاصل دولت عثمانی اروپ را می بیند که پیشتر از روس درباره خودش قصدش دارد. در این صورت گذشته از این که در اتفاق اینها سعی کردن است و می میخواهد بر داکر اتفاق کردن هم بشود آنها را از این تخم میزدند شد چونکه اگر این چنین اتفاق در دولت علیه میخواهند وقتیکه با اینان تصمیم قوی دست و پا میزدند و بدست می آیدند. چون کار به اینجا رسید دولت عثمانی بناچار باید با رقیب مقابل یعنی (روس) اتفاق بکند. چنانکه بر شد اتفاق دولت اروپ مسافع این دو دولت شرقی مشترک است. حکومتهای کوچک (سرن یعنی (رومان) (سرب) (ترطاج) (باغاره ستان) (روم ایلی شرقی) (ایرمان) و بلاردا و از هر دو اینکه تبه دولت عثمانی هستند نیز تا عثمان با منافع دولت علیه ششزاد است. بجهت آنکه بنا به نیت پرنس بهار ایروسورتیکه دولت استریا تا بر آسلا بهر ملکش را رسد بدهد و مستحکات روم ایلی بکلی از دست دولت عثمانی بیرون برود استقلال و جنبیت این حکومت های کوچک و اجناس مخالفه محو خواهد شد.

بنابر این بنا آنکه پیشتر قبل دو یک مسئله مخصوصی اظهار داشته بودیم باز هم تکرار می نمایم برای آنکه دولت علیه از سر نتیجه این اتفاقهای اروپ خارج باشد باید با حکومت های روم ایلی در عهد اتفاق مسامحت نماید و هر چه زودتر باشد بهتر است. یعنی برای استیصال این اتفاق قدری هم عنبر بشود باز منت است بدهد بجهت آنکه تا بروز با وجود اینکه این ولایتها بلا واسطه در تحت تاهیت دولت عثمانی بود چون دشمنی ظهور کرد گذشته از اینکه بحکومت متبوعه خود معاونت نکردند بدشمن او اتفاق کرده برخلافش قیام

نمودند. ولی چون این اتفاق که ذکر کردیم حاصل شد اقوام مذکور به سبب آنکه در تحت اداره حکومت ممتاز و مستقل هستند قوت شان را بر قوت دولت علیه ضمیم نموده آتوق دولت علیه دیگر از هیچ دشمنی و خصوصا از مخاطره که از طرف شمال مأمول است اندیشه نخواهد داشت.

الحاصل الآن در اینکه عثمانیان و اقوام اسلاو (تلاب) و سایر طوایف شرقیه را تخویف و ترسیدند میباشند حرفی نیست. و از برای خاطر جمع بودن از این مخاطره باید دولت علیه و حکومت و آنرا بسک در این مخاطره مشترکند عهد اتحاد و اتفاق کنند. و بعضی بدین وسیله میتوانند از این مخاطره خلاص شده استقبال خود شازرا تأمین نمایند.

و این اتفاق که عرض شد آتوق طبیعی است که در صورتیکه هنوز اثری از وجود آن ظاهر نیست در نظر دیپلماتهای (کارآگاهان) اروپا مشمل این است که صورت گرفتار باشد. چنانچه بعضی از کارتها که از این اتفاق دولت اروپ سخن میگویند میزایستند که این اتفاق سه اتفاق است. دو اتفاق همان است که ذکر شد و ثالث اتفاق مابین دولت عثمانی و روس و سایر حکومت شرقی است.

اخبار نامه (کوس) نام روس باره مناسب است. دوستانه و نیکخواهی دولت روس را درباره دولت ایران یاد نموده میگوید بجهت اینکه اسرای ایران را در خیمه از دست اهالی آبخازستان داد. برطن خودشان فرستادیم و نیز درباره را گذاری قطعاً (قطور) بدولت ایران در نزد دولت های اروپ توسط بودیم دولت ایران هم در مقابل اینها در این اثنا فروخته شدن آذوقه و لوازمات بهاردوی روس که بر ضد ترکمان حرکت کرده است بر هیت خود غرض نموده است را بگردد. رفتار دولت مشارالیه در واقع خارج از مناسبات دولتها است. در این ضمن ما را (یعنی دولت روس) را لازم است که از دولت ایران در مقابل ضرر و خسارت های که از سایر اکراد نیمه ایران که بیوسنه حدود را تجاوز کرده ایالات قلمرو روس را غارت میکنند مبلغ کلی بطور تضمینات خواسته باشیم که هرگاه

تخصیصات مذکور داده نشود مانیر مانند دولت اوستریا که با اتمامی بوسنه و هر سگ را استیلا کرده است قطعه آذربایجان را که از ایالات پرنفتمت و حاصل خیز ایران است استیلا می نماید .

اختر

مطالعات خود را در این باب در هفته آینده می نویسیم

اخبارنامه ( نوویه و رومیا ) نام روس در باب وقوع وعدم وقوع جنگ تازه مقاله نوشته منحنی میگوید این مسئله همه اهالی روس را باضطرار آلوداخته است . دولت و ملت روس آرزوی جنگ تازه ندارند . چون بریشانی وضع مالیه صلح را بر همه چیز ترجیح میدهند . ولی مستندات مردم درباره وقوع جنگ بزرگی روز بروز زیاد می شود . دولت های مغرب زمین از خیالات صلح و مسالمت پرور ما آگاهی دارند بشرط اینکه در خارج از محاسن و حوصله ماحرکات تا کواری واقع نشود دولت روس هیچ وقت خود داری نمی تراند بکنند بر اینکه دولت انگلیس بدریای سیاه داخل بشود و برای منع کردن این خیالات انگلیس اکنون را بچاره بهتر از اتفاق کردن با دولت عثمانی نیست . دولت عثمانی نیز درباره ما حسن توجه اظهار نموده است . اکنون که دولت انگلیس در خطبه دروزیر پای دولت عثمانی چاه میکند ما را لازم است که دولت

عثمانی را از این مخاطره نگاهداری نمایم . دولت عثمانی را هم لازم است که بموجب اتفاق نگاهداری کند که همای دربار سیاه و قلمه ساطابره را با او اگذار نماید . برای ما مستغذ نشدن از افکار دوستانه دولت عثمانی از خطاهای بسیار بزرگ است که به هیچ وجه قابل عفو نیست .

در هفته گذشته بروجه اختصار نوشتیم که اخبارنامه ( کلبوس ) نام روس درباره دولت ایران مقاله سخنی نوشته و یک فقره از مقاله مذکور را هم ترجمه نموده بودیم . سایر اخبارنامه های روس با اینکه مقاله ( کلبوس ) را تحسین نمیکنند باز میل دولت ایران را به پویلیک انگلیس انکار نکردند بلکه بیانات خود شارا در این باب میبویند . از آنچه اخبارنامه ( اژانس روس ) میگوید . خسارت حرکات خود سرانه ترکمانان که با اتمام آسپارا جولانگاه خود ساخته اند زیاده از دولت روس بدست ایران وارد می شود . دولت روس در سالت که دارای یک ملون و نیم فشان و همی و هاشمیر سلاح است از تنبیه ترکمانان طاجر باشد بدیعی است که دولت ایران بکلی از رفع تعرض آنان عاجز خواهد شد . بنابراین دولت ایران را لازم است که بلا حذو نگاهداری منافع طرفین معاونت لازمه

خود را درباره دولت روس که اکنون معتم تنبیه و تربیت ترکمانان است دروغ ننماید .

بوجب خبر مذکورانی که از برلین رسیده است از جانب دولتین المان و اوستریا مقرر بوده است که صورت مفاصله نامه اتفاتی که در میان دولتین المان و اوستریا بسته شده است بدولت روس تبایغ کرده شود .

اخبارنامه های اتنی میبویند . ( اسپانوس ) نام که از مشاهیر اهزان است از جانب قسطن یونان گرفتار شده از جانب محکمه حکم قتل در یازده آورده شده است و این بیزها بکیفر کردار ناشایست خود خواهد رسید .

( مسیو کوشوط ) مجار که از مشاهیر است سرگذشت خود را بنام ( موررا ) بطور رساله طبع و نشر کرده است چون مقدمه رساله مذکور شایان مطالعه بود امنا بترجمه آن پرداختیم . در هنسکا میکه در ( ویرا کوس ) دشت

از ترجمه حکایت ناک

بآنکه مر آنیز بجای اسرای ( قیس ) استرداد کرده بودند هیچک از اهل آن مملکت که در آن کشتی بودند مر آنی شناختند رئیس کشتی که ( ناربال ) نام داشت بترد من آمد و از اسم و طایف باز پرسید و گفت که در کدام شهر ( قیس ) ساکننداری مسقط الرأس و مسکن خویش را یاز کوی در پامخش کقم که من از اهل مملکت قیس نیستم بلکه دریکی از کشتیهای قیس مستکرم کرده بجای اهل آن بلد اسیرم نمودند بجهت این اسم بدتی در زجات اسیری روزگار سپردم باز از برکت همین اسم از آن شدت و غربت جان بدر بردم ( ناربال ) گفت پس از کدام مملکتی جواب دادم که از یونان زمین پسر ( الیس ) فرمانفرمای جزیره ( اتاک ) تاساک

نام دارم پدرم در میان سلاطینی که در محاصره شهر ( زروا ) انباز بودند بشیخانت مشهور و بسلو حسب و پایی نسب معروف است ولی خداوند بدام شدادش گرفتار و در چنگ خدادش خوار و از دیدار وطن و اولادش محروم کرده من نیز در نجسس ازین سیر جزایر و بحار و صهار و قفار گشته در اکثر بلادش تقصص کرده بهمان بدبختی دچار آمدم اکنون بیاری نعمت نفسی باید وصال پدر و دیدار مادر می کشم ( ناربال ) بجهت درمن میگریست و چیزی از عطایای و اهب العطایا در ماده من استنباط میکرد که در سایر مردم نمیدید و محکم جوانمردی و صداقت بر بدبختی من رحمت آورده پای محرمیت پیش نهاد و دست محبت داد و رازی با من در میان گذاشت که همانا مدبر حقیق

برای نجسنت و خلاصیم از مهلاکه خطیری بدی او الهام فرموده بود پس با من گفت - خدایکه بیان کردی مطابق واقع و از سبب اشتباه خارج است نیکی فلرت و با کی طینت و تقوی باطن از صورت ظاهر تو پیدا است و بر صدق عقالات تو دللی واضح و هویدا و بر من نیز محقق است خدایکه پیوسته بجان و دل طریق بندگی و اطاعتش را پیوده ام نظر عاطفتی با تو دارد زیرا که مهر تو را چون محبت پدر خود در دل من انفا فرموده اکنون سخنی با تو میگویم اگر سلامت جوی و دستکاری خواهی در بیروی آن لازمه است امنا بر عمل آورده ثابت قدم باش و در بادش این محبت و خدمت چیزی بجز کتمان آن توقع ندارم انقم خاطر آسوده دار و از ابراز راز معامه کن باش اگر چه بر حسب صورت عوزم تقاضای شای

از اسلحه جنگ کهنه از رختن خود دور میشدم دردم حزن و اندوهی حاصل شد که در برف آن ناقابل واری پیدا کردن عباراتی که واسطه بیان تأثرات قلب من بشود عاجز ماندم . پیش از آنکه از وطن دوری جویم یعنی که او را در اندر خود هست خودم را با غش و خالک وطن انداخته و آنرا برای وداع بوسیدم و بکمال تحسرمشتی از خاک وطن عزیز ناخود برداشتم . پس از آنکه چند قدم از خاک وطن دوری چشم خود را مانند بارچهای کشتی که طوفانش درهم شکسته و بساخلس انداخته باشد ملاحظه نمودم در آن هنگام یک نفر صاحب منصب عثمانی بنام حضرت پناه به سلام دوستانه مرا پذیرایی کرده بچادری که مخصوص برای من در جای خوبی افراشته بودند پیام دادند . پس از آن بمحالی که کویا گرفت شمشیر یک بجاری از جانب یک عثمانی عیش میآمد بکوشه چشم بکمال احترام بشمشیرنگر بست من هم بدون اینکه یک کله حرفی بزم باندیده بر سرشک شمشیر خود را در آورده تسلیم نمودم . پس از آنکه صاحب منصب مومی انبه شب بخیری گفته وداع کرد مرا در حالت بسز اندوهناکی بحال خود و گذاشت .

آیا کسی را که از وطن عزیز خود دور افتاده باشد راحتی ممکن است ؟ چنانکه حضرت

آدم را از جنت بیرون کردند آنحضرت خیر را بشر ترجیح میدادند من نیز خیر را بشر ترجیح میدانستم حال آنکه شرفالب آمده از وطن مقدس که ما نسیه جنت بود بیروم کرد . در ثانی دولت علیه عثمانی باقتضای علوهمت و بلندی فطرت همه خطرها را بخود هموار نموده زندگانی من و هموطنان مرا نگاهداری فرمود .

چنانکه دودولت همجوار ( یعنی روس و اوستریا ) از باده سرشار غلبه مرمت شده بدوات عثمانی متقا اظهار نمودند که ما را باید با تم تسلیم نماید هرگاه در تسلیم مامساعه بشود تا درجه اعلان جنگ کردن نهدیدش نمودند . حتی وکلای عثمانی معتقد شدند بر اینکه هرگاه التجا کننده کاملت بحار سلطان و تبعه عثمانی نشوند تسلیم نکردن آنها ممکن نیست . چون وضع کار بدین درجه ها وخامت حاصل نمود سلطان عبدالعزیز خان مرحوم دودست خودشانرا بالا کرده اینگونه دعا نمود که : ﴿ جناب باری تعالی بر همه چیز قادر است من نیز بمساوت خداوندی امیدوارم هیچ وقت نمیخواهم که چشم از وظایف میر باقی پوشیده بگذارم کانی را که بمن التجا آورده اند به بنجه قهر و انتقام دشمنان آنها تسلیم تمام همه حال آرزوی شاهانه من این است که آنها را

کازا یاری تمام در نزد من بشرف واقفان محو شدن بهتر از ذل مسکنت تسلیم کردن آنان است خود را بدینوسیله بطور دائمی بدنام نمیکشم در هر حال باید بموجب اراده شاهانه من تدارکات تدافعی را اقدام کرده شود ﴿

خاقان خلد آشیان مشارالیه ما را تسلیم نمود مع ذلک جنگی نیز بدین وسیله واقع نشده در ثانی بتوقف ماها در سمت اناطولی قرار داده شد . از تاریخ آن شب معظم که بحارستان بظلمت ظلم و تعدی مغلوب شد تا دو سال دیگر در اناطولی مانده پس از دو سال حسب القدر از آنجا بانگلستان هم با مرگ که مملکت آزادی است عزیمت نمودم .

مع ذلک میگویم تا کنون در هر طرف دنیا که مظهر حسن توجهات مردم شده ام توجهات نیک مردم بشخص من عائد نیست بل راجع بهموم ملت بحار است من نیز از اینگونه حسن توجهات استفاده نموده اهمیت و حقانیت مسئله بحارستان را بجهت دنیا اعلان نمودم .

( وقت )

حکایت طایر

و بدایت کار است ولی فراز و نشیب و هرم روزگار بشیب آورده و تجارب دعه و تیرم در عتقوان جوانی پیره نموده طمینان بظنظراز و کتمان اسرار خود دارم با منات سرده بهیچ پیمان خبیانت و اسرار ابرار را بهیچ عنبر آشکارا نخواهم کرد ( نازبان ) گفت چگونگی باین صفر من و اول تجربه رازداری را شعار خود ساخته دوست مدارم به بازگویی تا بچین وسیله اینکه کسب مکاره و تهذیب اخلاق کرده که مایه سلوک عتلا و با عدم اینم جمع کالات بی فایده و بی جا است در جوابش گفتم وقتی که ایس را تخمیر شهر ( زروا ) همت کاشت و بهرم محاصره آن مملکت هم افراشت در هنگام وداع مرا بر سر دست برداشت و بروی زانوی خود نشاند این چشم حکایت کرد پس از آنکه از

مهر بانی جین مرا بوسه داد چنین گفت اگر چه قوه فهم سخن و شعور ادراک مطالب نبود که ای فرزند خداوند باردیگر روی نورای من نماید و مقراض اجل رشته حیات تو را چونانکه دروگر کل نازکی را در ابتدای شکفتگی باداس جوید بدرود در اول صبی و آغاز نشو و نما قطع کنند و در پیش چشم پدر و مادر بخون خویش غلطان و پامال سم ستور دشمنان کردی اگر روزی از تقوی و غیرت همجور و از راه خرد دور خواهی شد پس رو بردستان و هوا خواهان خویش کرده گفت اینک از نزد شما بیروم و این فرزند بکانه خود را کدر پیش من بسیار عزیز است بشما می سپارم در تربیت او صرف همت و بذل جهد کنید و در رباعان جوانی از خطر سم قاتل ریشخند و مزاج کوری او را محفوظ دارد قوت نفس و ترک خویش با و وزید

نمانند زمه و نونمال باشد که برای راستی و تربیتش جرس و بیج و تاب توان داد پیوسته راستی و نکوکاری بصداقت و وفاداریش بازدارید بمر پوشی و حق نیوشیش دلالت کنید کسی که دروغ بر زبان راند در جگر مردان راه ندارد و هر که حفظ اسرار نتواند و راز دل خود بر ملا سرا بد حکمرانی را نشاید خلاصه غرض از عرض این فقرات آن است که همیشه این نکات خرد آیات را بمن بیکفند و خود نیز مذاکره می نمودم تا این مطالب از برای من بمقام ملکه رسیده و دوستانان پدرم آن چنان بکتمان راز عادت دادند که با وجود طفولیت و عدم تمیز در امور مهم و مهمات عظیم با من شعور کرده طومار راز خود را در نزد من بازمی نمودند و بسوا بدید من در چاره جوئی و احتیاط لاس ( باقی دارد )

مطبوعه و اداره خانه اختر

قدراسته باطل است نمرة ۲۵  
در کارهای منطبق با اداره به آقا محمد ظاهر  
رجوع میشود .

اسامی وکلای کرام در ممالک دور و نزدیک  
کامی در حقیقت آخرین نکاشته خواهد شد .  
روز چهارشنبه ۲۵ ذی الحجه سنه ۱۳۹۶  
۲۸ تشرین ثانی روی و ۱۰ دیسامبر ۱۸۷۹



تعمیرات بدلات سالیانه

دارالسلامه اسلامبول ۰۳ مجیدی سیم  
دیگر ممالک بر سه عتایه ۷۵ فروش صاخ  
ممالک محروسه ایران ۲۵ فران  
ممالک هندوستان و بنادر ۱۵ روی نمرة  
ممالک روس و قفقاز ۱۵ روبل کاغذی  
ممالک اروپا ۲۵ فرانک  
یک نسخه ۶۰ پاره است .  
اجرت پوست همه جای بدهنده اداره است .

این نامه از هر گونه وقایع و اخبار و از سیاسیات و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن می گوید . هفته یکبار طبع می شود . اوراق  
و نوشتهجات سودمند را باستان می پذیرد . در نوشته کاذبانهایی که از خارج میرسد اداره آزاد است . کاغذی را که نوشته نمی شود  
صاحبش نباید اسناد بکند . کاغذهایی که پول پوست ندارد قبول نخواهد شد .

نگر امها

از لندن ۲۲ ذی حجه بموجب خبر  
تلگرافی که از کابل رسیده است از جانب کوماندان  
انگلیس مقرر بوده است که چند فوج از قشون  
انگلیس برای کرناری فرارهای قشون افغان  
که در قتل هیئت سفارت انگلیس مدخلیت داشته  
اند فرستاده شود . میگویند فرارهای متعسر  
یکوههای آسمت کر یخته و متواری شده اند .

از لندن ۲۳ ذی حجه بموجب اخبار نامهای  
امروزی میگویند . از جانب دولت روس  
( مسیو زویکوف ) بجای ( پرنس لایفوف )  
بسفارت اسلامبول معین خواهد شد . نیز  
میتریند ارناو و دعا در میان خودشان مشغول  
مذاکره هستند که آیا جاهایی را که بموجب  
معاهده بر این باید بمحکومت فرطیخ واکدار  
شوند ترک نمایند و باز ترک کردن آنها امتناع نموده  
مقابله پردازند .

از پترزبورگ ایضا بموجب خبر  
شورچاقوف ( بازسازی بعمده ) خسود گرفت  
که کارهای وزارت خارجه را رسیده می نماید .

از برلین ایضا بموجب خبر دولتمای اروپ  
در این نزدیکی استقلال حکومت رومانی را تصدیق  
خواهند نمود .

از لندن ایضا بموجب خبر از جانب وال  
هندوستان مقرر شده است تا اینکه حکومت برمان

از جهت بی احترامی که به برقی انگلیس کرده است  
رضیه ندهد اینچنینی برمان در خاک انگلیس  
پذیرفته نخواهد شد . این قرارداد والی مشارالیه را  
مطبوعات انگلیس بسیار تحسین میکنند و معتنون  
است که حکومت برمان رضیه را که در اینباب  
خرامه شده است بدهد .

دولت انگلیس مذاکرات دوات روس را  
در باره افغانستان بطور قطعی رد کرده است .  
انگلیس در خصوص افغانستان مدخله روس را  
نمیخواهد سهل است که در خصوص تنسیقات  
آینده افغانستان نیز راضی نمیشود که بدوات  
مشارالیه مذاکره کرده شود .

از لندن ۱۸ ذی حجه بموجب خبر  
تلگرافی که از ( پالمورالد ) رسیده است علیا  
حضرت ملکه انگلستان که جزوی ناخوشی  
مزاج داشتند بهبودی حاصل کرده است .

اخبار نامه ( دبلی نوس ) میگوید . جناب  
مختار پاشای غازی بسخت ( برزین ) حرکت  
کرده است . بموجب اطلاعاتی که به حکمران  
قرطاج رسیده است قمره تسلیم قطعه خوبینه  
روز دوازدهم ماه کانون اول فرنگی بطور  
قطعی بوقوع خواهد رسید .

از جانب وال هندوستان کاغذی بمحکومت  
انگلیس فرستاده شده است در کاغذ مذکور  
نوشته است که . مقدار مصارف اردوی انگلیس  
که بافغانستان فرستاده شده است خیلی زیاد  
شده است .

از برلین ایضا بموجب خبر از جانب پرنس  
بشارک یکقطعه بیاننامه عمومی بجهت سفرای المان  
که در پای تخت دواتها هستند فرستاده شده  
است . پرنس مشارالیه کفایت تبدل پولیتیک  
المان را بتواتر آینه امیر دیده اظهار داشته است  
که مناسبات پواترکی دولین المان و روس بطور  
زیست که مردم میخواهند اسناد بدهند .

( کازت ناسیونال ) در مقاله مخصوصی  
که نشر کرده است میگوید . مناسبات دوستانه  
دوین انگلیس و فرانسه بواسطه اینکه در مسئله  
مصر در میان دوین مشارالیهما اتفاق حاصل  
شده است وسعت و عتق پند کرده است بجدی  
که احتمال اتفاقی که در میان دولین روس و فرانسه  
بتواتر گفته می شد بدرجده محال رسیده است .  
دوات روس که بعد از وقوع اتفاق المان و اوستریا  
در حالت انفراد بود از این گونه اتحاد دوین  
فرانسه و انگلیس نیز بکلی تنها مانده است .  
در این حال صلاح دولت روس در آن است  
که با صلاح کارهای داخلی خود پرداخته ملکت  
خود را آبادان نماید .

از پترزبورگ ایضا بموجب خبر بطور غیر رسمی  
و موثق میگویند پرنس شورچاقوف وزیر خارجه  
روس بطور قطعی از ماموریت خود استعفا  
خواهد کرد . اعلا حضرت امپراتور روس  
خودشان کارهای متعلق وزارت خارجه را  
رسیده می خواهند نمود . ( مسیو زویر )  
تفرعات کارهای وزارت خارجه را اداره خواهد  
کرد . ( میرسکی ) نام که قصد کشاکش ( جنرال

در لندن) را کرده از جانب محکمه حکم قتل در باره او داده شده بود مظهر صد و اعلا حضرت امپراتوری شده از قتل رهایی یافت .

از وین ایضا ﴿ استعقای ( کونت زیچی ) سفیر اوستریا مقیم اسلامبول از جانب دولت اوستریا پذیرفته شده است .

از مسکو ایضا ﴿ در زیر تظسار راه آهن که اعلا حضرت امپراتور میگذشت نفی ساخته شده بوده است . تقب مذکور بفاصله نیم ساعت بعد از گذشتن قطار اون که قطار دوم میگذشت آتش گرفته است . مرتکبین تقب مذکور پیدا شده است . اعلا حضرت امپراتور را آسیبی نرسیده بکمال صحت بمسکو وارد شده اهالی شهر مسکو امپراتور مشارالیه را با آوازه های بلند تهنیت و ثنا خوانی نموده بطور لایق استقبال کرده اند .

از لندن ۲۰ ذی حجه ﴿ اخبار نامه ( نایس ) در نسخه امروزه خرد میشود . عسا کر جمهوری ( شلی ) ( ترا باکا ) را ضبط کرده است . تلفات طرفین بسیار برده است . نیز اخبار نامه مذکور مسکو بد . توانگران و صاحبان ثروت تبعه خارجه که در سانس ( شلی ) و ( پرو ) و ( زونویا ) هستند از جهه وقوع اینگونه جنکهای بی معنی از آنجاها بیرون میروند .

اخبار نامه ( دبی نیوز ) میگوید . در میان دولتین ایران و انگلیس اتفاق حاصل شده است که در اول بهار آینده هرات را بطور مشترک ضبط نمایند . نیز اخبار نامه مذکور میگوید . دولت انگلیس بطور قطعی مقرر داشته است که ممالک افغانستان بمحکومتهای کوچک متعدد قسمت کرده شود .

از برلین ایضا ﴿ اینکه روایت می شد در میان دولتین المان و روس تازه کی مقارنت افکائی حاصل شده است بی اصل است . سبب انتشار روایت مذکور این است که . ولعهد روس در هنگامیکه در وین بود خواهش نموده بود که پاره مواد مساوله نامه اتفاقی که در میان دولتین المان و اوستریا بسته شده است مشارالیه نشان داده شود و از جانب دولت اوستریا

نیز خواهش مشارالیه پذیرفته شده مواد مذکور نشان داده شده بوده است . حال آنکه اینگونه خواهش از جانب دولت فرانسه نیز واقع شده و هم قبول کرده شده بوده است .

از قاهره ایضا ﴿ خبر داده می شود که از جانب حکومت مدرس بر تشد حکومت حبش بتجهیل تمام تدارکات جنگ دیده می شود .

از ترسبورگ ۱۸ ذی حجه ﴿ اعلا حضرت امپراتور را امروز با بهار ارد شده . از موقت راه آهن بکالسکه سروازی نشسته تا عمارت مخصوصشان رفتند . در هر گذرگاه اهالی شهر در باره امپراتور مشارالیه بطور فوق العاده احترام میکردند .

### اخبار

روز پنجشنبه گذشته جاپان جو دت پاشا و زیر بندلیه و قدری پاشا و رضایک اقدی ادین شهر بشارتخانه دولت حلبه ایران آمده باجناب سفیر کبیر ایران ملاقات نموده اند . در روز مذکور بعضی از سفرای دول متحابه نیز از سفیر کبیر مشارالیه دیدن کرده اند .

امارت ( حضرموت ) که در ساحل دریای عمان و سمت جنوب بر العرب واقع و دارای پانزده هزار نفوس است بخصایت دولت علیه عثمانی دخالت نموده است . بنابراین مسبوع شد که فرمان هایونی بامیر انجمن نوشته شده بواسطه مامور مخصوصی فرستاده خواهد شد .

( ترجمان حقیقت )

اخبار نامه می نویسند . در اثنای فتح اسلامبول پاره خزان در جایی دفن شده بوده است لهند ادر جوار سلطان محمد فاتح دفینه مذکور را بی برده شده بمملیات خفر آن اقدام نموده یک درسیه بار بزرگی که اندرونش مدفون خزانه است پیدا شده است و بکمال گرمی همه روزه غمخیزان را پیش می برند .

از جانب اهالی ایران مقیمین این دارالسلطنه السنیه انشای تمکبه و مکتبی بنام ﴿ حسینیه ﴾ مقرر شده است . در روز جمعی از مستبرین ایرانیان بدین مقصد عالی در قونقلخانه جمع شده صندوق معین و مبنای در آن صندوق هلی الحساب گذاشته شده است . جناب جلالآب امین الملک سفیر کبیر بموجب دعوت طاعت تشریف فرمای مجلس شده ریاست هیئت اداره را قبول فرموده اند . اهدافی جهت اداره بموجب فرعه معین شده است . اساس مقصود جهت جمع آوری ثغوا از اهل خیر و احسان است برای تاسیس بنای خندمی بنام ( حسینیه ) که سید و محصل اجرای آیین عام بوده دو آن ضمن مدرسه متعلمی بسازند در آئینا از حرکت هم وزان که در این زمان لازم است تدریس بشود و از شروع این مقصد انشای یک شناخانه و مهمانخانه غربا و مسافرین حجاج و غیر ذلک خواهد بود .

تفصیل وضع جمعیت مذکور و نظاسات و قرارها و اسامی کسانی که برل میدهند و اعانت میکنند در ضمن روزنامه در ثانی نوشته خواهد شد .

در مجلس دیروزی بعد از خرمایشان بسیار مؤثر کتاب سیر کبیر در توبه و یوب این مقصد مقدس و تشویق اهالی فرموده اند . مترب الحاقان حاجی میرزا نجفعلی خان جزال نونسل خطابه بیان کرده است که جامع مطالب عمده این جهت میباشد صورت آنرا مناسب ندیم در اینجا نوشته شود .

### صورت خطابه

بس از بیاس جهان آفرین . و ذر و دوستایش پیغمبر رادی که ما را از بیگانه پرستی براه راست یگانه پرستی راه نمایی فرمود . و کتاب الله و صرت را برای این هدایت و اتمام نعمت و ابلاغ حجت در میان امت بردیست نهاد . صلی الله علیه وآله و المقنفین با تاره و اناء همین علی منواله .

در این روز مبارک برای تاسیس اساس نیکی که ما را سرمایه سعادت و نیک بختی است . این انجمن عالی تشکیل یافته مضربین ملت و آذابان نیجار و کسبه و اصناف در این محفل یک نیت پائی بجهند . جناب جلالآب اجل امین الملک دام اقباله العالی که در حقیقت مؤسس این اساس طلی هستند با جمع اجزای سفارت کبری در این مجمع تشریف فرما شده اند مقصود از این اجماع را برای اطلاع همه حاضرین

که بغایان نیز تبلیغ خواهند کرد با جلال عرض میکنم .

ماها که ایرانیان هستیم در میان ملتها ناموشانی داریم امروز ملتهای غرب زمین کار ترقیات خودشانرا بجان رسانیده اند که حق دارند در ماها بچشم حقارت نگرند . بعلمت آنکه علم معاش و تمدنرا بالا برده اند . علوم و فنون و صنایع را بدرجه قصوی رسانیده اند . ماها از علم و هنر بکلی عاری مانده ایم حرفی نیست در اینکه بی علم نه دین معمور است که دنیا . نه کار معاد منظم است نه کار معاش . الحاصل ماها که جهت زیادی در اطراف ممالک عثمانی داریم . و مرکز تجارت و کاسبی جمعی از اینسای وطن ما این بای تخت بزرگ است . در اینجا نمیکتی داریم و نه شفاخانه و جمع آینی که عبارت از یک حسینیه باشد که در ایام محرم همه ملت در آنجا جمع شده آیین عزاداری را که فرضه ذمت دیانت ما است و غیر از آن مناسی برای دنیا و آخرت خود نداریم در آنجا بکمال شکوه برپا داریم .

لهذا همته گذاشته بنا برقرار داد جمع روز عید سعید قربان که در حضور جناب جلالت اجاز معین الملک دام اقباله عالی در سفارتخانه بزرگ داده شد . روز غدیر پنجم جمعین از معتبرین ملت جمع شده قرار می یافتند دارند . و موافق انقضای داد امروز همین گردید که همه جمع شده صندوق ترتیب و مبلغی بجا و افتخارها در آن گذاشته شود . و در ثانی جمعیتی که بقدر دوایه نفر هستند از میان ملت انصاف شده اداره این صندوق بعهده ایشان واگذار شود و هر کوزه هم راه جمع آوری آنخواهرا با همه فروعات آن ترتیب معین و بکمال مواظبت و جان فشانی معلوم کرده باجرائی آن پردازند . و بصواب بدین ایشان و وسایع معتبرین ملت در جای مناسبی زمین خریدند یک تکیه حسینیه و عبادتگاه مات و در آن ضمن مدرسه و شفاخانه و همان خانه حجاج و مسافرین ساخته شد . بنابراین امروز که روز میمون و مسعودی است ملت ایران برای تاسیس این بنای خیر در اینجا جمع شده و بیان نیک بختی خودشانرا میکنند . بعضی هم وطنان مانصور نکند که این کار کوچک و غیر مهمی است بل اهمیت این اساس را باید در دل غیرتمند خودشان جاداده هم ملت را از نیک و کوچک نیز از درجه اهمیت این امر عظیم تلفات سازند و آگاه کنند که زمان آن زمان نیست که بی عمل

و اسباب ترقی و پیش رفتها بعد از این زنده گانی توانیم کردا کنون وقت آن است که یک مکتب بسازیم که از نتایج آن هم دین حفظ شود و هم علم دنیا داری و راه معیشت و ترقیات خود ما را یاد بگیریم . مردمان دانا و آگاه در اینجا بیت بشود یادگاری برای اخلاص و فرزندان وطن بگذاریم . از این اتفاق شما که در اینجا هستید سایر افراد و جمعیت های ملت در اطراف وطن نوبه بردارند و بر این منوال افتخار کنند .

این یکی را بکمال اهمیت میگویم که تلفات باید بود بر اینکه قوم دین و مذهب و آیین و بقای ملت و وطن شرف و نیک بختی در همه وقت خاصه در این جزیر زمان که کارها بجای بسیار باریک رسیده و جهان وضع دیگر نموده و کارها هم روز بروز ترقی است ممکن نیست مگر آنکه علم و دانشوری و آگاهی ملت خود ما را ترقی بدهیم و حفظ کنیم . و ماها که در این ملک نزدیک بفرنگستان هستیم باره مطالب را می بینیم که بسیاری از هم وطنان ما که در همه شرف و رفاهت نیستند . می بینیم که سبیل استیلائی فرنگستان رو بسوی ما می آید . چون این سبیل تنها با علم و هنر و فرهنگ و اتفاقی مانع جان فشان بسته میشود پس . پس وقت غیر از وقت نباید کرد و بیاره کار را پیش از وقت باید نمود . همت باید کرد تا در تاریخ جهان نام نیک گذاشته شود .

ماندن نام نیک و آثار خیر نه بلفظ و سخن است بل بعمل و کار باید نام گذاشت ملت و وطن را زنده کنیم نعمت های خودمان و مردمان باشیم در راه غیرت دیانت و ملیت و قومیت خودمان .

خداوند یکگاه پادشاه مهربان ایران و انبیا ایرانیان اعلا حضرت امیرالمؤمنین شاعر ما بود و منصور فرماید . و او ایسای دینش را بکارهای نیک و ملت پروری موفق داشته روز بروز عز و دولت اقبال جناب جلالت آید . معین اندر روز افزون فرماید . که از این بانگ ایشان اینگونه تألیفات خیر را در این بای تخت اقدام میشود . و بواسطه ترقی پروری ملت ایران میشود . و وجود مسعود ایشانرا خسایه ای از هر کوزه بدینا محفوظ دارد . خدای سبحان اجزای سفارت کبیری را در پروری این ملک حضرت معین الملک خاص انوار و ایشان و عظیم ملت ما را با نیت و نیت دو جهاندار

بدوام روز دار موفق فرماید بحرمه محبت و آله العظامین

(جریده جوانان) میتوانستند در اطراف (باقلو) نام حال که در روح زنده است اصول واقع است ملت روم برای تدوین بنائین بزرگخانه خواهند ساخت . برای ساختن بزرگخانه مذکور تا کنون زنده رهش هزار ایوا از جناب ملت مذکور بطور اعانه جمع آورده است . مبلغ مذکور در بابی (شرکت سرانی محفوظ است) . اعضای کمیته (ج.تی) که برای ساختن بای مذکور مأمورند از بزرگخانه روم خواهش کرده اند که برای گذاشتن اساس آن بزرگخانه روز مخصوص و مبارکی تعیین کرده شود . (واسطی) نام شخصی معمار بانصدا برای ساختن آنجا اعانه داده است . بزرگخانه مذکور از روی نقشه بزرگخانه (تسال پتریل) نام مشهور که در پاریس هست ساخته خواهد شد . بزرگی سرسره و زمین بنام مذکور نیست و آنچه از ذرع مربع بوده بنا را در همان آنجا ساخته در کوشه های آنجا جاهای ناموس برای مشخصین دیوانها ساخته شده ماتی را مشهور و کل کاری خواهند نمود . مسازق ساختن بزرگخانه مذکور در هزار بر زمین کرده شده است .

روزنامه های دیگر هم نوشته بودند شخصی از ملت روم برای مسازق بزرگخانه مذکور یک هزار و نماند سایر بطور اعانه داده ولی خواهش نمودند که در آنجا کارها ظاهر نکنند (در هر قیوتی و زهی همت و زهی حیرت)

آنکه این معانی را در این معانی

ظلمت از آنکه است چه در آنها غریب آخرت است ولی شایع غریب دنیا و آخرت هر دو . و اعظم احسان هر دو در این اجرای عدالت است که از این بانی با عدالت . و هر فردی از افراد معین کثرت عدالت است . در هر کوزه عدالت عمل قابل ظلم باشد محقق است که عدالت سعادت داری است چنانچه گفته شده است تو سیر وان که بر او این محوس بود عدالت داشت که داشت داشت دین و عدالت

نخواهد گشت . حضرت ختمی مآب از روی افتخار فرموده اند ( ولدت فی زمن الملك العادل ) .

وهیکه مسلمین در نظر بیگانگان پیدا کرده اند بعلت ظلم اطلاق است . مدت است که این امت از سوء نتایج ظلم ظالمان از اوج سعادت بغضبض بدختی افتادن گرفته است . والا شریعت شرای اسلام مادامیکه اساسش بر عدل است ممکن نیست چنانکه بعضی اصحاب اغراض کجای برده اند سب پریشانی ملک و ملت بشود .

این بستی حال و سوء مآل که در طوایف اسلام زیده میشود همه نتیجه ظلم است . بسیاری از حکمرانان پیشین از جاهل و فوج انحراف و طمع دنیا چشم حق بپوشانند از مینای رعد بی بصیرتی نموده گذشته از آنکه جانب حق را فرو گذاشتند پس اتحاد امت و اتحاد ملکت را نیز که سرآمد و سبیل دیندار است مداشتند . و ناحقهای بسیاری را بسم شریعت مظهره بگری داشته کار را بجائی رسانیدند که ذیل عهده اسلام و سرخ تاجی انام را لکه دار نموده و حقی بر دلهای ملل غیر مسلم انداختند .

باوجود اینکه افعالشان هیچ دینی یقوانین شرعیه نداشت در همه عالم چنان شهرت یافت که حکمداران اسلام هر چه میکنند بموجب اوامر قرآن است . حاشا ! این امر بر تاریخ دانان منصف پوشیده نیست که اگر ملوک اسلام شریعت را اساس قانون قرار میدادند و با اوامر قرآن عمل و از نواهی آن حذر میکردند . صورت ملک و امنیت بیگانگان بفرود دیگر بود . و بقول بزرگی از بزرگان ( کائری نمیانند تا بجاهدی لازم باشد ) بسیاری از حکم کنندگان تخم فساد طاسخ و اخلاق خودشان را چنان در این مزرعه مقدسه پاشیدند که عاقبت خار و خش ظلم و لیباب بطلان راه علم را صعب العسور و درخت برومند تنبل و دادرا ملثوی و مستور ساخت . و سران قوم جهل مردم مرا وسیله تنفیذ احکام جنبه خود دانسته شریعت را روپوش معایب ناز خود ساختند . اگر هم در آن خلال بعضی از ملوک با عدل و داد و امر و اعمال با حکمت و سداد بر می کار آمدند چاره اصلاح آن مقام را اندیشیده بفسد مقدور در تخریب و اصلاح خطاهای

گذشتگان کوشا دند . لی چه فایده که خیالات ناشایسته مانند خون فاسد در هر روفی بیگانه و بیگانه بحدی ساری و چای شده بود که تدابیر اصلاحیه نمری نه بخشیدند خاصه بعد از طی طومار زمان ایشان دوباره بازار ظلم و جهل رواج یافت .

ذکر قابلیت امرای اسلام در اجرای قانون اساسی شرع مقدس اقدام و در ایفای موجبات احکام منیف اهتمام میورزیدند گاهی آفتاب اقبال ملل شرقیه غروب نمیکرد . نه این روزها را میدیدند و نه این همه مضمریات ناگوار را میشنیدند .

مسلمین مامور و مکلف بمسئول و امت در حق هر قوم و ملت و ممنوع از عداوت بی جهتند . باید در مقام نظم و انضباطی ملک و ناموس خود بجاهد باشند . و در صورتیکه از جانب معاندین تجاوز واقع شود باز عدول ( و جادلهم باقی هی احسن . . . ) مأمورند که بنیب کورترین وجهی با ایشان معامله نموده انعام حجت نمایند . و اگر بمضا امر به غلظ و شدت وارد شده است معنی عام نداشته بل باقضای وقت در حق قوم مخصوصی بوده که در اوایل ظهور دین الله بشدت تمام در اطفا آن نور هدایت سعی و کوشش نمودند . حتی آیت وافی هدایت قرآنی که خیر از مودت نصارا میدهد با جمیع امم عموماً و با گروه عبویان خصوصاً در مقام صلح و مسالمت بود ترا ایما فرموده است .

بالجمله حال وقت آن است که سران اسلام و افراد امت کار گذشتگان را بنظر عبرت ببینند آرایش اخلاقی فاسد و لکه های جهالت را که از آنها باقی مانده با ب علم و تربیت بشویند و بجانب عدالت و حقانیت را نگاه داشته از ظلم و اهناسف کتاره جویند .

این ذلت امت نه از آن است که دشمن قویست بل از آن است که عامه از معنی عدالت و داد غافل و خواص در اجرای آن گرفتار انواع مشکلات شده اند .

فرقان منزل کی مومنین را از آموختن حکمت و درک قوانین کلیه طبیعت مانع است ؟ کی از نظم ملک و تربیت رعیت و اجرای عدالت و حفظ حقوق تابع غیر مسلم و استعمال وسایل اعزاز ملک و اسباب تقویت و شوکت دولت نمی فرموده

است ؟ آیا سنت پیغمبر و مسلك ائمه اسلام منحصر بر رسومات عادی و آداب ظاهر به است ؟

جیبجیب ملل غیر مسلمه تمدنه از زبان و آداب جیبجیب ملل غیر مسلمه تمدنه از زبان و آداب مسلمین و عرف نام بهم رسانیده اند ولی اهل اسلام با وجود اینکه بجهت آمون بو دن از کید اقوام مأمور با موختن السنه ایشان هستند افلا زبان جبار ملاصق و وطن خود را باشد نمی آموزند زبان بیگانه بنامد بجای خود . در صورتیکه برای تحصیل علوم و حکمت مأمورند که تا باقصی زمین بروند و آنرا بیابند خیلی وقت برای انتظام امور جمهوره حاج به بیگانگان میشوند . بموجب شرع انور انواع از فساد و مأمور اصلاح زمین هستند اما اکثر مالک اسلامیه گرفتار سوء اداره و دوچار سقالت و بی نظمی شده است .

حامی اسلام نه انگلیس است نه روس نه فرانسه نه بروس بل اجرای تمامی شریعت و اطاعت به اول الامر و تجنب از خلاف قوانین منیف ضامن بقای اسلام است . قوانین اساسیه اروپا کجا مخالف شریعت اسلام نیست بل شرع انور جمع قوانین حسنه را جاریست . اما در صورتیکه از آن بکیف و دلخواه خود تأویل و تطبیق نمایند و در ترتیب و تنفیذ آن یا از روی تعرض و یا بجهت سهل انگاری و غفلت اهتمام نوزند چه فایده از آنکه بچلد و کاغذ آن متمک باشند .

یک مطلب عمده دیگر هست که در اسلام کلبا فراموش شده است و آن ( موعظه حسنه ) است . افسوس که این امر خطیره منحصر به بعضی از کلمات رسمیه شده است . و حضرات واعظین کوبی باین نکته بر نشورده اند که اصلاح افکار عامه وابسته بدربایت و کفایت ایشان است . در نزد خدا و رسول و در وجدان اصحاب عقل و شعور طایفه واعظین پیش از همه مسئولند . تربیت و تلمیه اذهان مردم بحول عهده این صنف جلیل است . و اعظم احتیاج اسلام و اعظم فاضل حکیم بممل آوردن است .

ملل اروپا از سایه سعی و غیرت و اعظان شان منافع کلی برده و می برند چه واعظان گذشته از اینکه در میان قوم خود تأثیرهای نیکو میبخشند در میان ملل بیگانه نیز رفته مشغول این امر میشوند . و از این روچه قدر فایده های برند .



# خبرنامه

## سوی در مقابل اتفاق اروپ

بعنوان بالا مقاله مخصوصی در نسخه شماره ( ۷۶۱ ) اخبارنامه ( ترجمان افکار ) که بخط ارمنی و لغت ترکی در اسلامبول طبع و نشر می شود بنظر رسید چون مندرجاتش خالی از اهمیت نبود لهذا ترجمه آنرا در اینجا نقل کردیم .

این روزها در اروپ دو نوع اتفاق شایسته میشود یکی اتفاق المان و اوستریا و دیگری اتفاق انگلیس و فرانسه .

در صورتیکه یکدوایی مجبور این گونه اتفاق بشود خالی از دو جهت نیست باز دیگری و اهمیت دارد و باینکه در صدد آن است که نسبت بدیگری تجاوز و تضال نماید . دواتیکه نه از کسی ترس داشته باشد و نه نخواهد کسی را برتر بماند باید احتیاج به چنین اتفاق نداشته باشد . حال به پیشم آیا دولت المان از که اندیشه دارد ؟ و هراس انگلیس از کیست ؟ و فرانسه از که نشویش دارد ؟ با اعتقاد ما بنقد این چهار دولت هیچ کدام حقوق از هیچ لونه تضال را ندارند . اگر انگلیس ترسی داشته باشد باید از استیلا روس در آسیای وسطی باشد . و حال اینکه فرانسه که متفق اوست برای مدافعه لشکر خود را مستلکات انگلیس که در آنطرف کوههای همایات است ( کوههای هندوکوش ) نخواهد فرستد . اگر فرانسه خیالی داشته باشد باید بر ضد المان باشد . حال اینکه فرانسه بجز به معلومش شده است که انگلیس در چنین محاربه با فرانسه معاونت نمیتواند کرد . المانیا و اوستریا نیز در صورت رسمی اعلان نموده اند که اتفاق ایشان مبنی بر تدافع نیست و این مطلب از ایضا حائیکه پرنس بیسمارک بسفیر فرانسه داده بخوبی معلوم شده است .

پس معلوم میشود دو اتفاق که در میان چهار دولت واقع شده است از برای تجاوز است . این تجاوز هم برخلاف هم دیگر نیست . بجهت اینکه المان فرانسه را در این باب مطمئن ساخته است . و انگلیس هم چون باتفاق المان و اوستریا

یکی اینکه زبان ملل و اقوام مختلفه را آموخته در اخلاق و آداب و اعتقاد و وضع حکومتی آنها کتابها نوشته ملت خود را از احوال طوایف مختلفه مخبر میسازد . این هم از برای اهل تجارت و هم از برای حکومتان منافع عظیمه دارد که در اینجا تفصیل آنها ممکن نیست و دیگر آنکه ملت خود را در نظر اقوام عظمی دانه قلوب بیگانگان را بسوی خود مایل بگردانند .

خلاصه در اسلام اینهم یکی از احتیاجات معنیا است و اقدام اصلاحات اصلاح افکار و اذهان است . چه جلی انسان است که تا خود بطلبی بر نخورد بعضی امر و با سخت گیری از آن و جان بکاری اقدام کردن نخواهد .

چنانچه انتخاب و اعزام کومیسرها و مقرران برای امر اصلاحات لازم و بجا است ارسال ناصحان امین و باعظمان حکم نیز الزم است . مدعیان و متظلمان از سوه اداره و تسلط آقایان عبارت از تبعه غیر مسلمه است . و تبعه غیر مسلمه در ذهنشان چنان جایگیر شده است که مسلمان را خدا برای ظلم خلق کرده است . و باینکه اگر اسلام در میانان هست خالی از شکوه و شکایت نخواهد ماند و این نیست مگر نتیجه وهم و سوسن . اگر از راه انصاف ملاحظه شود بیشتر آشوب مملکت از عدم محبت و سوسن حاصل میشود . اگر اسلامیان و عیسویان یکباره از تسویلات مفسدین و اهل فرض کوش بسته راه و دژ را که هر دو مأورند پیش گیرند هم ملک معمور و هم ملت آسوده خواهد شد . در انجیل مسطور است که محبت سائر جمع خطاهاست .

اگر ماده شکایات را سر هم رفته جمع کنند و با جنایاتی که در اروپ در عرض سال واقع میشود مقایسه نمایند آنوقت معلوم خواهد شد که نیک و بد در هر طایفه بوده و هست .

چه خوش میشد اگر ناصحان روحانی طرفین اسلام و عیسوی بتالیف قلوب اهل سعی متوجهند و راه مفرات اصحاب هر ضرا مسدود نموده در ملک اساس صلاح و وفا قرا ذهنی مردم بگردند . و چنانکه حکومت سنیه جدی در صدد اصلاح امور سیاسی بکوشد علماء طرفین هم بنسکین آتش نصب جهال قوم جدا سعی و اهتمام بجای آورند .

امضا

۰۰۰م

راضی شده است ثابت میشود که در صدد مخالفت با ایشان نیست . پرواضح است که این اتفاقها بر ضد دواتهای مثل دولت ( ایتالیا ) و ( اسپانیا ) ( و پورتگال ) و ( سویدن ) و ( نروژ ) نخواهد بود . و اگر تعاقب بدواتهای ( دانیزک ) و ( هولاند ) و ( بلژیک ) داشته باشد آنهم درجه دوم است .

پس در این صورت این اتفاقها بر ضد که باید باشد ؟ در اروپ بغیر از این دواتها بیک نام بریم دیگر کدام دولت هست ؟ آیا بر ضد دولت روس و دولت علیه عثمانی باشد ؟

اگر از این دول متغنه و خصوصاً از آن دو دواتیکه در طرف غرب واقع شده اند ( انگلیس و المان ) پرسند بلاشک جواب خواهند داد که بر ضد روس اتفاق کرده اند . و حتی بعضی از آنها توضیح خواهند نمود که محافظه دولت عثمانی نیز از جمله مقاصد اتفاقان است .

آیا این دواتها بودند که سه سال قبل در مجلس کونفرانسیکه در اسلامبول منعقد شده جلکی روس را بحق دانسته دولت مشارالیه را از جانب جمع اروپ بحد عثمانی توکیل نمودند . آیا دول اروپ که آنوقت برخلاف عثمانی جانب روس را التزام میدادند حکمت و سبب اینکه امروز برخلاف روس اظهار عداوت میکنند چیست ؟

از اینها گذشته وقتیکه بخوانند این اتفاقها را بکشند خواه المان و اوستریا و خواه انگلیس و فرانسه باتفاق روس نیز مقابل بودند آیا در صورتیکه اتفاق دول اربعه بر ضد روس بود دیگر با روس اتفاق کردن چه معنی داشت ؟

پس ثابت میشود و چنانکه بارها اظهار داشته ایم باز بصراحت بیان میزنیم که تعاقب این اتفاق بدولت روس در درجه دوم است و مقصد اصلی از این اتفاق دولت عثمانی است . بر همکنان معلوم است که بیست و پنج سال قبل از این بین دول متغنه بودند که با دولت روس از در مخالفت برآمده جنگ ( فریم ) را میدان آوردند و عهدنامه پارسی را که نتیجه آن جنگ بود بستند . پس معلوم میشود که هر چهار دولت در شرق چشم انتفاع دارند .

آنوقت دول مشارالیهم جانب دولت عثمانی را گرفته در حفظ و صلاح آن اقدام کرده امیدوار

بودند که منافع شرقیه خود را حفظ توانند کرد .

ولی چون بکمان خود ششان دیدند که دولت عثمانی بر طبق مأمول در راه ترقی نمیرد و منافع ایشان در مخاطره می افتد از محافظه این دولت صرف نظر کرده برای تقسیم آن بهم اتفاق بستند .

فی المثل گسایکه میخواهند اسباب خانرا بپایند آرزو میکنند که در آن خانه حریق ظهور کند ( دزد بازار آشفته میخواهد ) چون میخواهند که اسباب و اشیاء آن خانه بسوزد بعضی اینکه اشیاء میخواهند آتش بگیرد فی الفور برای خاموش کردن آتش بر آن خانه هجوم می آورند . دول اروپ نیز چون دیدند که دولت روس شمله کرد نتوانستند آن جاها شیکه مضح نظرشان بود بدست غیر بیفتند لهذا از هر طرف سرهارا بلند نموده برای هر چه در عهدنامه ایستة نوس هر چه می داشتند از دست برداشته اند .

آنکه در تمامش کردند ولی قدری هم از اشیاء خانه بپایند . یعنی بر سینه را و دیگرى جزیره قبرس را در تصرف خود دولت عثمانی را بدست از دست آوردند و از آن گذشته اندر شرقیة خا که در حریق بپوشانید است . نمانده آنکه دولت عثمانی در آن ایالتها هم برای دیگر فواید و منافع در آن ایالتها صغری تمام منستان و دیگر ایالتها را تا بسلاطینک راهی باز نموده و منافع آن ایالتها را در دست می گیرند که از این راهها در آید .

خلاصه . و تهای اروپ تا بحال بعضی برای منافع خودشان دولت عثمانی را محافظه نموده بر ضد روس برخواستند الان چنین نماید که چون میخواهند مثلا این دولت را در ایران خود تقسیم نمایند در دست آن همانند که با روس بنام مقاومت برآید . پس اتفاقی در آنکه در بصر از این دیگر مبنی بر هیچ مقصدی نیست . مقصد اتفاق المان و اوستریا آن است که مستحکات جانب اروپ عثمانی را و نیت اتفاق اسکایس و فرانسه مستحکات آسیا و افریک این دولت را بطور مفاصحه غصب کنند .

چنانکه روس چشم بمالک عثمانی دارد دولت های اروپ هم بهمانطور طمع تصرف این مالک را دارند و رقابتی که در میان ایشان هست

بعضی از همین جهت است . همیشه دولت عثمانی با یکی از این رقبا اتفاق نموده با دیگری مقاومت کرده است . تا بحال رقیب را که این دولت ترجیح میداد دول اروپ بود . ولی دولت علیه اتفاق دولتهای مشارالیه را خیلی هم از آن بدست نیاورده بود بلکه با ایشان در شرقی مبالغی نفوذ و حقوق داده آن اتفاقرا خرید . ولی عاقبت اروپ آن اتفاقرا هم مغایرت کرده دولت عثمانی را بدست دشمنی وا گذاشت که خودش از برای این دولت تراشیده است .

اول دولت عثمانی اروپ را می بیند که بیشتر از روس درباره خودش قصدشتر دارد . در این صورت گذشته از این که در اتفاق اینها سعی کردن عیب و بی نمر خواهد بود اگر اتفاق کردن هم نخواهد آنها را رضی نخواهند شد چونکه اگر این چنین اتفاقی را با دولت علیه میخواهند وقتیکه با چنان خصم قوی دست و گریبان شده بود باید ادش می آمدند . چون کار به اینجا رسید دولت عثمانی بناچار باید با رقیب مقابل یعنی ( روس ) اتفاق بکند . چنانکه بر ضد اتفاق دول اروپ منافع این دو دولت شرقی مشتمل است . حکومتهای کوچک شرق یعنی ( رومانی ) ( سرب ) ( قرقطاش ) ( بلغارستان ) ( رومانی شرقی ) ( یونان ) و باینا را از آن برده اند . دولت عثمانی هستند نیز منافعیشان با منافع دولت علیه مشتمل است . بجهت آنکه بنسب به نیت پارس بسازند در صورتیکه دولت اوستریا تا بر غلظ اسلامبول ملکش را رسمت بدهد و مستحکات رومانی بکلی از دست دولت عثمانی بیرون رود استقلال و جنسیت این حکومت های کوچک و اجناس محافظه میخواهند شد .

بنابر این چنانکه چنددی قبل در یک مقاله مخصوصی اظهار داشته بودیم باز هم تکرار می نمایم برای آنکه دولت علیه از منافع این اتفاقهای اروپ خاطر جمع باشد باید با حکومت های رومانی در عهد اتفاق مسامحت نماید و هر چه زودتر باشد بهتر است حتی برای استحصالی این اتفاق قدری هم متضرر بشود باز منتفع برده است بجهت آنکه تا پروز با وجود اینکه این ولایتها بلا واسطه در تحت تابعیت دولت عثمانی بود چون دشمنی ظهور کرد گذشته از اینکه حکومت مشوعه خود معاونت نمیکردند یا دشمن او اتفاق کرده برخلافش قبام

نمودند . ولی چون این اتفاق که ذکر کردیم حاصل شد اقوام مذ کوره بسبب آنکه در تحت اداره حکومت ممتاز و مستقل هستند قوت شان را بر قوت دولت علیه ضمیم نموده آوقت دولت علیه دیگر ارضیج دشمنی و خصوصا از مخاطره که از طرف شمال مأمول است اندیشه نخواهد داشت .

الحاصل الآن در اینکه عثمانیان و اقوام اسلاو ( مغلاب ) و سایر طوایف شرقیه را تخویف و تهدید میکنند حرفی نیست . و از برای خاطر جمع بودن از این مخاطره باید دولت علیه و حکومت و اقوامیکه در این مخاطره مشتملند عقد اتحاد و اتفاق کنند . و بعضی بدین وسیله میتوانند از این مخاطره خلاص شده استقبال خود شانرا تأمین نمایند .

و این اتفاق که عرض شد آنقدر طبیعی است که در صورتیکه هنوز آری از وجود آن ظاهر نیست در نظر دنیا و مائتای ( کار آگاهان ) اروپ مشمل این است که صورت گرفته باشد . چنانچه بعضی از کارتها که از این اتفاق دول اروپ سخن میگویند می نویسند که این اتفاق سه اتفاق است . دو اتفاق همان است که ذکر شد و ثالث اتفاق مابین دولت عثمانی و روس و سایر حکومت شرقی است .

اخبار نامه ( کالوس ) نام روس باره مناسبات دوستانه و نیکخواهی دولت روس را در باره دولت ایران یاد نموده میگوید بجهت اینکه اسرای ایران را در خیبوه از دست اهلی آنجا خلاصی داند و وطن خودشان فرستادیم و نیز در باره وا گذاری قطعه ( قطور ) بدولت ایران در نزد دولتهای اروپ توسط بودیم دولت ایران هم در مقابل اینها در این اثنافروخته شدن آذوقه و لوازمات به اردوی روس که بر ضد ترکمان حرکت کرده است بر عیبت خود غرضن نموده است و اینگونه رفتار دولت مشارالیه در واقع خارج از مناسبات دولتها است . در این ضمن ما را ( یعنی دولت روس ) را لازم است که از دولت ایران در مقابل ضرر و خسارتی که از عشار اکراد تبعه ایران که بیوسنه حدود را تجاوز کرده ایالات قلمرو روس را غارت میکنند مبالغ کلی معاور تضمینات خواسته باشیم که هرگاه

تضمینات مذکور داده نشود مابین مانند دولت اوستریا که ابالاتهای بوسنه و هرسک را استیلا کرده است قطعه آذربایجان را که از ابالات پرمتمنت و حاصل خیز ایران است استیلا می نماید .

اختر

مطالعات خود را در این باب در نسخه آینده می نویسیم

اخبارنامه (تویه و برهیا) نام روس در باب وقوع و عدم وقوع جنگ تازه مقاله نوشته ضحنا میگوید این مسئله همه اهالی روس را با اضطراب انداخته است . دولت و ملت روس آرزوی جنگ تازه ندارند . چون بر شاقی وضع مالیه صلح را بر همه چیز ترجیح میدهد . ولی معتقدات مردم درباره وقوع جنگ بزرگی روز بروز زیاد می شود . دواتهای مغربزمین از خیالات صلح و مسالمت پرور ما آگاهی دارند بشرط اینکه در خارج از محاسن و حوصله ماحركات ناگواری واقع نشود دولت روس هیچ وقت خود داری نمیتراند بکنند بر اینکه دولت انگلیس بدریای صیله داخل بشود و برای منع کردن این خیالات انگلیس اکثرین را چاره بهتر از اتفاتی کردن با دولت عثمانی نیست . دولت عثمانی نیز درباره تا حسن توجه اظهار نموده است . اکنون که دولت انگلیس در خضه در زیر پای دولت عثمانی پناه میکند ما را لازم است که دولت

عثمانی را از این مخاطره نگاهداری نمایم . دولت عثمانی را هم لازم است که بموجب اتفاق ننگانداری گذرگاههای دریای سیاه و قلعه سلطانیه را با ما و اگذار نماید . برای ما مستغذ نشدن از افکار دوستانه دولت عثمانی از خطاهای بسیار بزرگ است که به هیچ وجه قابل عفو نیست .

در هفته هفته گذشته بوجه اختصار توضیحی که اخبارنامه (گلوس) نام روس درباره دولت ایران مقاله مکتبی نوشته و یک فقره از مقاله مذکور را هم ترجمه نموده بودیم . سایر اخبارنامههای روس باینکه مقاله (گلوس) را تحسین میکنند باز میل دولت ایران را بیلیتیک انگلیس انکار نکرده براه بیانات خودشان را در این باب می نویسد . از آنجمله اخبارنامه (اژانس روس) میگوید . خسارت حرکات خود سمرانه ترکمانان تکه که بیاناتهای آسیارا جولانگاه خود ساخته اند زیاده از دولت روس بدولت ایران وارد می شود . دولت روس در حالتیکه دارای یک ملون و نیم میلیون معایب و منافع سلاح است از تنبیه ترکمانان عاجز نیستند بدین معنی است که دولت ایران بکلی از رخ قدرتی آنان عاجز خواهد شد . بنابراین دولت ایران را لازم است که ملاحظه نگاهداری منافع طرفین معاونت لازمه

خود را درباره دولت روس که اکنون معظم تنبیه و تربیت ترکمان است دریغ نماید .

بوجب خبر تلگرافی که از برلین رسیده است از جانب دولتین المان و اوستریا مقرر بوده است که صورت مساوی نامه اتفاتی که در میان دولتین المان و اوستریا بسته شده است بدولت روس تبلیغ کرده شود .

اخبارنامه های اتن می نویسند . ( اسپاوس ) نام که از مشاهیر اهرنا ن است از جانب فئسون یونان گرفتار شده از جانب محکمه حکم قتل درباره او داده شده است و اینوزها بیکفر کردار ناشایست خود خواهد رسید .

( مسجوشوط ) بحار که از مشاهیر است سرگذشت خود را بنام ( عمورا ) بطور رساله طبع و نشر کرده است چون مقدمه رساله مذکور شبان مطالعه بود لهذا بترجمه آن پرداختیم .

در هند کامیکه در ( ویلا کوس ) دشت

از ترجمه حکایت نازک

بآنکه مر آنیز بجای اسرای ( فنیس ) استزداد کرد بودند هیچک از اهل آن مملکت کدر آن گشتی بودند مر آنی شناختند رئیس کشتی که ( ناربال ) نام داشت پزند من آمد و از اسم وطن بلز پرسید و گفت که در کدام شهر ( فنیس ) مسکننداری مسقط الرأس و مسکن خویش را یازکوی در پانضش گتم که من از اهالی مملکت فنیس نیستم بلکه دریکی از گشتیهای فنیس دستگیرم کرده بجای اهل آن بلد اسیرم نمودند بجهت این اسم مدتی در زجات اسیری روزگار سپردم باز از رکت همین اسم از آن شدت و غربت جان بدر بردم ( ناربال ) گفت پس از کدام مملکتی جواب دادم که از یونان زمین بسز ( الیس ) فرمانفرمای جزیره ( اتاک ) تلساک

نام دارم پدرم در میان سلاطینی که در عناصره شهر ( ترزوا ) ایاز بر بوند بشیاعت مشهور و بصلو حسب و بایک تنبیه معروف است ولی خداوند بدام شدائش گرفتار و در چنگ حوادثش خوار و از دیدار و بمان ز اولادش بیروم کرده من نیز در نجس او بی سپر جزایر و بحار و صغاری و قفار گشته در اکثر بلادش تخصیص کرده بجهت بدبختی دچار آمدم اکنون بیاری شمساضعی باید وصال پدر و دیدار مادر می کشم ( ناربال ) بصرت در من میگردید و چیزی از عطایای و اهب الصطایا در ماده من استنباط میکرد که هر سائر مردم نمیدید و بحکم اجواتمردی و صداقت بر بدبختی من رحمت آورده بای عمریت پیش نهاد و دست محبت داد و رازی بامن در میان گذاشت که همانا مدیر حقیق

برای نجات و خلاصیم از مهلکه خطیری بدل ارالهام فرموده بود پس بامن گفت هفتادیکه بیان کردی مطابق واقع و از شایبه اشتباه خارج است نیکی فطرت و باکی طینت و تقوی باطن از صورت ظاهر تو پیدا است و بر صدق مقالات خود لیلی واضح و هویدا و بر من نیز محقق است خدائیکه پیوسته بجان و دل طریق بنده کی و اما هوش را پیونده ام نظر عاطفی با تو دارد زیرا که هم تو را چون محبت بسرخود در دل من القا فرمود اکنون مکتبی با تو میگویم اگر سلامت جوی و دستکاری خواهی در پیروی آن لازمه اهتمام را بعمل آورده ثابت قدم باش و در پاداش این محبت و خدمت چیزی بجز کتمان آن توقع ندارم کتم خاطر آسوده دار و از ابراز راز مطمئن باش اگر چه بر حسب صورت هنوزم آغاز شباب

از اسلحه جنگ کتیده از وطن خود دور بشدم  
 دردم حزن و اندوهی حاصل شد که تعریف آن  
 ناقابل و از پیدا کردن عسارتی که واسطه بیان  
 نازات قلب من بشود عاجز ماندم . پیش از آنکه  
 از حدود وطن دوری جویم بختی که از لاریانادر  
 خود هست خودم را با فروش خاک وطن انداخته و آنرا  
 برای وداع بوسیدم و بکمال تحسیر مشتی از خاک وطن  
 عزیز با خود برداشتم . پس از آنکه چند قدم  
 از خاک وطن دوری چشم خور را مانند بار چنهای  
 گشتی که طوفانش درم شکسته و ساحلش  
 انداخته باشد ملاحظه نمودم در آن هنگام بکنز  
 صاحب منصب عثمانی بنام حضرت بهمنر بیسلام  
 دوستانه مرا پذیرایی کرده بچادری که مخصوص  
 برای من در جای خوبی افراشته بودند جایم دادند .  
 پس از آن بحالتی که گویا گرفت شمشیر یک بیماری  
 از جانب یک عثمانی عیش میآید بگوشه چشم  
 بکمال احترام بشمشیرنگریست من هر بدون اینکه  
 بیک کله حریفی برز بایده بر سر شک شمشیر خود را  
 در آورده تسلیم نمودم . پس از آنجا صاحب  
 منصب و جوانی شب بخیری گفتند زدام کرد مرا  
 در حالت بسیار اندوهناکی بحال خود را گذاشت .  
 آیا کسی را که از وطن عزیز خود دور افتاده  
 باشد راحتی ممکن است ؟

آدم را از چشم بیرون کردند آنحضرت خیر را بشر  
 ترجیح میدادند من نیز خسی را بشر ترجیح  
 میدادتم حال آنکه شرطاب آمده از وطن مقدسم  
 که مانند جنت بود بیروم کرد . در ثانی دولت  
 علییه عثمانی باقتضای عاوهت و بلندی فطرت  
 همه خطر را بخود هموار نموده زندگانی من و هموطنان  
 مرا نگاهداری فرمود .  
 چنانکه در دولت هجوار ( یعنی روس  
 و اوستریا ) از پاره سرشار قلبه مرعیت شده  
 بدولت عثمانی منقا اظهار نمودند که ما را باید  
 با آنها تسلیم نماید هرگاه در تسلیم ما مسامحه بشود  
 تا درجه اعلان جنگ کردن تهدیدش نموده .  
 حتی وکلای عثمانی معتقد شدند بر اینکه هرگاه  
 آنها بکنند کان ملت بحار سلطان و نیجه عثمانی  
 نشوند تسلیم نکردن آنها ممکن نیست . چون  
 وضع کار بدین درجه ها و خاتم حاصل نمود  
 سلطان عبدالعزیز سلطان مرحوم دودست خود شازرا  
 بالا کرده اینگونه دعا نمود که : « جناب باری تعالی  
 رضه بیز نادراست من نیز بحسارت خداوندی  
 اید در ارم هیچ وقت نخواهم که چشم از وظائف  
 بیز بانی بر شیده بچاره کنی را که من آنها آورده  
 اند بجهت فوروانقام دشمنان آنها تسلیم تمام همه  
 حال از روی شاهانه من این است که آنها بکند

کار یاری تمام در زمین بشرف واقفان محو شدن  
 بهر از دل مسکنت تسلیم کردن آن است خود را  
 بیوسببه بطور دائمی بدنام نمیکند در هر حال باید  
 عوجب اراده شاهانه من مدارکات تدافعی را  
 اقدام کرده شود .  
 خاندان خدایشان مشارالیه ما را تسلیم نمود  
 مع ذلك جنگی نیز بدین وسیله واقع نشد . در ثانی  
 بتوقف ماها در سمت اناتولی قرار داده شد .  
 از تاریخ آن شب مظلم که بحارستان بظلمت تسلیم  
 و تسدی مغلوب شد تا دو سال دیگر در اناتولی مانده  
 پس از دو سال حسب القدر از آنجا بانگلستان  
 هم باعریک که مملکت آزادی است عزیمت  
 نمودم .  
 مع ذلك میگویم تا کنون در هر طرف دنیا که  
 مظلم حسن توجهات مردم شده ام توجهات یک  
 مردم بشخص من مانده است بل راجع به مردم ملت  
 بسیار است من نیز از اینگونه حسن توجهات استفاده  
 نمودم . اهمیت و حفاظت مسئله بحارستان را بجهت  
 دنیا اعلان نمودم .  
 ( وقت )

و بدایت کار است اول فرازونشیب و هرم روزگار  
 بتسایب آورده و چاروب دیسک و تیرم در عتقوان  
 جراتی بیرون نمودم اطمینان بمنظور از گرفتن اسرار  
 خود درم بامانت مردم بلایع بجهت خبیانت  
 و اسرار ابرار را بهیچ عنبر آشکارا نخواستم کرده  
 ( تا تاریخ ) گذشت بیکونه با این سمرس و اول  
 تجربه از داری را شمار خود رسانیده دوست  
 میدارم که باز گوی تا بچین وسیله از گونه کسب  
 مخارم و تمذیب اخلاق کرده که بایه سلوک متقلا  
 و باعدم اینم اجمع کالات بی قلیه و بی جیامت  
 در جوابش گفتم و فنیکه البس رتبه بجز شهر  
 ( نروا ) همت کاشت و بهرام محاصر آن مملکت  
 علم افراشت در هنگام وداع مرا بر سر دست  
 برداشت و روی زانوی خود نشاند این  
 مسکنت کردند پس از آنکه از روی

مهربانی جبین مرا بوسه داد چنین گفت اگر چه قوه  
 فهم من و شعور ادراک مطالبم نبرد گدای فرزند  
 خداوند باردیگر روی تو را بمن قناید و مقراضی  
 اجل رفته حیات تو را چون آنکه دروگر کل نازکی را  
 در ابتدای شکستگی با داس جور بدرد در اول  
 سبی و آغاز نشو و نما قطع کنند و در پیش چشم  
 پدر و مادر بشون خوبش فلطمان و با مال سم ستور  
 دشمنان کردی اگر روزی از تفری و شیزت هجور  
 و از راه خرد دور خواهی شد پس رو پر دوستان  
 ز هوا خواهان خویش کرده گفت اینک از نزد  
 شما بیروم و این فرزند یگانه خود را کدر پیش  
 من بسپار هر ریاست بشما می سپارم در تربیت  
 او صرف همت و نبل چند کنید و در زبان جوانی  
 از خطر سم قائل ر بشنید و مزاج کوی او را  
 محفوظ دارید قوت نفس و تزلزل خویش بیاموزید

نمانند زمه و نونهای باشد که برای راستی در پیش  
 بهر سو بیخ و طلب توان داد پیوسته راستی و نکوکاری  
 بصداقت و وفاداریش بازدارید بسر پوشی و حق  
 نبوشش دلالت کنید کسی که دروغ بر زبان  
 راند در هر که مردان را ندارد و هر که حفظ اسرار  
 نتواند در از دل خود بر ملا سرا بد حکمران را نشاید  
 خلاصه عرض از مرض این فقرات آن است که همیشه  
 این کلیت خرد آیات را بمن میگفتند و خود نیز  
 مذاکره نمودم تا این مطالب از برای من  
 بمقام ملکه رسید و دوستانان بدردم آن چنان  
 بکنان راز طاعت دادند که باوجود طفولیت و عدم  
 تمیز در امور مهم و مهمات عظیم با من شیور  
 کرده طسومار راز خود را در زمین بازمی نمودند  
 و بصواب بدین در چاره جوی و اخلاص  
 ( باقی دارد )